



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
الصلوة
والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



نیت و عبادت

حسین ایرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نیت و عبادت

نویسنده:

حسین ایرانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۸ | نیت و عبادت |
| ۸ | مشخصات کتاب |
| ۸ | اشاره |
| ۱۴ | سلام بر |
| ۱۶ | ضرورت و هدف پژوهش |
| ۲۲ | بخش اول: نیت |
| ۲۲ | اشاره |
| ۲۴ | فصل اول: معناشناسی نیت |
| ۲۶ | فصل دوم: نقش نیت |
| ۳۰ | فصل سوم: نیت صادق |
| ۳۶ | فصل چهارم: نیت در توصیلات |
| ۳۸ | فصل پنجم: آثار نیت |
| ۴۴ | فصل ششم: نیت نیکو و نیت ناپسند |
| ۴۴ | نیت نیکو |
| ۴۸ | نیت ناپسند |
| ۵۰ | فصل هفتم: مراتب نیت |
| ۵۲ | فصل هشتم: معیار نیت |
| ۵۴ | بخش دوم: عبادت |
| ۵۴ | اشاره |
| ۵۶ | فصل اول: معناشناسی عبادت |
| ۵۶ | فصل اول: معناشناسی عبادت |
| ۵۹ | حقیقت عبادت |
| ۶۲ | فصل دوم: اهمیت عبادت |

| | |
|-----|--------------------------------|
| ۶۶ | فصل سوم: آثار عبادت |
| ۷۰ | فصل چهارم: انواع عبادت |
| ۷۰ | فصل چهارم: انواع عبادت |
| ۷۱ | الف: در اندیشه و کسب دانش |
| ۷۳ | ب: نگریستن و نشستن با صالحان |
| ۷۶ | ج: دعا و یاد خدا و خوبان |
| ۷۸ | د: دیگر نمونه ها |
| ۸۴ | فصل پنجم: بی نیاز از عبادت |
| ۸۸ | فصل ششم: عبادت غیر خدا |
| ۹۲ | فصل هفتم: فلسفه عبادت |
| ۹۸ | فصل هشتم: تداوم عبادت |
| ۱۰۲ | فصل نهم: مراتب عبادت |
| ۱۰۶ | فصل دهم: عبادت نیکو |
| ۱۱۲ | فصل یازدهم: لذت عبادت |
| ۱۱۸ | فصل دوازدهم: زینت عبادت |
| ۱۲۰ | فصل سیزدهم: عبادت خالص |
| ۱۲۰ | فصل سیزدهم: عبادت خالص |
| ۱۲۲ | اهمیت اخلاص در عبادت |
| ۱۲۶ | فصل چهاردهم: آفات عبادت |
| ۱۳۶ | فصل پانزدهم: اسوه های عبادت |
| ۱۴۲ | فصل شانزدهم: تقصیر در عبادت |
| ۱۵۰ | فصل هفدهم: بهترین عبادت |
| ۱۵۲ | فصل هجدهم: عبادت کنندگان حقیقی |
| ۱۶۰ | فصل نوزدهم: عبادت و ولایت |
| ۱۶۸ | فصل بیستم: عبادت در حکومت مهدی |
| ۱۸۰ | فهرست منابع و مآخذ |

نیت و عبادت

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: نیت و عبادت/حسین ایرانی

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران, ۱۳۸۷

مشخصات ظاهری: ۱۷۴ص

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۲۸۷۴۴

ص: ۱

اشاره

سلام بر پاک ترین و پویاترین پرسشگر زمان

سلام بر هنگامه محو معبودش در قیام و قعود و قنوتش

سلام بر عصاره انسانیت و آفرینش

سلام بر عین عدل و علم و عبودیت

سلام بر رحمت ریزان و گسترده خالق و پناهگاه پرمهر خلق

سلام بر مهدی موعود، مصلح کل و رهابخش ملت ها از اسارت و ستم

سلامی بس سبز و صالح و جامع بر لحظه لحظه وجود سراسر جود و سجودش

و به امام راحل (خمينی کبير رحمه الله) و ولی فقيه مسلمين حضرت آيه الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی) و تمامی شهیدان مکتب عترت و مشتاقان ظهورش و اساتید و والدینم.

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران (در میان همه ناباوری های تحلیل گران خارجی و داخلی و قدرت های استعمارگر جهان و تبلیغات گسترده بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی غرب با این عنوان که دوران دین پایان یافته و دین افیون ملت هاست) بار دیگر مکتب اسلام به عنوان یک فرهنگ پویا که توان مبارزه و انقلاب ایدئولوژیک، توده ای و مردمی (بدون حرکت نظامی و کودتا) و رهبری و مدیریت اجتماعی و اجرایی (در نماد حکومت) را دارد، در تاریخ تحقق یافت، ابرقدرت های حاکم با عجله و تمام توان به میدان آمدند تا نظام نوپای اسلامی را با محوریت ایران ساقط و محو کنند (و جلو احیا و رشد اندیشه دینی و اسلامی را بگیرند) و بر این اساس ابتدا به تحلیل های اقتصادی، سیاسی، نژادی روی آوردند. همزمان بحران های منطقه ای و درگیری های قومی در کشور (کردستان، خوزستان، گنبد و تبریز و...) ایجاد گردید تا اینگونه دیکته کنند که موتور محرک نهضت اسلامی

ایران دین و اسلام نبوده است. آنگاه منافقین دست به ترور شخصیت ها و مقامات فکری و فرهنگی تأثیرگذار زدند (روحانیت متعهد و مدافع امام رحمه الله، شهدای محراب، استاد آیهالله مطهری، آیهالله بهشتی، آیهالله دکتر مفتاح، باهنر و رجایی و...) تا انقلاب را بی آینده کنند و عقبه فرهنگی نهضت اسلامی را نابود نمایند و در ادامه وقتی تدبیر رهبری معمار کبیر انقلاب (امام خمینی رحمه الله) و مقاومت و فداکاری ملت رشید ایران را دیدند، با حربه تحریم اقتصادی و سیاسی و دیپلماسی هجمه دیگری کردند و در نهایت ۸ سال جنگ ناجوانمردانه را بر ملت مسلمان ایران (در میان آن همه نابسامانی نظام نوپا) تحمیل کردند، ولی به یاری خدا و پایمردی رهبری و امت و دفاعی کم نظیر در تاریخ، چکمه پوشان جنایتکار و متجاوز را از خاک ایران عزیز با ذلت و شکست بیرون راندند و دشمنان شرقی و غربی می دیدند ایدئولوژی استوار اسلام است که با رهبری روحانیت و مرجعیت دینی اینگونه زن و مرد و اقوام و اقشار مختلف را متحد و بسیج کرده و بر تمامی توطئه های استکباری و منافقین داخلی و منطقه ای و جنگ تحمیلی غالب و فائق آمدند و امروز نیز در عرصه های گوناگون علمی، ورزشی، صنعتی، نظامی و هسته ای و... پیروزمندانه و پیشتاز می درخشد.

در اینجا دشمن برای جبران ناکامی هایش جبهه ای جدید و گسترده و عمیق به نام تهاجم فرهنگی گشود و به فرموده مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) که چند سال قبل هشدار دادند دشمن دست به غارت و «شیخون فرهنگی» زده است و اخیراً اعلام کردند که با ناتوی

فرهنگی (۱) آمده است تا با برنامه ریزی و زمان بندی دقیق جلو خیزش اسلامی و احیای تمدن مجدد اسلام ناب (مکتب تشیع) پویا و منطقی و جهان شمول و عدالت گستر (که قوانین جامع و مدون، یعنی قرآن و رهبری الهی و زنده، یعنی حضرت مهدی حجه بن الحسن العسکری علیه السلام دارد) را بگیرند.

بر این اساس، استکبار جهانی به سرکردگی آمریکای سلطه گر بیشترین سرمایه گذاری را در ساختن فیلم و به راه انداختن تبلیغات ماهواره ای، کاریکاتور، سی دی، جراید، کتاب «همانند آیات شیطانی و فرقان الحق»، فرقه ها و رسانه های خبری، سایت ها، روشنفکران وابسته، مکاتب انحرافی و... نموده است تا با انواع تحریف ها، تهمت ها، ترورها، جنگ های فرقه ای و روانی و اهانت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، قرآن و مقدّسات، اسلام را منزوی و محکوم کند.

بدیهی است اگر با غفلت و رفاه طلبی و عدم حضور و هوشیاری ما (عدم شناخت شیاطین و توطئه ها و زمان و...) اندیشه های بیگانه در

ص: ۱۱

۱-۱. همان قدرت هایی که بعد از جنگ جهانی دوم، پیمان آتلانتیک شمالی {ناتو} را ایجاد کردند با ۵۷ سال سابقه و تجربه با استفاده از انواع ابزارهای فرهنگی و جنگ روانی و رسانه ای، جنگ فرهنگی بر ضد اسلام و ایران اسلامی به راه انداختند. ویژگی های ناتوی فرهنگی عبارتند از: ۱- دراز مدت ۲- بنیادی و ریشه ای ۳- نامرئی ۴- آرام و بی صدا (در عین داشتن روابط اقتصادی و برخورد ظاهراً صمیمی با صادرات کالا، فرهنگش را هم صادر می کند. ۵- غیر مستقیم و غیر محرک ۶- سازمان یافته (مراحل کاری، محاسبات، امکانات، تغییرات احتمالی، نیروهای متخصص، شناسایی حساسیتها و...) آنها با این ویژگی ها، به تخریب و تسلیم فرهنگ خودی و تحمیل فرهنگ مهاجم می پردازد.

نهضت نفوذ کند و فرهنگ و ارزش های دینی، ملی و اخلاقی در فرد، خانواده و حکومت کمرنگ شود، انقلاب نه تنها توان صدورش را از دست خواهد داد بلکه از درون دچار پارادوکس ها گشته و می پوسد و کشور به انحطاط کشیده می شود و به فرض که در اقتصاد و صنعت رشد کنیم، فاقد هویت و عزت و اهداف انقلاب خواهیم شد و ملت های مسلمان و محروم جهان که با پیروزی انقلاب اسلامی و فرهنگ نوین نه شرقی و نه غربی نه التقاطی (بلکه مکتبی مستقل و منطقی و فطری و توحیدی) نوید و امید در جانشان آمده بود به یأس و تباهی افتند و قداره بندان قلدر دنیا به ظلم و جنایاتی مضاعف می پردازند و آنگاه است که همگان مورد مؤاخذه و مسئولیم و مستحق عذاب الهی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ...» (۱).

متأسفانه فرهیختگان دلسوز حوزه و دانشگاه، به ناچار درگیر امور اجرایی کشور شده اند و عده ای هم به شهادت رسیدند در نتیجه کار اصلی و ارزشی، احیاء و نشر فرهنگ دینی و انسان سازی و نخبه پروری زمین ماند و آنگونه که باید، بت های فرهنگی منحط به جای مانده، شکسته نشد و افشاگری علیه مفاسد فرهنگ و وابستگی های فکری (خاصه در علوم انسانی) غرب، انجام نگردید، بالاتر این که از معرفی فرهنگ اصیل انقلاب و ایران یعنی فرهنگ اسلام ناب و مکتب اهل بیت علیهم السلام و گنجینه های دانش عظیم امامان معصوم علیهم السلام به سوی

ص: ۱۲

تشنگان کویر مادیت گشوده نشد و کارهای تحقیقاتی و پژوهشی متناسب با فرصت و نیاز زمان انجام نگرفت و بیان بلند حضرت رضا علیه السلام را که فرمود: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا...»؛^(۱) به راستی اگر انسان ها و جامعه بشری زیبایی های کلام ما را می دانستند، از ما پیروی می کردند. محقق نساختیم.

البته بعد از ارتحال پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه وآله علیرغم خفقان و ممنوع نمودن نقل احادیث، عالمان دل نورانی (اعم از اصحاب و تابعین و یاران و امامان شیعه علیهم السلام) با تحمّل رنج ها، احادیث را جمع و حفظ و روایات پراکنده را به نسل های بعد رساندند لیکن رفته رفته مجموعه های روایی مکتوب شد و به تدریج باب بندی و موضوع بندی شد و گاه به صورت چهل حدیث درآمد و احادیث اهل بیت علیهم السلام که در زیارت جامعه می خوانیم «كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ» متناسب با نیاز، تنظیم و تألیف شد. رساله حاضر با هدف تبیین فرهنگ ارزشی و آرمانی اهل بیت علیه السلام در دو بخش، که بخش اول: نیت (در ۸ فصل) و بخش دوم: عبادت (در ۲۰ فصل) تدوین گردید که امید است مقبول حق و مفید خلق افتد.

ص: ۱۳

حسین ایرانی

بخش اول: نیت

اشاره

ص: ۱۵

نیت از ریشه «نوی»؛ (هسته) در لغت (۱) به معنای عزم، قصد، آهنگ، انگیزه و برانگیختن دل به سوی چیزی که موافق می‌یابد، آمده است.

و در اصطلاح فقه، قصد انجام کار به عنوان امتثال و تقرب به مولا و پروردگار را گویند. (۲) و ظرف آن قلب و دل و ذهن انسان است. در قرآن به جای واژه نیت. فراوان از ظرف و محل نیت (قلب، فؤاد، نفس و...) و از حقیقت نیت با تعبیر ظریف «إِئْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ * يُرِيدُونَ وَجَهَ اللَّهِ * وَجَهَ رَبِّكَ * مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ...» (۳) سخن به میان آمده است.

لیکن در مجامع و کتب روایی شیعه و سنی در ابواب متعدد

ص: ۱۷

۱-۴. ر. ک: به المعجم الوسيط، لغت نامه دهخدا، اقرب الموارد، منتهی الارب و فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی.
۲-۵. مستمسک العروه الوثقی ج ۶، ص ۵؛ ج ۲، ص ۴۵۹. برای اطلاع از مباحث فقهی نیت، ارکان آن و این که آیا داعی و انگیزه و اراده اجمالی با قصد تقرب در عبادت کافی است یا خطوط دادن تفصیلی نیت در قلب و ذهن و تداوم آن در فعل عبادی لازم می‌باشد یا نه و... به کتاب های فقهی ینابیع الفقهیه ج ۴، ص ۶۱۶ و مصباح الشریعه صهرشتی و شرایع الاسلام و نیت و اخلاص آقا جمال الدین خوانساری؛ المسائل الناصریات سید مرتضی و ... و تعلیم و تربیت، نوشته استاد شهید مطهری، ص ۱۹۳ مراجعه کنید.

۳-۶. به ترتیب سوره های بقره، آیه ۲۰۷؛ روم ۳۸؛ الرحمن ۲۷؛ بقره ۱۱۲.

و مناسبت های گوناگون به مباحث نیت پرداخته که هدف رساله حاضر نیز بررسی نیت از نگاه و منظر روایات و احادیث می باشد.

امید آن که در راستای هدف آرمانی تربیت اسلامی و تقرب به سوی خدا، شرط اساسی و ارزشی هر اندیشه و عمل صالح (یعنی نیت خالص و خدایی) را بهتر شناسایی و با توکل و تمرین به کار بریم که هر قدر بذر نیت پاک و اصلاح شده و نیکو باشد، نهال عمل پرسایه و پرثمرتر، و با طراوت و ماندگارتر خواهد گشت.

ص: ۱۸

نیت همانند هسته و بذر گیاه و نهال هر چند به ظاهر پنهان می نماید ولی منشأ و مبدأ درخت عمل می باشد و نقش کلیدی و تعیین کننده دارد و اساساً سعادت یا سقوط انسان در گرو نیت خیر و خدایی یا آلوده و شیطانی است و در اسلام نیت از مسلمات فقه بوده و نه تنها هیچ عبادتی بدون نیت نبوده بلکه هیچ فعلی بدون نیت، عمل شناخته نمی شود و اسلام می خواسته از نخستین نقطه، اندیشه و عمل با نورانیت و نیکویی آغاز گشته تا شاکله وجودی و شخصیت آدمی بر اساس خوبی ها شکل گیرد و تربیت و تکامل یابد، به علاوه همه ارزیابی ها و ارزش ها و پاداش ها بر پایه نیت می باشد، این حقیقتی است که روایات بدان صراحت دارد. از جمله:

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«الَّتِيهَ اَسَاسُ الْعَمَلِ»؛ (۱) نیت پایه و اساس عمل است.

و در بیانی دیگر می فرماید:

ص: ۱۹

«لَا عَمَلٌ لِمَنْ لَا نِيَّةَ لَهُ»؛ (۱) آن که نیت ندارد عملی نخواهد داشت.

همچنین امام باقر علیه السلام در حدیثی نورانی می فرماید:

«الْبِيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَإِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» أَي عَلَى نِيَّةٍ»؛ (۲) نیت از عمل برتر است بدانید نیت همان عمل است، پس حضرت آیه: «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»؛ (۳) (پس هر کس بر ساختار و شیوه خود عمل می کند.) را تلاوت کرد و فرمود یعنی بر نیتش.

و امام زین العابدین (سجاد) علیه السلام فرمود:

«لَا عَمَلٌ إِلَّا بِنِيَّةٍ»؛ (۴) عمل جز به نیت نمی باشد.

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (۵) خداوند در قیامت مردم را مطابق نیت های شان محشور می کند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«عَلَى قَدْرِ النَّيَّةِ تُكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ»؛ (۶) به میزان نیت، عطیه و پاداش الهی خواهد بود. (هر چند آنچه قصد کار خیر

ص: ۲۰

۱- ۸. همان، ج ۶، ص ۲۳۲، ح ۱۰۷۵۰.

۲- ۹. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶.

۳- ۱۰. اسراء، ۸۴.

۴- ۱۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۴.

۵- ۱۲. المحاسن، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۹۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴.

۶- ۱۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۶۱۸۸.

دارد نتواند انجام دهد)

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِآدَمَ فِي ذُرِّيَّتِهِ أَنْ مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَتْ لَهُ حَسَنَةً وَ مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ وَ عَمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا»؛^(۱) و از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل شده است که خدای تبارک و تعالی برای فرزندان آدم مقرر فرموده آن که بر کار نیک نیت و همت کند ولی انجام ندهد یک حسنه و پاداش نیک برای او نوشته شود و اگر عمل کند برای او ده حسنه نوشته خواهد شد.

همچنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ امْرِيٍّ مَأْنُوِيٍّ»؛^(۲) جز این نیست که اعمال به نیت هاست و در حقیقت برای هر کس آن چیزی است که نیت می کند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«رُبَّ نِيَّةٍ أَنْفَعُ مِنْ عَمَلٍ»؛^(۳) بسا نیتی که سودمندتر از عملی است.

آن گونه که از روایات اسلامی استفاده می شود، نیت و عمل همانند بذر و محصول، میوه و درخت یا پایه و بنای ساختمان، با یکدیگر

ص: ۲۱

۱- ۱۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۶.

۲- ۱۵. کنز العمال، ح ۷۲۷۲؛ الترغیب و الترهیب، ج ۳، ص ۶۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵.

۳- ۱۶. غرر الحکم، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵۲۹۲.

ارتباط مستقیم دارند و صریح تر آن که نیت به منزله روح و جانِ عمل می باشد و مقبولیت و صحت هر عمل بستگی به نیت عامل دارد و بر خلاف ظاهر و شکل عمل که مربوط به پیکر و ناپایدار است، نیت ها جاودانه و ابدی خواهد بود.

امام علی علیه السلام در روایات گوناگونی می فرماید:

«الْأَعْمَالُ ثِمَارُ النَّيَّاتِ»؛ (۱) کردارها نتیجه و میوه های نیت هاست.

«النَّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ»؛ (۲) نیت پایه و اساس عمل است.

«قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ وَ عَمَلُهُ عَلَى قَدْرِ نِيَّتِهِ»؛ (۳) قدر و منزلت شخص به اندازه همت اوست و عملش به قدر نیت اوست.

«رُبَّ عَمَلٍ أَفْسَدَتْهُ النَّيَّةُ»؛ (۴) چه بسا عملی که نیت آن را فاسد و بی ارزش کند.

«صَلَاحُ الْعَمَلِ بِصَلَاحِ النَّيَّةِ»؛ (۵) صلاح و صحت عمل به صلاح نیت می باشد.

«لَا يَكْمُلُ صَالِحُ الْعَمَلِ إِلَّا بِصَالِحِ النَّيَّةِ»؛ (۶) کامل نمی گردد عمل شایسته مگر با نیت و قصد شایسته (خالص و خدایی).

ص: ۲۲

۱- ۱۷. غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۲۹۲.

۲- ۱۸. همان، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۱۰۳۲.

۳- ۱۹. همان، ج ۴، ص ۳۱۸، ح ۶۷۳۸.

۴- ۲۰. همان، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵۲۹۰.

۵- ۲۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۴، ح ۵۷۹۲.

۶- ۲۲. همان، ج ۶، ص ۲۳۵، ح ۱۰۷۷۸.

از آن جا که نیت می تواند دارای انواع گوناگون و مراتب متعدد باشد این سؤال به ذهن می رسد که بر کدامین نیت آن همه آثار و برکات بار می شود که روایات پاسخ می دهند نه هر نیتی از هر فردی با هر انگیزه و هدفی بلکه نیت و قصد صادقانه، مؤمنانه و خالصانه، مفید و مؤثر خواهد بود.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله در فراز زیبایی، درباره اهمیت نیت صادق می فرماید:

«أَفْضَلُ الْعَمَلِ النَّيَّةُ الصَّادِقَةُ»؛^(۱) برترین عمل نیت صادق است.

همچنین حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ لَمْ يُقَدِّمِ إِخْلَاصَ النَّيَّةِ فِي الطَّاعَاتِ لَمْ يَظْفَرْ بِالمُثُوبَاتِ»؛^(۲) هر کس نیت خالص را در طاعت ها پیش نیندازد به پیروزی بر ثواب ها دست نیابد.

«وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنَزَّلُ بِهِمُ النِّعَمُ وَتَزُولُ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَزَعُوا إِلَى رَبِّهِمْ

ص: ۲۳

۱- ۲۳. کنز العمال، ح ۷۲۳۸.

۲- ۲۴. همان، ج ۵، ص ۲۴۶، ح ۸۹۸۱.

بَصِدْقِ نِيَاتِهِمْ وَوَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرُدُّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَاصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ»؛^(۱) اگر مردم هنگام نزول بلا و سلب نعمت ها با نیت های صادق و دل های مشتاق به درگاه پروردگارشان تضرع کنند بی گمان آنچه از دست شان رفته بازخواهد گشت و هر تباهی و فسادى را برايشان اصلاح خواهد نمود.

و در بيانى به طور كلى مى فرمايد:

«مَنْ أَخْلَصَ النِّيَّةَ تَنْزَهُ عَنِ الدَّنِيَّةِ»؛^(۲) هر كه نیت را خدایی و خالص (از شرک و ریا) کند از اخلاق مذموم و اعمال بد پاکیزه گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«نِيَةُ الْمُؤْمِنِ أَنْبَغُ مِنْ عَمَلِهِ» «نِيَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»؛^(۳) نیت مؤمن (نیت برخاسته از ایمان) رساننده تر و برتر از عمل او است.

و وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال می شود چطور نیت مؤمن برتر است از عمل او می فرماید:

«لِأَنَّ الْعَمَلَ رُبَّمَا كَانَ رِيَاءً لِلْمَخْلُوقِينَ وَ النِّيَّةُ خَالِصَةٌ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ...»؛ چون عمل گاه برای ریا و خودنمایی به مردم

ص: ۲۴

۱- ۲۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۲- ۲۶. غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۷۶، ح ۸۴۴۲.

۳- ۲۷. کنز العمال، ح ۷۲۳۶ و ۷۲۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸.

است اَمَا نَيْتٍ به طور خالص از آن پروردگار جهانیان است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«صَاحِبُ النَّيِّهِ الصَّادِقِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْذُورَاتِ بِتَخْلِيصِ النَّيِّهِ لِلَّهِ فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا»؛ (۱) آن که نیت صادق داشته باشد، قلب سالم دارد زیرا پاک داشتن دل از وسوسه های شیطانی به وسیله خالص گردانیدن نیت در همه کارها برای خدا حاصل می شود.

از امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ بِكَرَمِهِ وَفَضْلِهِ يَدْخُلُ الْعَبْدَ بِصِدْقِ النَّيِّهِ وَالسَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ الْجَنَّةَ»؛ (۲) براستی خداوند از روی کرم و فضلش بنده دارای نیت صادق و طینت پاک را وارد بهشت می نماید.

و همچنین در وصیتش به امام حسن علیه السلام می فرماید:

«... وَأَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمَرِ وَ مُقْبِلُ الدَّهْرِ ذُو نَيْهِ سَلِيمٌ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ»؛ (۳) چون تو جوانی نوحاسته با نیت سالم و روانی پاک بودی بر آن شدم تا تو را ادب آموزم (می رساند نیت سالم در ادب و تربیت پذیری نقش مستقیم دارد).

ص: ۲۵

۱- ۲۸. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

۲- ۲۹. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۱.

۳- ۳۰. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

و امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّمَا قَدَّرَ اللَّهُ عَوْنَ الْعِبَادِ عَلَى قَدْرِ تَيَاتِهِمْ فَمَنْ صَيَحَّتْ نَيْتُهُ تَمَّ عَوْنُ اللَّهِ لَهُ وَ مَنْ قَصِيرَتْ نَيْتُهُ قَصُرَ عَنْهُ الْعَوْنُ بِقَدْرِ الَّذِي قَصُرَ»؛^(۱) همانا خداوند یاریش به بندگان را به اندازه نیت های آنان قرار داده است، پس هر که نیتش صحیح و سالم باشد، یاری خدا به او کامل رسد و آن که نیتش کاستی داشته باشد یاری خدا هم به همان میزان از او کم می شود.

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در خطبه ای می فرماید:

«... وَ اسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِتَيَاتٍ صَادِقَةٍ وَ قُلُوبٍ طَاهِرَةٍ...»؛^(۲) توصیه می نماید تا در ماه رحمت و رمضان، با نیت های صادق و دل های پاک خدا را بخوانید تا به عبادت و اجابت مقرون شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ لَيَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَ كَذَا مِنَ الْبِرِّ وَ وُجُوهِ الْخَيْرِ، فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ بِصِدْقِ نَيْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْمَاجِرِ مِثْلَ مَا يَكْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ»؛^(۳) همانا عبد مؤمن مستمند می گوید: پروردگارا روزیم کن تا کارهای گوناگون خیر و خوب انجام دهم و چون خداوند

ص: ۲۶

۱- ۳۱. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۱.

۲- ۳۲. امالی صدوق، ص ۹۳، بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۵۶.

۳- ۳۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵؛ اصول کافی، ص ۳۵۰.

صدق و راستی نیت را در او بیابد برای او پاداش بنویسد همانند کسی که عمل نیک را انجام داده چرا که خداوند وسعت دهنده و بخشایشگر است.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«کَمَا لَا يَقُومُ الْجَسَدُ إِلَّا بِالنَّفْسِ الْحَيَّةِ فَكَذَلِكَ لَا يَقُومُ الدِّينُ إِلَّا بِالنِّيَّةِ الصَّادِقَةِ وَ لَا تَثْبُتُ النِّيَّةُ الصَّادِقَةُ إِلَّا بِالْعَقْلِ»؛ (۱) همچنان که بدن جز با روح زنده بقایی ندارد، دین انسان نیز جز با نیت صادق برپا نمی ماند و نیت درست هم جز با عقل و خرد استوار نمی ماند.

ص: ۲۷

فصل چهارم: نیت در توصلیات

گرچه از عموم روایات نیت می توان اهمیت و نقش نیت را در امور عبادی و غیر عبادی (مانند خوردن و آشامیدن و فعالیت های اقتصادی حلال که ماهیت عرض بندگی به درگاه خدا مانند نماز ندارد) استفاده کرد، لیکن برخی از روایات به نقش سازنده نیت در توصلیات و کارهای غیر عبادی (که با قصد غیر خدا هم قبول ولی پاداش و کمال بر روح آدمی ندارد) تصریح نموده اند؛ از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به اباذر می فرماید:

«لِيَكُنْ لِمَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنْ نِيَّتِهِ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ»؛^(۱) ای اباذر باید برای هر کاری نیت پاک و شایسته داشته باشی حتی در خوابیدن و خوردن.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الْبُدُّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ التَّيِّبِ فِي كُلِّ حَرَكَهٍ وَ سُكُونٍ لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ هَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا»؛^(۲) بنده خدا باید در تمام حرکت

ص: ۲۹

۱- ۳۵. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴، مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲۶۶۱.

۲- ۳۶. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

و سکون خود نیت خالص داشته باشد زیرا اگر این معنا نباشد در شمار غافلان است (آری با درک عبد بودن و اخلاص، بنده یک لحظه در زندگی به غیر خدا توجه و توکل ندارد).

حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می فرماید:

«وَأَمْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَا فِيهِ وَاجْعَلْ لِنَفْسِكَ فِي مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلَ تِلْكَ الْمَوَاقِيتِ وَأَجْزَلَ تِلْكَ الْأَقْسَامِ وَإِنْ كَانَتْ كُلُّهَا لِلَّهِ إِذَا صَيَّمْتَهَا فِيهَا التَّيِّبَةَ وَسَيِّئْتَهَا فِيهَا الرَّعِيَّةَ...»؛^(۱) کار هر روزت را همان روز به انجام برسان زیرا هر روز را کاری است و بهترین وقت ها را به ارتباط میان خود و خداوند اختصاص بده، اگر چه در همه وقت ها اگر نیت پاک داشته باشی و مردم در امنیت و سلامت باشند، تمام آن اوقات از آن خداست.

ص: ۳۰

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«أَنَّهَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى فَمَنْ غَزَى ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ فَقَدِ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مَنْ غَزَى يُرِيدُ عَرَضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عِقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى؛ (۱) همانا کارها بر پایه قصدهاست و برای هر انسانی همان است که نیت می کند، پس آن که جهاد می کند برای خدا قطعاً پاداش او را خدا می دهد و هر کس بجنگد به خاطر متاع دنیا (نام و نان و مقام) یا به نیت رسیدن به افسار یا زانو بند حیوان، بهره او چیزی جز آنچه نیت نموده نمی باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيدًا وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجِبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحٍ عَمَلُهُ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ أَضْلَاتِهِ لِسَيْفِهِ»؛ (۲) هر که از

ص: ۳۱

۱- ۳۸. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۵، و المجالس، ص ۳۸، و مشابه آن در کتاب کنز العمال ۷۲۷۲.

۲- ۳۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

شما در بستر خویش بمیرد در حالی که به حقّ پروردگارش و حقّ رسول او و اهل بیتش معرفت داشته باشد، شهید از دنیا رفته و اجرش با خداست و مستحقّ پاداش عمل شایسته ای است که در نیت داشته است و این نیت جانشین ضربات شمشیرش می گردد.

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی می فرماید:

«مَا ضَعَفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ النَّيَّةُ»؛ (۱) هیچ بدنی در انجام آنچه نیت بر آن قوی باشد ناتوان نیست.

همچنین در روایت دیگری فرمود:

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيَنْوِي مِّنْ نَّهَارِهِ أَنْ يُصَلِّيَ بِاللَّيْلِ فَتَعَلَّيْهِ عَيْنُهُ فَيَنَامُ فَيُثَبِّتُ اللَّهُ لَهُ صِيْلَاتَهُ وَ يَكْتُبُ نَفْسَهُ تَسْبِيحاً وَ يَجْعَلُ نَوْمَهُ عَلَيْهِ صَدَقَةً»؛ (۲) همانا بنده در روز نیت می کند نماز شب بخواند اما چشمانش بر او غالب شده، به خواب می رود پس خداوند نماز شب را برای او ثبت نموده، نفس هایش را تسبیح می نویسد و خوابش را برای او صدقه قرار می دهد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَتَرَدُّ عَلَيْهِ الْحَاجَةُ لِأَخِيهِ فَلَا تَكُونُ عِنْدَهُ فَيَهْتَمُّ بِهَا قَلْبُهُ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِهَمَّتِهِ الْجَنَّةُ»؛ (۳) گاه برادر مؤمن

ص: ۳۲

۱- ۴۰. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸؛ الامالی، ص ۱۹۸.

۲- ۴۱. علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۲۴.

۳- ۴۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۴.

حاجتی از او می خواهد و او ندارد ولی در دلش برای آن همت و نیت دارد، خدای تبارک و تعالی به خاطر همین اهتمام او را به بهشت می برد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«تَرَكْنَا فِي الْمَدِينَةِ أَقْوَامًا لَا تَقْطَعُ وَاِدِيًّا وَلَا تَضِيْعُدُ صِيْعُودًا وَلَا تَهْبِطُ هُبُوطًا إِلَّا كَانُوا مَعَنَا قَالُوا كَيْفَ يَكُونُونَ مَعَنَا وَلَمْ يَشْهَدُوا، قَالَ نِيَاتُهُمْ»؛^(۱) ما در مدینه افرادی را باقی گذاشتیم که هیچ وادی را نپیمودیم و بر هیچ تپه ای بالا نرفتیم و در سرایشی قدم نگذاشتیم مگر این که آنان نیز همراه ما و با ما بودند، سؤال شد چگونه با ما هستند در حالی که حضور پیدا نکردند، حضرت فرمود، نیت های شان با ما بود.

و در زیارت جامعه ائمه اطهار علیهم السلام می خوانیم:

«فَنَحْنُ نُشْهَدُ اللَّهَ أَنَّا قَدْ شَارَكْنَا أَوْلِيَاءَكُمْ وَ أَنْصَارَكُمْ... بِالْبَيِّنَاتِ وَالْقُلُوبِ»؛^(۲) خدا را گواه می گیریم که با یاران و دوستان تان شرکت داشتیم با نیت ها و دل هایمان.

و همچنین سخن جابر بن عبدالله انصاری (صحابی و یار جلیل القدر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم) به عطیه عوفی (از مردان علم و حدیث)^(۳) وقتی به

ص: ۳۳

۱- ۴۳. کنز العمال، ح ۷۲۶۱.

۲- ۴۴. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۶۷؛ مصابیح الجنان، ص ۴۵۹.

۳- ۴۵. سفینه البحار، ج ۲، ۲۰۵ {ماده عطا}.

زیارت امام حسین علیه السلام به عنوان اولین زائر کربلا می آیند بعد از زیارت و سلام به شهدای عاشورا می گوید:

«سوگند به آن کسی که محمد را به پیامبری برانگیخت، ما در آنچه انجام دادید، شریک هستیم، عطیه می پرسد: چگونه ما با آنان شریک هستیم ما که بر دشت و کوهی بالا نرفتیم و ننگیدم و اینان سر از بدنشان جدا کردند و زن و فرزندانشان بی سرپرست شدند، جابر گفت: ای عطیه! از حبیب خود رسول خدا شنیدم هر کسی قومی را دوست بدارد با آنان محشور گردد و هر کس کار قومی را بپسندد در عمل شان شریک گردد، قسم به آن کسی که محمد را به پیامبری مبعوث کرد، تیت من و یاران من با تیت و قصد حسین علیه السلام و یارانش یکی است.»^(۱)

علی بن ابی حمزه می گوید: امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

«رَجِمَ اللَّهُ فُلَانًا، يَا عَلِيُّ لِمَ تَشْهَدُ جِنَازَتَهُ؟»؛ خدا رحمت کند فلانی را در تشییع جنازه او نبودی؟

در جواب گفتم:

«لَا، قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ أَنْ أُشْهَدَ جِنَازَةَ مِثْلِهِ»؛ نه، ولی دوست داشتم در تشییع او شرکت کنم.

حضرت فرمود:

ص: ۳۴

«فَقَالَ كَتَبَ لَكَ ثَوَابٌ ذَلِكَ بِمَا نَوَيْتَ»؛^(۱) ثواب آن به خاطر نیتی که داشتی برای تو نوشته شد.

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَإِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتَهُمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدُوا هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ، ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» قَالَ عَلِيُّ نِيَّتِهِ»؛^(۲) همانا دوزخیان در آتش ماندگارند چون نیت های شان بر معصیت و گناه، ابدی بوده و همانا بهشتیان در آن جا جاودانند چون نیت هایشان در دنیا بر اطاعت خدا بوده تا ابد، پس خلود و جاودانگی معلول نیت ها بوده، سپس حضرت آیه ۸۴ سوره اسراء را تلاوت کرد و فرمود: یعنی بر نیتش.

و روایات دیگری که دال بر این حقیقت که خداوند در قیامت بر اساس نیت ها پاداش می دهد و همان نیت ها در نامه عمل مؤمن نوشته می شود.

«قال الباقر عليه السلام: «نِيَةُ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِهِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ يَنْوِي مِنَ الْخَيْرِ مَا لَا يُدْرِكُهُ وَ نِيَةُ الْكَافِرِ شَرُّ مِنْ عَمَلِهِ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْكَافِرَ

ص: ۳۵

۱- ۴۷. وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۳۷.

۲- ۴۸. وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۳۶؛ المحاسن، ص ۳۳۱.

يَنْوِي الشَّرَّ وَ يَأْمُلُ مِنَ الشَّرِّ مَا لَا يُدْرِكُهُ»؛^(۱) نیت مؤمن از عملش برتر است چون از کارهای خیر آن قدر نیت می کند که موفق به انجام آنها نمی شود و نیت کافر بدتر و بیشتر از عمل اوست زیرا کافر نیت بد و آرزوی آن را به قدر زیادی در سر دارد، لیکن امکان انجام آنها را نمی یابد.

ص: ۳۶

۱- ۴۹. همان، و علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۲۴.

نیت نیکو

نیت نیکو تا آن جا اهمیت دارد که امام صادق علیه السلام در پاسخ سؤال از حد و اندازه عبادتی که اگر کسی انجام دهد به وظیفه اش عمل کرده است، می فرماید:

«حُسْنُ النِّيَّةِ بِالطَّاعَةِ»؛ (۱) نیت نیکو داشتن در طاعت خداست.

و حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«وَأُصُولُ الْمَرْءِ إِلَى كُلِّ مَا يَتَّبِعُهُ مِنْ طَيْبِ عَيْشِهِ وَ أَمْنِ سِرِّهِ وَ سَعَةِ رِزْقِهِ بِحُسْنِ النِّيَّةِ وَ سَعَةِ خُلُقِهِ»؛ (۲) آدمی با نیت نیکو و خلق و خوی خوش به تمام آنچه می جوید از زندگی خوش و امتیّت محیط (امتیّت راه و روانی) و روزی فراوان خواهد رسید.

آری طبق روایات نیت نیکو ریشه در طبیعت پاک و درون سالم انسان و قوّت دین و ایمان او دارد که علی علیه السلام می فرماید:

ص: ۳۷

۱- ۵۰. اصول کافی ج ۲، ص ۸۵.

۲- ۵۱. غرر الحکم، ج ۶، ص ۱۴۶، ح ۱۰۱۴۲.

- «حُسْنُ النَّيِّهِ مِنْ سَلَامَةِ الطَّوْبَةِ»؛ (۱) نیکویی نیت از سلامت باطن است.

- «عَلَى قَدْرِ قُوَّةِ الدِّينِ يَكُونُ خُلُوصُ النَّيِّهِ»؛ (۲) به اندازه قوت دین خلوص نیت می باشد.

بر این اساس باید تلاش و جهاد با نفس کرد تا با اطاعت حق دین مان را تقویت و جان را به نیت نیکو عادت دهیم که امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«عَوْدُ نَفْسِكَ حُسْنَ النَّيِّهِ وَ جَمِيلَ الْمَقْصِدِ تُدْرِكُ فِي مَبَاغِيكَ النَّجَاحَ»؛ (۳) عادت بده نفس خود را به نیکویی نیت و مقصد (با انگیزه و هدف نیکو) تا در مطالب خود پیروزی (موفقیت و ثواب) بیابی.

و در بیانی دیگر می فرماید:

«إِنَّ تَخْلِيصَ النَّيِّهِ مِنَ الْفَسَادِ أَشَدُّ عَلَى الْعَامِلِينَ مِنْ طَوْلِ الْإِجْتِهَادِ»؛ (۴) بطور قطع خالص نمودن نیت از فساد (ریا و شهرت و یا هر چیز جز خدا) بر عمل کنندگان از مشقت، تلاش و اجتهاد سخت تر است. (بدیهی است که ارزش و پاداش آن هم بیشتر خواهد بود).

ص: ۳۸

۱- ۵۲. همان، ج ۳، ص ۲۴۳، ح ۴۸۱۲.

۲- ۵۳. همان، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۶۱۸۷.

۳- ۵۴. همان، ج ۴، ص ۳۱۰، ح ۶۲۳۱.

۴- ۵۵. همان، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۳۵۲۰.

پیوسته بکوشیم تا نیت های نیکو داشته باشیم چرا که آثار و نتایج تکاملی و سعادت آفرین آن در دنیا و آخرت به گونه ای است که امام سجاده علیه السلام در دعای مکارم اخلاق از خداوند درخواست می کند:

«وَأَنْتَ بِنَيْتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَاتِ وَبِعَمَلِي إِلَى أَحْسَنِ الْأَعْمَالِ اللَّهُمَّ وَفِرْ بِلُطْفِكَ نَيْتِي...»؛ (۱) خدایا نیت مرا به نیکوترین نیت ها و کردارم را به بهترین کارها برسان و به لطف خود نیت مرا وافر و کامل گردان.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ حَسِبَتْ نَيْتَهُ كَثُرَتْ مَثْوِبَتُهُ وَطَابَتْ عَيْشُهُ وَوَجِبَتْ مَوَدَّتُهُ»؛ (۲) هر کس نیتش نیکو باشد پاداش او فراوان گردد و زندگیش خوش و دوستیش لازم آید.

«مَنْ حَسَنَتْ نَيْتَهُ أَمَدَهُ التَّوْفِيقَ»؛ (۳) هر کس نیتش نیکو باشد توفیق یار او می شود.

«وَإِحْسَانُ النَّيِّهِ يُوجِبُ الْمَثْوَبَةَ»؛ (۴) نیت نیکو پاداش آفرین است.

«جَمِيلُ النَّيِّهِ سَبَبٌ لِّلْبُلُوغِ الْأَمْنِيَةِ»؛ (۵) نیت نیکو سبب رسیدن به آرزوها و آرمان هاست.

ص: ۳۹

۱- ۵۶. صحیفه سجاده، ص ۴۸، دعا ۹.

۲- ۵۷. غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۶۴، ح ۹۰۸۹.

۳- ۵۸. همان، ج ۵، ص ۲۷۴، ح ۹۱۸۱.

۴- ۵۹. همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱۲۵۸.

۵- ۶۰. همان، ج ۳، ص ۲۳۲، ح ۴۷۶۱.

«حُسْنُ التَّيِّهِ جَمَالُ السَّرَائِرِ»؛ (۱) نیکویی تیت زیبایی درون و نهان هاست.

و امام صادق علیه السلام هم می فرماید:

«مَنْ حَسَنَتْ نَيْتَهُ زَادَ اللَّهُ فِي رِزْقِهِ»؛ (۲) هر کس نیتش نیکو شود خداوند روزیش را بيفزاید.

و حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«اسْتَيْعَنَ عَلَى الْعَدْلِ بِحُسْنِ التَّيِّهِ فِي الرَّعِيَةِ وَ قَلَّهَ الطَّمَعُ وَ كَثُرَ الْوَرَعُ»؛ (۳) از حسن نیت نسبت به رعیت و کاستن طمع و پارسایی زیاد در راه اجرای عدالت کمک بگیر.

شاید این گونه بیانات نه تنها نیت نیکو را سفارش می کند بلکه ناظر به خوش بینی انسان به خدا و خلق و آینده باشد. و لذا حضرت علی علیه السلام در کلام حکیمانه خود می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سَيُجَاهِدُهُ يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ نَيْتَهُ الْإِنْسَانَ لِلنَّاسِ جَمِيلَةً كَمَا يُحِبُّ أَنْ تَكُونَ نَيْتُهُ فِي طَاعَتِهِ قَوِيَّةً غَيْرَ مَدْخُولَةٍ»؛ (۴) خدای سبحان دوست دارد نیت انسان نسبت به مردم خوب (بدون ضرر) باشد هم چنان که دوست دارد نیت او در اطاعت وی نیرومند و پاک و بدون ریا و آلودگی باشد.

ص: ۴۰

۱- ۶۱. همان، ج ۳، ص ۲۴۲، ح ۴۸۰۱.

۲- ۶۲. المحاسن، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۹۲۲؛ وسائل الشیعه ج ۱، ص ۳۷؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۰۹.

۳- ۶۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۲۶، ح ۲۴۰۳.

۴- ۶۴. همان، ج ۲، ص ۳۹۹، ح ۳۶۹۸.

به همان اندازه که نیت نیکو سودمند و در شکل گیری شخصیت و سعادت دنیا و آخرت آدمی تأثیر دارد نیت زشت و آلوده زیان بار است که به روایات آن می پردازیم. امام صادق علیه السلام می فرماید:

قال الصادق علیه السلام «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ رِزْقَهُ»؛^(۱)

همانا مؤمن قصد و نیت گناه می کند و از روزی خود محروم می گردد. (روزی عام است و شامل روزی مادی و معنوی می شود).

امام علی علیه السلام می فرماید:

- «إِذَا فَسَدَتِ النَّيَّةُ وَقَعَتِ الْبَلِيَّةُ»؛^(۲) هرگاه نیت فاسد (آلوده به ریا و گناه) شود بلا و گرفتاری پیش می آید.

- «مَنْ أَسَاءَ النَّيَّةَ مَنَعَ الْأَمْنِيَّةَ»؛^(۳) هر که بد نیت باشد به آرزو و آرمانش نرسد.

- «سُوءُ النَّيَّةِ دَاءٌ دَفِينٌ»؛^(۴) نیت ناپسند و بدبینی دردی پنهان است.

- «عِنْدَ فَسَادِ النَّيَّةِ تَوَفَّعَ الْبُرْكَهَ»؛^(۵) با آمدن نیت فاسد، برکت برداشته می شود.

ص: ۴۱

۱- ۶۵. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۴۷؛ عقاب الاعمال، ص ۲۴.

۲- ۶۶. غرر الحکم، ج ۳، ص ۸۱ ح ۴۰۱۶.

۳- ۶۷. همان، ج ۵، ص ۱۶۳، ح ۸۳۰۶.

۴- ۶۸. همان، ج ۴، ص ۸۲ ح ۵۵۶۳.

۵- ۶۹. همان، ج ۴، ص ۲۰۸، ۲۲۳.

- «رُبَّ عَمَلٍ أَفْسَدْتَهُ النَّيِّبُ»؛ (۱) چه بسا عملی که نیت، آن را تباه و فاسد کند.

- «مِنَ الشَّقَاءِ فَسَادُ النَّيِّبِ»؛ (۲) از جمله بدبختی ها، فساد و تباهی نیت می باشد.

همانا از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سؤال شد فردای قیامت نجات در چیست؟ فرمود:

«أِنَّمَا النَّجَاةُ فِي أَنْ لَا تُخَادِعَ اللَّهَ فَيَخْدَعُكُمْ...»؛ همانا نجات در در خدعه نکردن با خداست...

سپس پرسیده شد: چگونه با خدا نیرنگ می کنند؟ حضرت جواب داد:

«يَعْمَلُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ ثُمَّ يَرِيدُ بِهِ غَيْرَهُ فَاتَّقُوا فِي الرِّيَاءِ فَإِنَّهُ الشَّرْكُ بِاللَّهِ إِنَّ الْمَرَاتِي يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ؟ يَا كَافِرًا يَا فَاجِرًا
يَا غَادِرًا يَا خَاسِرًا حَبِطَ عَمَلُكَ وَبَطَلَ اجْرَكَ فَلَا خَلَاصَ لَكَ الْيَوْمَ فَالْتَمَسِ اجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ»؛ (۳) در ظاهر به آنچه
خدا دستور داده است عمل می کند ولی قصد و توجه به غیر دارد. پس پرهیز از ریا، چرا که ریا شرک به خداست و ریاکار
در قیامت به چهار نام خوانده می شود: ای کافر، ای فاجر، ای حيله گر، ای زیانکار، کردارت نابود شد و پاداشت از بین رفت.
پس راه نجاتی برای تو نیست و پاداشت را از آن که برایش عمل کردی بخواه. (البته شرک هم مراتبی دارد).

ص: ۴۲

۱- ۷۰. همان، ج ۴، ص ۳۹، ح ۵۲۹۵.

۲- ۷۱. همان، ج ۶، ص ۲۳.

۳- ۷۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۱.

می توان گفت نیت درجات و مراتب متعددی دارد، همان گونه که میزان ایمان افراد متفاوت می باشد و در نتیجه عمل و عبادت هم مراتب مختلف دارد که در بحث عبادت خواهد آمد، و شاید بیان حضرت علی علیه السلام در تبیین همین معنا باشد که می فرماید:

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ»؛^(۱) به راستی گروهی خدا را از روی رغبت (و میل و علاقه به ثواب و بهشت) می پرستند که این عبادت تاجران و سوداگران است و عده ای دیگر از روی ترس (عذاب و دوزخ) خدا را می پرستند که این عبادت بردگان می باشد و گروهی از روی تشکر و سپاسگزاری خداوند را پرستش می کنند که این عبادت آزادگان است. (عبادتی عارفانه، خالصانه و عاشقانه بدون هیچ توقعی و هیچ توجّهی به نفس و ناس).

ص: ۴۳

علی علیه السلام در کلامی دیگر می فرماید:

«الهی ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا إِلَى جَنَّتِكَ وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ»؛^(۱) خدایا تو را نه از روی خوف از آتش تو و نه به خاطر طمع در بهشتت عبادت نکردم بلکه تو را سزاوار و شایسته عبادت و اطاعت یافتم پس پرستش و عبادت تو کردم (انگیزه و نیت من تنها تو بود بر اساس معرفت و شناختی که تو را یافتم).

البته همین نوع نیت خالص^(۲) و خوب هم مراتب و آثاری دارد از جمله:

«مَنْ أَخْلَصَ لَنَا (لِلَّهِ) أَرْبَعِينَ صَبَاحًا جَزَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»؛^(۳) کسی که چهل صباح برای خدا اخلاص ورزد چشمه های حکمت از قلبش به زبانش جاری گردد.

ص: ۴۴

۱- ۷۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۴۵؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۸۶.

۲- ۷۵. اخلاص (یعنی اخراج غیر حق از قلب و منزلگاه او) حالت و ملکه ای است در دل که بوسیله تزکیه نفس و پالایش درون از علائق غیر خدایی و مقاصد شرک آلود حاصل می آید.

۳- ۷۶. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲؛ اربعین حدیث، امام خمینی رحمه الله، ص ۶۰.

جهت گیری نیت باید به سوی سیره و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام باشد، یعنی معیار نهایی و ارزشی آن اصابت و هماهنگی با سنت و از مسیر ولایت باشد.

(سنت یعنی قول و فعل و تقریر معصوم علیه السلام و مراد از تقریر معصوم علیه السلام فعل و عملی است که مورد امضا قرار دهد و نهی نفرماید). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ (لَا يُقْبَلُ قَوْلٌ إِلَّا بِعَمَلٍ) وَلَا قَوْلَ وَلَا عَمَلٌ إِلَّا بِنِيَّةٍ وَلَا قَوْلَ وَلَا عَمَلٌ وَلَا نِيَّةَ إِلَّا بِاصَابَةِ السُّنَنِ»؛^(۱)

گفتار راست نگردد جز به عمل و گفتار و عمل ارزش نیابد (به حقیقت نگراید) مگر به نیت و گفتار و عمل و نیت به صحت و ثواب مقرون نگردد، مگر به مطابقت و هماهنگی با سنت.

و امام سجاد علیه السلام می فرماید:

ص: ۴۵

«إِنَّ أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ وَإِنْ قَلَّ»؛^(۱) به راستی برترین اعمال در پیشگاه خداوند عمل و رفتاری است که بر اساس سنت و برگرفته از آن باشد اگر چه کم و کوچک باشد. (با توجه به این که حقیقت عمل به نیت آن می باشد، پس باید نیت طبق سنت باشد.)

ص: ۴۶

۱- ۷۸. همان، حدیث ۷.

بخش دوم: عبادت

اشاره

ص: ۴۷

عبادت (مصدر عَبَدَ) در لغت و نزد واژه شناسان به معنای خضوع، اطاعت، نهایت فروتنی، تعظیم و تذلل با تقدیس آمده است. عبودیت هم مصدر عبد، ولی به معنای اظهار فروتنی و اطاعت از خدا آمده و عبادت از آن بلیغ تر می باشد که غایت تذلل و نهایت فروتنی و اطاعت را می رساند (ولذا استحقاق پرستش را ندارد مگر آن که نهایت کمال از اوست که خدای خالق می باشد) (۱)

عبادت در فرهنگ اسلام دو اصطلاح دارد:

الف: تکوینی که عبارت است از همان رابطه معلول با علت و سراسر عالم امکان که مخلوق و معلول خدای متعال اند، بنده محض حق بوده و لحظه ای از اطاعت او سرپیچی ندارند و وجودشان عین ربط است که در قرآن با تعبیر مختلف آمده است از جمله:

«وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ

ص: ۴۹

۱- ۷۹. ر. ک: مفردات راغب، المعجم الوسيط، قاموس قرآن، مجمع البحرين، لسان العرب و اقرب الموارد و... {و راهی که با رفتن هموار شده «طریقٌ مُعَبَّدٌ» خوانند و برده را به واسطه انقیاد و مطیع بودنش عبد گویند.}

و حال آن که آسمانیان و زمینیان خواه و ناخواه فرمانبردار و تسلیم او هستند و به سوی او بازگردانده می شوند.

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَمْ تُفْقَهُوْنَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»؛ (۲)

آسمان های هفت گانه و زمین و هر چه در آنهاست تسبیح او گویند و هیچ موجودی نیست مگر آن که به ستایش و تسبیح او مشغول است ولی شما تسبیح آنها را در نمی یابید و فهم نمی کنید.

«إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا»؛ (۳)

هیچ کس در آسمان ها و زمین نیست مگر آن که بنده و عبد خدای رحمان است.

«وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ»؛ (۴)

و هر چه در آسمان ها و زمین از جنبدگان و فرشتگان همگی خدا را سجده و عبادت می کنند و هیچ تکبر نمی ورزند.

ب: تشریحی که دو قسم می باشد:

۱- خاص: (اعمال شرعی مخصوص همانند نماز، روزه، یعنی

ص: ۵۰

۱- ۸۰. آل عمران: ۸۳.

۲- ۸۱. اسراء: ۴۴.

۳- ۸۲. مریم: ۹۳.

۴- ۸۳. نحل: ۴۹.

تعبدیات در مقابل توصلیات که در انجام آنها قصد قربت و عبادت شرط می باشد.

۲- عام: هر نوع اندیشه و عمل و رفتاری که قصد تقرب و جهت الهی داشته باشد.

در واقع عبادت، عبارت است از درک مملوکیت و نیاز محض و به دنبال آن توجه خالصانه و خاضعانه به درگاه بی نیاز مطلق و تعظیم و اطاعت او در تمام مراحل حیات، و در نتیجه، نجات نیروهای درون و بیرون از پراکندگی و هدایت آنها به سوی معبود یکتا و تسلیم در برابر او و دستوراتش و تحقق توحید اسلامی (توحید در خلقت، ربوبیت و عبودیت، یعنی هم او که خالق هستی است، تدبیر تکوینی و تشریحی عالم و آدم را عهده دار است و هم او که خالق و مدیر است، باید عبادت شود و شایسته پرستش و اطاعت است).

«ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ»؛ (۱)

این است خدا، پروردگار شما، هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را پرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است.

بر این اساس عبادت پروردگار، تنها راه و کوتاه ترین راه وصول به سعادت و نیک بختی انسان می باشد. که در قرآن آمده است: «وَ أَنْ

ص: ۵۱

اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ (۱) و مرا پرستش کنید که این راه مستقیم است.

البته عبادت مقوله به تشکیک و حقیقتی است ذات مراتب، مثلاً- از توجه دل به خدا و گفتن لا- اله الا الله آغاز می شود و تا عالی ترین مراحل عرفان و کمال لایق به حال انسان مصداق می یابد و همچنین عبادت غیر خدا در اسلام حرام می باشد.

حقیقت عبادت

در این جا به مفهوم حقیقی عبادت و عبودیت (پرستش و بندگی خدا) که ملازم یکدیگرند از منظر روایات اکتفا می کنیم، از جمله:

عیسی بن عبدالله قمی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، عبادت چیست؟ امام پاسخ داد:

«حُسْنُ النَّيِّهِ بِالطَّاعَةِ مِنَ الْوَجْهِ الَّذِي يُطَاعُ اللَّهُ مِنْهُ»؛ (۲) نیت نیکو و خوب داشتن به فرمانبرداری، از راهی که خداوند از آن راه (شایسته است) اطاعت شود.

ابوبصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم از میزان و تعریف عبادت که چون کسی انجام دهد وظیفه خود را انجام داده باشد چیست؟ حضرت فرمود:

ص: ۵۲

۱- ۸۵. یونس: ۶۱.

۲- ۸۶. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۸؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

«حُسْنُ التَّيِّبَةِ بِالطَّاعَةِ»؛ (۱) خلوص و پاکی (نیکویی) تبت به فرمانبرداری و اطاعت است.

همچنین این یار باوفای امام صادق علیه السلام در روایت دیگری می فرماید: در تفسیر آیه شریفه «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا...» (۲) از حضرت پرسیدم، حضرت در جوابم فرمود:

«لَيْسَ الْعِبَادَةُ هِيَ السَّجُودُ وَلَا الرُّكُوعُ إِنَّمَا هِيَ طَاعَةُ الرَّجَالِ، مَنْ أَطَاعَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ يَهِ الْخَالِقِ فَقَدْ عَبَدَهُ»؛ (۳) عبادت (تنها) رکوع و سجود نیست بلکه اطاعت از مردان (شخصیت ها) است، هر کس در معصیت پروردگار از مخلوقی اطاعت کند او را پرستیده است.

همچنین می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خداوند متعال «اتَّخَذُوا آخْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» سؤال کردم فرمود:

«أَمَا وَاللَّهِ مَا دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ دَعَوْهُمْ إِلَى عِبَادَةِ أَنْفُسِهِمْ لَمَا أَجَابُوهُمْ وَلَكِنْ أَحَلُّوا لَهُمْ حَرَامًا وَحَرَّمُوا عَلَيْهِمْ حَلَالًا فَعَبَدُوهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ»؛ (۴) سو گند به خدا! مردم را به پرستش خودشان دعوت نکردند و اگر این چنین می کردند، مردم نمی پذیرفتند. ولیکن حرام را برای آنان

ص: ۵۳

۱- ۸۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.

۲- ۸۸. مریم: ۸۱.

۳- ۸۹. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۴.

۴- ۹۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۹۸.

حلال نمودند و حلال را برایشان حرام کردند در نتیجه مردم بدون علم و آگاهی، آنها را اطاعت و پرستش نمودند.

عنوان بصری می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم حقیقت بندگی چیست؟

«ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوْلَهُ اللَّهُ مَلِكًا لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ يَرُونَ الْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَضْعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَجُمْلَهُ اشْتِغَالُهُ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ...»؛ (۱) فرمود: سه چیز است:

۱- بنده نسبت به آنچه خداوند به او عطا کرده، مالکیتی برای خود نبیند، زیرا بندگان مالک چیزی نمی باشند، مال را متعلق به خدا می دانند و هر جا خدا امر فرموده قرار می دهند.

۲- بنده برای خودش تدبیری قطعی و مستقل نکند (بلکه اراده و مشیت او را حاکم می داند و می خواهد).

۳- تمام کار و اشتغال او در راه اجرای اوامر و نواهی پروردگار باشد.

ص: ۵۴

نگاهی گذرا به احادیث اهل بیت علیهم السلام گویای این حقیقت است که نه تنها هدف از آفرینش آدمی و فرستادن پیامبران هدایتگر، عبادت و پرستش آگاهانه خداوند بوده بلکه برترین اعمال تقرب به خدا و کسب رضای او و کمال عقل آدمی در پرستش و بندگی او قرار دارد و بالاترین حق خداوند بر انسان عبادت است.

جمیل بن دراج می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ (جن و انس را نیافریدیم مگر این که مرا عبادت کنند). پرسیدم، فرمود:

«خَلَقَهُمْ لِلْعِبَادَةِ»؛ آنها را آفرید برای پرستش.

گفتم: گروهی را یا همه را؟ فرمود:

«لَا بَلْ عَامَّةً»؛ (۱) نه! بلکه همه را (یعنی تکلیف عبادت برای همه جن و انس است نه مؤمنین تنها).

همچنین امام علی علیه السلام در حدیثی نورانی می فرماید:

ص: ۵۵

«... فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنَ الْاَوْثَانِ إِلَىٰ عِبَادَتِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَىٰ طَاعَتِهِ بِقُرْآنٍ قَدْ بَيَّنَّ وَ أَحْكَمَهُ»؛ (۱) ... خداوند، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق برانگیخت تا بندگانش را از پرستش بت ها بازداشته، به عبادت خدا فراخواند. و از پیروی شیطان به سوی طاعت پروردگار بکشاند به وسیله قرآنی که آن را تبیین نموده و استوار ساخته است.

به گفته امام صادق علیه السلام، در تورات، کتاب آسمانی حضرت موسی علیه السلام نوشته شده است:

«يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ غَنِيَّ وَ لَمَّا أَكَلْتَكِ إِلَىٰ طَلْبِكَ وَ عَلَيَّ أَنْ أَسِيدَ فَافْتَنَكَ وَ أَمَلًا قَلْبِكَ خَوْفًا مِنِّي وَ إِنْ لَا تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا قَلْبِكَ شُغْلًا بِالْأَدْنِيَا ثُمَّ لَا أَسُدَّ فَافْتَنَكَ وَ أَكَلْتَكِ إِلَىٰ طَلْبِكَ»؛ (۲) ای فرزند آدم! خود را برای پرستش و عبادت من فارغ گردان تا قلبت را از بی نیازی پرکنم و تو را به تلاش و تقاضای خودت وامگذارم و بر عهده من است که کمبود و ناداری تو را برطرف کنم و دلت را از خوف و خشیت خودم سرشار سازم و اگر خود را برای پرستش من فارغ نسازی، قلبت را به دنیا مشغول کنم سپس نیازت را برطرف نکرده و تو را به جستجو و تلاش خودت واگذارم.

ص: ۵۶

۱- ۹۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۲- ۹۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

همچنین امام رضا علیه السلام در مورد آیه شریفه «لِيُبْلِغَكُمْ أَيْدِيكُمْ أَعْمَالًا»؛ (۱) (تا شما را بیازماید، کدام تان نیکوتر عمل می کنید.) فرمود:

«إِنَّهُ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ خَلْقَهُ لِيُبْلِغَهُمْ بِتَكْلِيفِ طَاعَتِهِ وَ عِبَادَتِهِ...»؛ (۲) خداوند عزوجل آفریده های خود را خلق کرد تا آنها را با تکلیف، اطاعت، و عبادت بیازماید.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«كَفَى بِالْعِبَادَةِ شُغْلًا»؛ (۳) عبادت کافی ترین شغل و کار است.

از امام حسن عسکری علیه السلام در دوران کودکی آن حضرت سؤال کردند: ما برای چه آفریده شده ایم؟

«لِلْعِلْمِ وَ الْعِبَادَةِ»؛ (۴) فرمود: برای دانش و پرستش (عبادت).

امام صادق علیه السلام فرمود:

«فَإِنَّ أَفْضَلَ الْعَمَلِ الْعِبَادَةَ وَ التَّوَاضُّعَ...»؛ (۵) به راستی برترین عمل عبادت و فروتنی است.

همچنین امام موسی کاظم علیه السلام می فرماید:

«أَشْرَفُ الْأَعْمَالِ التَّقَرُّبُ بِعِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛ (۶) شریف ترین کارها، تقرب به وسیله عبادت خدای (عزوجل) می باشد.

ص: ۵۷

۱- ۹۵. ملک: ۳.

۲- ۹۶. بحار الانوار، ج ۴، ص ۸۰.

۳- ۹۷. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۷.

۴- ۹۸. احقاق الحق، ج ۱۲، ص ۴۷۳.

۵- ۹۹. تحف العقول {مترجم}، ص ۳۱۵.

۶- ۱۰۰. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۹۸.

نیز امام علی علیه السلام در جمله ای کوتاه ولی پر محتوا می فرماید:

«ثَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعِبَادَةُ»؛^(۱) ثمره و نتیجه دانش (به اصول دین همراه با ایمان)، عبادت و بندگی است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«لِكُلِّ شَيْءٍ دَعَامَةٌ وَ دَعَامَةُ الْمُؤْمِنِ عَقْلُهُ وَ بِقَدْرِ عَقْلِهِ تَكُونُ عِبَادَتُهُ»؛^(۲) هر چیز را ستون و محوری است و استوانه مؤمن خرد و عقل اوست و عبادت او به میزان و اندازه عقل او می باشد.

ص: ۵۸

۱- ۱۰۱. غرر الحکم، ج ۶۴، ح ۷۱۸.

۲- ۱۰۲. محجه البیضاء، ج ۱، ص ۱۷۱.

حال ثمره و میوه های عبادت را در جلوه های گوناگون از منظر روایات می نگریم که رسیدن به عالی ترین مراحل تکامل و تقرب به خدا و عزت و افتخار انسانی و یافتن مقام صدیقین و آزادگی و بی نیازی و رستگاری و خردورزی همه از مسیر عبادت خالصانه میسر است.

امام صادق علیه السلام درباره عبادت می فرماید:

«وَالصَّادِقِينَ وَرَثُوا الصَّدَقَ بِالْخُشُوعِ وَ طُولِ الْعِبَادَةِ»؛^(۱) صدیقان (درگاه حق)، صدق و راستی را در اثر خشوع و طول عبادت، به ارث برده اند.

امام علی علیه السلام نیز می فرماید:

«كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لِمَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تُكُونَ لِي رَبًّا»؛^(۲) (پروردگارا) این عزت برای من بس است که عبد تو باشم و این افتخار برای من کافی است که تو پروردگار من باشی.

ص: ۵۹

۱- ۱۰۳. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۴۰۴.

۲- ۱۰۴. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۰۰.

امام حسین علیه السلام فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ حَيَّلَ ذِكْرَهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَتَعْنَا بِعِبَادَتِهِ عَنْ عِبَادِهِ مَا سِوَاهُ»؛^(۱) ای مردم همانا خداوند بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند و وقتی شناختند او را عبادت کنند، پس وقتی او را عبادت کردند از بندگی غیر خدا مستغنی و بی نیاز می شوند.

در کتاب «لبّ الالباب»، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است:

«مَنْ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ فِي قَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ»؛^(۲)

کسی که چهل روز عبادت خالصانه برای خدا انجام دهد چشمه های حکمت در قلب و زبانش ظاهر می شود.

همچنین امیر بیان، علی علیه السلام در فرازهایی کوتاه اما پر نغز می فرماید:

«غَايَةُ الْعِبَادَةِ الطَّاعَةُ»؛^(۳) غایت و غرض از عبادت، اطاعت و فرمانبرداری (خدا) است.

«الْإِخْلَاصُ ثَمَرَةُ الْعِبَادَةِ»؛^(۴) اخلاص ثمره و نتیجه عبادت می باشد.

ص: ۶۰

۱- ۱۰۵. موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۵۴۰.

۲- ۱۰۶. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۶.

۳- ۱۰۷. غرر الحکم، ص ۱۸۲، ح ۳۴۰۵.

۴- ۱۰۸. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۸۹۵.

«الْعِبَادَةُ فَوْزٌ»؛ (۱) عبادت رستگاری است.

«مَا تَقَرَّبَ مُتَّقِرَبٍ بِمِثْلِ عِبَادَةِ اللَّهِ»؛ (۲) هیچ عملی همانند عبادت، باعث تقرب و نزدیکی انسان به خدا نمی شود.

«فَازَ بِالسَّعَادَةِ مَنْ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ»؛ (۳) آن که عبادت خالصانه انجام دهد به فوز سعادت رسد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَفْضَلُ طَبَايِعِ الْعَقْلِ الْعِبَادَةُ»؛ (۴) برترین طبیعت های عقل عبادت است. (عبادت نشانه رشد عقل و خردمندی است).

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتُعَالَى: يَا عِبَادِي الصَّادِقِينَ تَتَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ تَتَنَعَّمُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ»؛ (۵) خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای بندگان صدیق و راستین من، در دنیا از عبادت من لذت ببرید زیرا در آخرت از آن (عبادت در دنیا) بهره و لذت خواهید برد.

از موعظه های حضرت عیسی علیه السلام است که فرمود:

«بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ إِنَّ الدَّابَّةَ إِذَا لَمْ تُرْكَبْ وَ لَمْ تُمْتَهَنْ وَ تُشِيعَ تَعْمَلُ لِتَصْعُبَ وَ يَتَغَيَّرُ خُلُقُهَا وَ كَذَلِكَ الْقُلُوبُ إِذَا لَمْ تُرْفَقْ بِذِكْرِ الْمُؤْتِ وَ

ص: ۶۱

۱- ۱۰۹. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۹۳۲.

۲- ۱۱۰. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۴۲.

۳- ۱۱۱. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۰۹.

۴- ۱۱۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۳۱.

۵- ۱۱۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۵۵.

يَتَّبِعُهَا دُؤُوبٌ الْعِبَادَةِ تَقْسُو وَ تَغْلُظُ»؛^(۱) به راستی برای شما می گویم: اگر چهارپا را سوار نشوند و او را برای سوار شدن یا حمل بار به کار نگیرند، درشتی می کند و خلش متغیر می شود. قلب ها هم همین طورند، هنگامی که با یاد مرگ و تداوم رنج عبادت نرم نشوند، قساوت و غلظت پیدا می کنند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«مَنْ شَعَلَتْهُ عِبَادَةُ اللَّهِ عَنْ مَسْأَلَتِهِ أَعْطَاهُ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى السَّائِلِينَ»؛^(۲) کسی که اشتغال به عبادت پروردگار او را از سؤال کردن باز دارد خداوند متعال برترین چیزی که به سؤال کنندگان می دهد به او عطا خواهد کرد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَنْ قَامَ بِشَرَائِطِ الْعُبُودِيَّةِ أَهْلًا لِلْعَتَقِ»؛^(۳) هر کس به شرائط بندگی قیام کند، شایسته و سزاوار آزادی (از عذاب آخرت و نگرانی های زندگی) خواهد بود.

ص: ۶۲

۱- ۱۱۴. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

۲- ۱۱۵. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۴.

۳- ۱۱۶. غرر الحکم، ح ۸۵۲۹.

در مکتب آسمانی اسلام، عبادت منحصر به انجام فرائض خاصی نبوده و دارای معنای وسیعی می باشد به گونه ای که یک فرد مسلمان می تواند تمام فعالیت های فردی، جمعی، فکری و علمی خود را به عنوان عبادت و کسب رضای خدا و اجر اخروی انجام دهد تا با تحقق این تفکر تربیتی و اخلاقی، زندگی او سراسر خیر و خدایی و خدمت و امنیت روانی و زیبایی (همگام با حرکت هستی به سوی خدا) گردد و همه چیز در مسیر صلاح و سعادت انسان ها قرار گیرد به طوری که در بخش هایی از روایات این فصل، جلوه های گوناگون عبادت و بندگی را بر شاخسار زندگی مشاهده می کنیم بعلاوه که ملاک تربیتی اسلام، عبد زیستن و در تمام عرصه ها مطیع خدا و حق شدن است. (۱)

ص: ۶۳

۱- ۱۱۷. آری اسلام دین زندگی انسان و روایات اهل بیت علیهم السلام در واقع تبیین قرآن و دستورالعمل های چگونه زیستن آدمی برای رسیدن به سعادت ابدی است و برخلاف سکولاریزم {دنیاگرایی و فردنگری و جدایی دین از سیاست و مدیریت اجتماعی} در تمام عرصه های حیات حضور داشته و برای جای جای زندگی انسانی (حتی خور و خواب و نگریستن و...) حکم و باید و نبایدها دارد. بالاتر این که اندیشه و آموزش را می تواند با تیت خدایی، قداست و معنویت بخشد و به بدبختی ها، نگرانی ها و جنگ ها و فسادهای جامعه امروز بشری (که معلول بی خدایی و نداشتن ایمان راستین به خدای خالق و معاد و کرامت و مسئولیت انسان و نتیجه پیروی هواهای نفسانی و کشش های شیطانی می باشد) خاتمه دهد و جهانی سرشار از صلح و امتیت و امید به بار آورد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ»؛ (۱) سرآغاز عبادت، معرفت پروردگار (و علم و دانایی) است.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«لَيْسَ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ»؛ (۲) عبادت به زیادی نماز و روزه نیست. همانا عبادت، بیشتر در امر خداوند اندیشیدن است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْفِكْرُ عِبَادَةٌ»؛ (۳) اندیشه عبادت است (اندیشه در آفرینش طبیعت و انسان و کشف رازها و علوم و عظمت خدا، در تاریخ و عبرت و...)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«يَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ... وَلَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ (كَالتَّفَكُّرِ)»؛ (۴)

یا علی... و عبادتی همانند تفکر و اندیشیدن (درباره عظمت و قدرت خدا) نیست.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

ص: ۶۴

۱- ۱۱۸. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۵۳.

۲- ۱۱۹. بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۶۱؛ ج ۷۱، ص ۳۲۵.

۳- ۱۲۰. غرر الحکم، ج ۵۶، ح ۵۳۱.

۴- ۱۲۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۵۹ و ۶۸.

«فَإِنَّ الْفِقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيْرَةِ وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ»؛(۱) همانا فقه و دانستن کلید آگاهی و کمال عبادت و سبب رسیدن به مقامات بلند است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«التَّفَكُّرُ فِي آيَاتِ اللَّهِ نِعَمَ الْعِبَادَةِ»؛(۲) اندیشه در نعمت های خداوند چه عبادت خوبی است. (تفکر نه تنها یک امر مذهبی و درک علم و عظمت خدا و شکرگزاری و ثواب آور که ایجاد انگیزه برای کشف انواع علوم و خواص غذایی، دارویی، و... اشیاء و مخلوقات و رشد عقل و تکامل است.)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«كَانَ أَكْثَرَ عِبَادَةِ أَبِي ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ التَّفَكُّرُ وَ الْإِعْتِبَارُ»؛(۳) بیشترین عبادت ابوذری، فکر کردن و پند گرفتن بود (و در نتیجه عمل صالح نمودن).

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَإِنَّ تَعَلُّمَهُ حَسْبُهُ وَ طَلَبُهُ عِبَادَةٌ وَ مُيَاكِرَتُهُ تَسْبِيْحٌ وَ الْبَحْثُ عَنْهُ جِهَادٌ وَ تَعَلُّمُهُ صِدْقَةٌ وَ يَدْلُهُ لِأَهْلِهِ قُرْبَةٌ وَ الْعِلْمُ ثَمَارُ الْجَنَّةِ...»؛(۴)

ص: ۶۵

۱- ۱۲۲. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۴۰.

۲- ۱۲۳. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۱۱۴۰.

۳- ۱۲۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

۴- ۱۲۵. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۹.

دانش را فرا بگیرید زیرا یاد گرفتنش حسنه، طلبش عبادت، یادآوریش تسیح، بحث و گفتگوش جهاد، یاد دادنش صدقه و بذل و بخشش آن به اهلش موجب قرب است به خدا، و علم میوه بهشت است... .

ب: نگرستن و نشستن با صالحان

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَّهُمَا عِبَادَةٌ»؛^(۱) نگاه کردن فرزند به پدر و مادر از روی محبت به آن دو عبادت می باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْأَمَامِ الْمُقْسِطِ عِبَادَةٌ»؛^(۲) نگرستن به عالم (نه هر دانشمندی)^(۳) عبادت است چنان که نگاه کردن به پیشوای عادل عبادت است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«النَّظَرُ إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ عِبَادَةٌ النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ فِي الْمَصْحَفِ وَ فِي الْبَحْرِ»؛^(۴) نگاه کردن به سه چیز عبادت محسوب می شود. به سیمای پدر و مادر و به قرآن و دریا.

ص: ۶۶

۱- ۱۲۶. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۲- ۱۲۷. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۶.

۳- ۱۲۸. از امام صادق علیه السلام سؤال شد کدام عالم؟ فرمود: عالمی که هر گاه به او بنگری تو را به یاد آخرت بخدا و معاد بیندازد و هر کسی جز این باشد، پس نگاه کردن به او موجب فریفته شدن است. (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۴۶۲).

۴- ۱۲۹. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۶۸.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ»؛^(۱) نگاه محبت آمیز مؤمن در صورت برادرش عبادت است.

و با مختصر تغییر از امام زین العابدین علیه السلام هم نقل شده است.^(۲)

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«الْمُتَّقُونَ سَادَةٌ وَالْفُقَهَاءُ قَادَةٌ وَالْجُلُوسُ إِلَيْهِمْ عِبَادَةٌ»؛^(۳)

پرهیزکاران، سروران و بزرگانند. و فقها پیشوایانند و نشستن در محضرشان عبادت است.^(۴)

امام رضا علیه السلام از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم آورده است:

«مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى التَّيْتِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْمَصْحَفِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ»؛^(۵)

هم نشینی با علما عبادت است. نگاه کردن به علی علیه السلام عبادت می باشد. نگاه کردن به کعبه و قرآن عبادت است. نگاه کردن به پدر و مادر عبادت است.

ص: ۶۷

۱- ۱۳۰. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۰.

۲- ۱۳۱. تحف العقول، ص ۲۹۰.

۳- ۱۳۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۱۰.

۴- ۱۳۳. از حضرت عیسی علیه السلام سؤال شد: با چه کسی همنشین شویم؟ فرمود: با کسی که دیدن او شما را به یاد خدا بیاندازد {اهل تقوا و عبادت باشد} و سخنش بر علم شما بیافزاید و عمل و رفتارش ترغیب و تشویق کننده به خیر و سعادت باشد. می رود از سینه ها در سینه ها از ره پنهان صلاح و کینه ها صحبت صالح تو را صالح کند صحبت طالح تو را طالح کند

۵- ۱۳۴. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۰۴.

و مانند این حدیث از ابوذر نقل شده است. (۱)

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ قُلْتُ النَّظَرُ إِلَى الْمَأْتَمَةِ مِنْكُمْ أَوْ النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ بَلِ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَّةِ النَّبِيِّ (ص) عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُفَارِقُوا مِنْهَا جُوهٌ وَ لَمْ يَتَلَوُّوا بِالْمَعَاصِي»؛ (۲)

نگاه کردن به ذریه (و فرزندان) ما عبادت است. عرض کردم: نگاه کردن به ائمه علیهم السلام از شما فقط، یا به همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم؟ فرمود: بلکه نگاه کردن به همه ذریه (و فرزندان) رسول خدا صلی الله علیه و آله عبادت است تا هنگامی که از روش رسول خدا دور نگشته و به گناهان آلوده نشده اند.

امام علی علیه السلام: رسول خدا فرمود:

«النَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْإِمَامِ الْمُقْسَطِ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ بِرَأْفَةٍ وَ رَحْمَةٍ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْأَخِ تَوَدُّهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَةٌ»؛ (۳)

نگاه کردن به عالم عبادت است، نگاه کردن به پیشوای عادل عبادت می باشد. نظر به والدین با رأفت و مهربانی عبادت است، نگاه کردن به برادری که برای خدا او را دوست داری عبادت است.

ص: ۶۸

۱- ۱۳۵. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۳.

۲- ۱۳۶. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۲۱.

۳- ۱۳۷. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۳.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«النَّظَرُ إِلَى وَجْهِ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ»؛^(۱)

نگاه کردن به صورت علی علیه السلام عبادت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَالْجُلُوسُ فِيهِ (مسجد الكوفه) مِنْ غَيْرِ تَلَاوِهِ قُرْآنٍ عِبَادَةٌ»؛^(۲) نشستن در مسجد کوفه (حتی) بدون تلاوت قرآن هم عبادت است.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ انْتِظَارَ الصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحَدِّثْ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا يُحَدِّثُ قَالَ الْاِغْتِيَابُ»؛^(۳)

نشستن در مسجد به انتظار نماز عبادت است تا زمانی که حدیث و سخنی گفته نشود. سؤال شد: یا رسول الله آنچه گفته و حدیث می شود چیست؟ فرمود: غیبت کردن.

ج: دعا و یاد خدا و خوبان

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَنَّ سَيْئِلَ عَنْ رَجُلَيْنِ دَخَلَا الْمَسْجِدَ [فِي وَقْتِ وَاحِدٍ] وَ افْتَتِحَا الصَّلَاةَ [فِي وَقْتِ وَاحِدٍ] فَكَانَ دُعَاءُ أَحَدِهِمَا أَكْثَرَ وَ كَانَ قُرْآنُ الْآخَرِ أَكْثَرَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ وَ كُلُّ حَسَنٌ قِيلَ قَدْ عَلِمْنَا

ص: ۶۹

۱- ۱۳۸. الامام علی بن ابی طالب ابن عساکر، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲- ۱۳۹. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۱.

۳- ۱۴۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۷.

ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَرَدْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ الدُّعَاءُ أَفْضَلُ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ ادْعُونِي «أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» هِيَ الْعِبَادَةُ وَ هِيَ أَفْضَلُ؛(۱)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: دو نفر در یک وقت وارد مسجد شدند و نماز را شروع کردند، یکی بیشتر دعا نمود و دیگری قرآن بیشتر می خواند (عمل) کدام یک بهتر است؟ فرمود: دعا افضل است آیا نشنیده ای خداوند (عزوجل) می فرماید: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» مرا بخوانید استجابت کنم شما را، دعا عبادت است و آن برتر و بهتر می باشد.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرِي عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةٌ»؛(۲)

یاد خداوند (عزوجل) عبادت است، یاد من عبادت، و یاد علی علیه السلام عبادت و یاد ائمه علیهم السلام از فرزندان او عبادت است.

رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم:

«الصُّمْتُ عِبَادَةٌ لِمَنْ ذَكَرَ اللَّهَ»؛(۳)

سکوت برای کسی که خدا را یاد کند عبادت است.

ص: ۷۰

۱- ۱۴۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۶.

۲- ۱۴۲. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۶۸.

۳- ۱۴۳. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

اسلام می خواسته با توجه قلبی مستمر به خدای مهربان و با یاد اسوه های علم و ایمان و اخلاق، انسان را از غفلت و بیهودگی و ماندگی در محدوده مادی دنیا بیرون بیاورد و با فاصله گرفتن از بدی ها و بدان، آهنگ پرواز به سوی فضایل و پیروی از خوبان کند.

د: دیگر نمونه ها

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَلَالِ»؛ (۱) عبادت هفتاد جزء است، بهترین بخش آن طلب روزی حلال می باشد.

و در بیانی دیگر می فرماید:

«الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ تَشَعُّهُ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»؛ (۲) عبادت ده جزء دارد، نه قسمت آن در طلب (هر فکر و کار) حلال است.

همچنین خداوند متعال در حدیث معراج، به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«يَا أَحْمَدُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْعِبَادَةِ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الصَّيِّمَةِ وَالصَّوْمِ»؛ (۳) یا احمد! چیزی از عبادات مانند سکوت و روزه نزد من محبوب تر نیست.

عیسی بن ابی منصور می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

ص: ۷۱

۱- ۱۴۴. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۲- ۱۴۵. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

۳- ۱۴۶. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰.

«نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَنَا الْمُغْتَمُّ لِظُلْمِنَا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لِأَمْرِنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُهُ لِسِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (۱)

نفس کشیدن شخصی که به خاطر ما محزون و به جهت ظلمی که به ما شده است غمگین باشد، تسبیح خدا گفتن به شمار می آید و همت گماردن او برای امر ما (ولایت و حکومت حق) عبادت است و مخفی کردن سر ما، جهاد در راه خدا است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«يَا عَلِيُّ أَيْنَ الْمُؤْمِنِ الْمَرِيضِ تَسْبِيحٌ وَ... وَ نَوْمُهُ عَلَى الْفِرَاشِ عِبَادَةٌ»؛ (۲)

یا علی! ناله مؤمن مریض تسبیح... و خواب او بر بسترش عبادت است... .

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الصَّوْمُ عِبَادَةٌ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ خَالِقِهِ لَا يَطْلُعُ عَلَيْهَا غَيْرُهُ وَ كَذَلِكَ لَا يُجَازِي عَنْهَا غَيْرُهُ»؛ (۳)

روزه عبادتی است میان بنده و خالقش که جز او کسی بر آن مطلع نمی شود و همین طور غیر از او جزایش را نمی دهد.

ص: ۷۲

۱- ۱۴۷. بحار الانوار، ج ۷۵، ج ۸۳.

۲- ۱۴۸. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۵۴.

۳- ۱۴۹. شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۸۵.

و در این مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«الصَّائِمُ فِي عِبَادَةٍ وَإِنْ كَانَ نَائِمًا عَلَى فِرَاشِهِ مَا لَمْ يَغْتَبْ مُسْلِمًا»؛^(۱)

روزه دار در حال عبادت است اگر چه در بسترش خوابیده باشد مادامی که غیبت مسلمانی را نکند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«تَبَسُّمُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ حَسَنَةٌ وَ صَرْفُهُ الْقَدَى عَنْهُ حَسَنَةٌ وَ مَا عُبِدَ اللَّهُ (بِمِثْلِ) إِذْ خَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ»؛^(۲)

تبسم مؤمن در صورت برادرش حسنه شمرده می شود و خداوند همانند خوشحال نمودن مؤمن پرستش نشده است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«قُبْلَةُ الْوَالِدِ رَحْمَةٌ وَقُبْلَةُ الْمَرْأَةِ شَهْوَةٌ وَقُبْلَةُ الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ»؛^(۳)

بوسیدن فرزند مهربانی است، بوسیدن زن (همسر) شهوت است، بوسیدن پدر و مادر عبادت است... .

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أُعْطِيَ نِصْفَ الْعِبَادَةِ»؛^(۴)

کسی که ازدواج کند نصف عبادت به او عطا شده است.

ص: ۷۳

۱- ۱۵۰. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۰.

۲- ۱۵۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۲۱.

۳- ۱۵۲. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۹۳.

۴- ۱۵۳. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰.

(اهمیت ازدواج را در کنترل تمایلات و دوری از گناه و کسب دین و اطاعت خدا را می رساند.)

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْيَقِينُ عِبَادَةٌ»؛^(۱)

یقین (و ایمان و باور قلبی) عبادت است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْوَحْدَةُ رَاحَةٌ وَالْعُرْلَةُ عِبَادَةٌ وَالْقَنَاعَةُ غُنْمَةٌ»؛^(۲)

تنهایی موجب راحتی و گوشه گیری عبادت (در شرایط خاص و با حفظ ایمان) و قناعت غنیمت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«تَخْفِيفُ الْفَرِيضَةِ وَ تَطْوِيلُ النَّافِلَةِ مِنَ الْعِبَادَةِ»؛^(۳)

کوتاه انجام دادن (نماز) واجب و طول دادن (نماز) مستحب از عبادت است (شاید مراد از نماز واجب نماز جماعت باشد که کوتاه خواندن آن برای امام جماعت مطلوب و توصیه شده است)

بر این اساس از امام رضا علیه السلام روایت شده که می فرماید:

«فَإِنْ أَنْتَ تَوَمَّ النَّاسَ فَلَا تُطَوِّلْ فِي صَلَاتِكَ وَ خَفِّفْ فَإِذَا كُنْتَ

ص: ۷۴

۱- ۱۵۴. غرر الحکم، ص ۶۳، ح ۷۰۸.

۲- ۱۵۵. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰.

۳- ۱۵۶. همان، ج ۸۴، ص ۲۴۳.

وَحَدَّكَ فَتَقَلُّ مَا شِئْتُمْ فَإِنَّهَا عِبَادَةٌ»؛ (۱) پس اگر برای مردم امامت کنی نمازت را طول نده (رعایت حال ضعیفان را نمودن و تشویق برخی بر حضور در جماعت) و سبک ادا کن و هر گاه تنها بودی پس سنگین به جای آور آن گونه که می خواهی (و با خواندن مستحبات طول بده) که عبادت است.

نتیجه این که روایات مذکور این حقیقت را آشکار می کند که با شکل گیری فرهنگ ارزشی و اخلاقی اسلام تمام رفتار و حرکات مسلمان (اعم از فعالیت های اقتصادی سالم، ازدواج، تسلیم رضای خدا شدن، شادمان نمودن دیگران، تفکر، تحصیل دانش، تلاش برای ولایت و حاکمیت پاکان، بوسیدن والدین، ناله بیمار و حتی نفس کشیدن و باور قلبی نسبت به حقایق و...) با وجهه خدایی، عبادت می شود و انسان در جامعه ای اینگونه سرشار از معرفت، معنویت و محبت اسلامی، لذت زندگی واقعی را می یابد.

ص: ۷۵

فصل پنجم: بی نیاز از عبادت

از آنجا که خداوند کمال مطلق، واجب الوجود، غنی بالذات و مستجمع جمیع کمالات بوده، هرگز نیازی به عبادت بندگان و خلق ندارد و انسان ها سراسر نیازمند به او و با عبادت و بندگی او به کمال می رسند، همان گونه که در قرآن مکرر آمده: «وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ» (۱) در کلام عترت هم به این حقیقت اعتراف شده است:

امام علی می فرماید:

«فَإِنَّ اللَّهَ (سبحانه و تعالی) خَلَقَ الْخَلْقَ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاهُ وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَتِهِ...» (۲) همانا خداوند پدیده ها را در حالی آفرید که از اطاعت آنها بی نیاز و از نافرمانی شان در امان بود، زیرا نه معصیت گناهکاران به خدا زیانی رساند و نه اطاعت مؤمنان برای او سودی دارد، روزی بندگان را تقسیم و هر کدام را در جایگاه خودشان قرار داد.

ص: ۷۷

۱- ۱۵۸. محمد: ۳۸.

۲- ۱۵۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

و حضرتش در تعقیب نماز می فرمود:

«الهی هذه صَلَوَتِي صَلَّيْتُهَا لِاحْتِاجِهِ مِنْكَ إِلَيْهَا وَلَا رَغْبَةَ مِنْكَ فِيهَا إِلَّا تَعْظِيمًا وَ طَاعَةً وَ اجَابَةً لَكَ إِلَى مَا أَمَرْتَنِي...»؛^(۱)

پروردگارا این نمازی که خواندم (نماز گویاترین نماد عبادت و خضوع به درگاه خدا) نه به خاطر نیازمندی یا میل و علاقه تو به آن است بلکه برای تعظیم و فرمانبرداری و اجابت فرمان تو می باشد (تا خیر و سعادت نصیب عبد گردد).

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه می فرماید:

«الهی أَنْتَ الْعَنِي بِعَدَاتِكَ أَنْ يَصِلَ النِّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي»؛^(۲) خدایا تو بی نیازتر از آن هستی که به خودت سود رسانی، پس چگونه من می توانم به تو سودی برسانم (چطور می شود غنی از من نباشی).

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ وَ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ غَنِيٌّ كُلٌّ فَقِيرٌ... لَمْ تَخْلُقِ الْخَلْقَ لَوْحْشِهِ وَ لَا اسْتَعْمَلْتَهُمْ لِمَنْفَعِهِ وَ لَا يَسْبِقُكَ مَنْ طَلَبَتْ وَ لَا يُفْلِتُكَ مَنْ أَخَذَتْ وَ لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مِنْ عَصَاكَ وَ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مَنْ أَطَاعَكَ...»؛^(۳)

ص: ۷۸

۱- ۱۶۰. مصابیح الجنان، ص ۶۹۳.

۲- ۱۶۱. همان، ص ۶۳۳، دعای عرفه.

۳- ۱۶۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

همه چیز در برابر خدا خاشع و همه چیز با عنایت او بر جای مانده است، بی نیاز کننده هر نیازمند است... آفرینش برای ترس از تنهایی نبوده و برای سودجویی و نیاز نیافریدی، کسی از قدرت تو نتواند بگریزد و هر کس بگیری نتواند از قدرت تو خارج گردد، گناهکاران از عظمت تو نگاهند و اطاعت کنندگان بر قدرت تو نیفزایند و....

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«... سُبْحَانَكَ لَا يَنْقُصُ سُلْطَانُكَ مِنْ أَشْرَكَ بِحُكْمِكَ وَ كَذَّبَ رُسُلُكَ، وَ لَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ أَمْرَكَ وَ لَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ وَ لَا يُفُوتُكَ مَنْ عَبْدَ غَيْرِكَ...»؛ (۱) ای خدای منزّه و بی نیاز؛ آن که شریک برای تو قرار داد و پیامبرانت را به دروغ نسبت داد چیزی از فرمانروایی تو نکاست و کسی که حکم تو را نسنجید، نتوانست از فرمان تو سرپیچد و آن که غیر تو را پرستید از قدرت تو به در نرفت و آن کسی که مرگ و لقای تو را دوست نداشت، نتوانست در دنیا جاودان بماند.

ص: ۷۹

فصل ششم: عبادت غیر خدا

در آیین اسلام پرسش غیر خدا در هر شکل ممنوع و حرام می باشد و احادیث اهل بیت علیهم السلام همانند قرآن بر این معنا تصریح دارند؛ از جمله:

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«مَنْ أَضِغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ وَ أَنْ كَانَ النَّاطِقُ يُؤَدِّي عَنِ الشَّيْطَانِ فَقَدْ عَبَدَ الشَّيْطَانَ»؛^(۱) هر کس به گوینده گوش سپارد، او را بندگی کرده است، اگر از خدای عزوجل سخن بگوید، شنونده خدا را عبادت کرده و اگر از سوی شیطان بگوید، شیطان را عبادت نموده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ أَطَاعَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَهُ»؛^(۲) هر کس در معصیت پروردگار از مخلوقی اطاعت کند، او را پرستیده است.

ص: ۸۱

۱- ۱۶۴. اصول کافی، ج ۶، ص ۴۳۴.

۲- ۱۶۵. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۹۴.

و در بیانی دیگر می فرماید:

«مَنْ أَطَاعَ رَجُلًا فِي مَعْصِيَةِ فَقَدْ عَبَدَهُ»؛^(۱) هر که از فردی و شخصیتی در معصیت خدا فرمان برد، هر آینه او را بندگی کرده است.

و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَبَدَ الدِّينَارَ وَ الدَّرْهَمَ»؛^(۲) از رحمت خدا دور است، از رحمت خدا دور است، آن که بندگی درهم و دینار کند.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْعَبِيدُ ثَلَاثَةٌ؛ عَبْدٌ رِقٌّ وَ عَبْدٌ شَهْوَةٍ وَ عَبْدٌ طَمَعٍ»؛^(۳) بندگان سه گونه اند برده زرخرد، برده شهوت و برده طمع.

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به فرزندش می نویسد:

«لَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا»؛^(۴) هیچ گاه بنده دیگری مباش چرا که خداوند تو را آزاد آفریده است.

و نیز می فرماید:

«عَبْدُ الْمَطَامِعِ مُسْتَرْقٌ لَا يَجِدُ أَبَدًا الْعِتْقَ»؛^(۵) بنده طمع ها در بند بردگی است و هرگز آزادی را نمی یابد.

ص: ۸۲

۱- ۱۶۶. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۱.

۲- ۱۶۷. خصال، ص ۱۲۹، ح ۱۳۲.

۳- ۱۶۸. تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۴۹.

۴- ۱۶۹. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵- ۱۷۰. غرر الحکم، ج ۴، ص ۲۲۵، ح ۱۲۹۴.

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَعِيشَ حُرّاً أَيَّامَ حَيَاتِهِ فَلَا يُسْكِنِ الطَّمَعِ قَلْبَهُ»؛^(۱) هر کس می خواهد روزگار عمر خود را آزاد زندگی کند، طمع را در دل خویش جای ندهد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«مَنْ لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ وَيَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ هَكَذَا وَاللَّهُ ضَالًّا»؛^(۲) کسی که خدا را نشناسد و امام و پیشوای از ما اهل بیت علیهم السلام را نشناسد، همانا می شناسد و عبادت غیر خدا را می کند و به خدا سوگند سخت در گمراهی است.

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

«... وَ أَهْوَاهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ تَزُوقُهُ وَ هُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ»؛^(۳) ... و پست ترین افراد نزد تو کسی است که روزی تو را می خورد و بندگی غیر تو را می کند.

ص: ۸۳

۱- ۱۷۱. تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۴۹.

۲- ۱۷۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۲.

۳- ۱۷۳. صحیفه سجاده، دعای ۵۲.

از آنجا که دستورات خدای خالق و دین اسلام همراه با حکمت و به صلاح زندگی فردی و جمعی و دنیوی و اخروی انسان ها و امت می باشد، به برخی از احادیث در این باب اشاره می شود:

امام رضا علیه السلام در بیان علت عبادت می فرماید:

«لَيْلًا يَكُونُوا نَاسِينَ لِذِكْرِهِ وَ لَا تَارِكِينَ لِأَدْبِهِ وَ لَا لَاهِينَ عَنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، إِذَا كَانَ فِيهِ صَيِّلَاتُهُمْ وَ قَوَائِمُهُمْ فَلَوْ تَرَكُوا بِغَيْرِ تَعْنِدٍ لَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَفَسَسَتْ قُلُوبُهُمْ»؛ (۱) تا آن که مردم یاد خدا را فراموش نکنند و آداب لازم را نسبت به پروردگار وانگذارند و از اوامر و نواهی او غافل نشوند چرا که مصلحت و قوام آنان در این است. پس اگر بدون تعبد و بندگی او رها می شدند، بعد از مدتی دل های آنان سخت و تباه می شد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَ عَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَ الزَّكَاةِ وَ

ص: ۸۵

مُجَاهِدِهِ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ تَسْكِيناً لِأَطْرَافِهِمْ وَ تَخْشِيعاً لِأَبْصَارِهِمْ وَ تَذْليلاً لِنُفُوسِهِمْ وَ تَخْفِيزاً (تخضیعاً) لِقُلُوبِهِمْ وَ اذْهَاباً لِخِيَلِهِمْ عَنْهُمْ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنْ تَعْفِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالتُّرَابِ تَوَاضِعاً وَ التَّصَاقِ كِرَائِمِ الْجَوَارِحِ بِالْأَرْضِ تَصَاغِراً وَ لِحُوقِ الْبَطُونِ بِالْمِئُونِ مِنَ الصِّيَامِ تَذْليلاً مَعَ مَا فِي الزَّكَاةِ مِنْ صِرْفِ ثَمَرَاتِ الْأَرْضِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ إِلَى أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ وَ الْفَقْرِ وَ إِلَى مَا فِي هَذِهِ الْأَفْعَالِ مِنْ قَمْعِ نَوَاجِمِ الْفَخْرِ وَ قَدْعِ (قطع) طَوَالِعِ الْكِبَرِ؛^(۱) وَ اَيْنِ كَوْنِهِ خَدَاوَنْدِ بِنْدِ كَانِشِ رَا بَا نِمَازِ وَ زَكَاتِ وَ تَلَاشِ رُوزِهِ دَارِي حَفْظِ كَرْدِه اسْتِ تَا اَعْضَا وَ جَوَارِحِشَانِ آرَامِ وَ دِيدِ كَانِشَانِ خَاضِعِ وَ جَانِ وَ رَوَانِ شَانِ فِرُوتِنِ وَ دَلِ هَايشَانِ مَتَوَاضِعِ بَاشِدِ. تَكْبِيرِ وَ خُودِ پِسَنْدِي از آنان دور شود؛ زیرا در سجده بهترین جای صورت را به خاک مالیدن فروتنی آورد و قرار دادن اعضای پر ارزش بدن بر زمین اظهار کوچکی کردن است. و روزه گرفتن و چسبیدن شکم به پشت، باعث تواضع انسان و پرداخت زکات بر ثمرات زمین و غیر آن جهت نیازمندی های فقرا و مستمندان است.

به آثار عبادت بنگرید که چگونه شاخه های تکبر و فخر نمودن ها را درهم می شکنند و از رویش خودپرستی و خودخواهی جلوگیری می نماید.

ص: ۸۶

و در حدیث دیگری می فرماید:

«فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ تَسْبِيحاً لِلرِّزْقِ وَالصِّيَامَ إِبْتِلَاءً لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَالْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَوَامِّ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رُدْعاً لِلشُّفْهَاءِ وَصِلَةَ الرَّحْمِ مِنْ نَمَاءٍ لِعَدَدِ وَالْقِصَاصِ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ وَإِقَامَةَ الْحُدُودِ إِعْظَامًا لِلْمَحَارِمِ وَتَرْكَ شَرْبِ الْخَمْرِ تَحْصِينًا لِلْعَقْلِ وَمُجَانِبَةَ السَّرْقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَّةِ وَتَرْكَ الزُّنَى تَحْصِينًا لِلنَّسَبِ... وَالطَّاعَةَ تَعْظِيمًا لِلْإِمَامَةِ»؛^(۱) و خداوند ایمان را واجب نمود برای پاکسازی (دل های بندگان) از شرک و واجب کرد نماز را برای جلوگیری و بازداشتن کم خردان (از گناهان و زشتی ها) و صله رحم را جهت فراوانی و افزایش خویشاوندان و قصاص را برای پاسداری از خون ها، و اجرای حدود را برای بزرگداشت محرمات و ترک میگساری را برای سلامت عقل و دوری از دزدی را برای تحقق عفت و پاکی، و ترک زنا را برای سالم ماندن نسل و نسبت آدمی... و اطاعت از امام را واجب فرمود برای بزرگداشت مقام امامت و رهبری (تا در پرتو تبعیت از او بندگان به کمال و سعادت برسند).

و در بیانی دیگر می فرماید:

ص: ۸۷

«تَعَاهِدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ... وَتَقَرَّبُوا بِهَا... وَأَنَّهَا لَتَحْتُ الذَّنُوبِ حَتَّى الْوَرَقِ وَتُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرِّيقِ وَشَبَّهَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِالْحُمَةِ تَكُونُ عَلَى بَابِ الرَّجْلِ فَهُوَ يَغْتَسِلُ فِيهَا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا عَسَى أَنْ يَبْقَى عَلَيْهِ مِنَ الدَّرَنِ وَقَدْ عَرَفَ حَقَّهَا رَجَالٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَنْهَا زِينَةُ مَتَاعٍ وَلَا قُرَّةُ عَيْنٍ مِنْ وَلَدٍ وَلَا مَالٍ...»؛ (۱)

نماز را (خواندن و اقامه آن ار) برعهده گیرید... و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید... همانا نماز گناهان را چونان برگ های پاییزی می ریزد و بندها (و زنجیرهای بردگی و گناه) را می گشاید. پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را به چشمه آب گرمی که بر در خانه مردی باشد، تشبیه کرده که شبانه روزی پنج نوبت خود را در آن شستشو دهد، پس هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند و حق نماز را مؤمنانی شناختند که زیور دنیا و روشنی چشمشان یعنی فرزند و ثروت مانع نمازشان نشود.

و در بیانی دیگر نسبت به ذکر که نتیجه عبادت خداست می فرماید:

«جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ، تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقْرِهِ وَ تُبْصِرُ بَعْدَ الْعَشْوَةِ وَ تَنْقَادُ بِهِ بَعْدَ الْمُعَانَدَةِ وَ مَا بَرِحَ لِلَّهِ (عَزَّتْ آلاؤُهُ) فِي الْبُرْهَةِ وَ فِي أَرْزَامِ الْفَتَرَاتِ عِبَادًا نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلْمِهِمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ فَاسْتَصْبَحُوا بِنُورِ يَقْظِهِ فِي الْأَبْصَارِ وَ الْأَسْمَاعِ وَ الْأَفْتِدَةِ...»؛ (۲)

ص: ۸۸

۱- ۱۷۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

۲- ۱۷۸. همان، خطبه ۲۲۲.

همانا خدای سبحان و بزرگ، یاد خود را روشنی بخش دل ها قرار داد تا گوش پس از ناشنوایی بشنود و چشم پس از کم نوری بنگرد و انسان بعد از دشمنی رام گردد. خداوند (نعمت هایش گرانقدر است) در زمان های مختلف روزگار و در دوران جدایی جامعه از رسالت، بندگانی داشته که با آنان در گوش جانشان زمزمه می کرد و در درون عقلشان با آنان سخن می گفت....

ص: ۸۹

فصل هشتم: تداوم عبادت

بدیهی است انسان موجودی است که باید آهنگ و آداب تربیت در کنار دل و جان او استمرار یابد تا گرفتار غفلت و فراموشی نشود و به رشد لایق به حالش برسد، همانگونه که در طبیعت باید پیوسته آب به طور نظم و مناسب به درخت و نهال برسد تا شکوفا شده، سایه و ثمر دهد و روایات این فصل بر این اصل اخلاقی تأکید دارد، باشد که در اثر تداوم و تکرار، خیر و خوبی در نهان آدمی نهادینه و ملکه گردد.

امام سجّاد علیه السلام می فرماید:

«إِنِّي لِأَحَبُّ أَنْ أَدَامَ عَلَى الْعَمَلِ وَإِنْ قَلَّ»؛^(۱) من دوست دارم استمرار بر عمل را اگرچه کار خوب کم و کوتاه باشد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَمَلٍ يُدَاوِمُ عَلَيْهِ وَإِنْ قَلَّ»؛^(۲) عمل و عبادتی بیشتر محبوب خداست که تداوم داشته باشد، هر چند اندک باشد.

ص: ۹۱

۱- ۱۷۹. وسائل الشّعیه، ج ۱، ص ۷۰.

۲- ۱۸۰. همان.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِيَّاكَ أَنْ تُفْرَضَ عَلَى نَفْسِكَ فَرِيضَةٌ فَتَفَارِقَهَا اثْنِي عَشَرَ هَلَالًا»؛^(۱) مبادا عبادت و عملی را بر خود فرض کنی لیکن دوازده هلال و ماه از آن دوری کنی!

امام علی علیه السلام فرمود:

«قَلِيلٌ يَدُومُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٌ مِنْهُ»؛^(۲) اندکی که استمرار داشته باشد، بهتر است از کار بسیاری که رنج آور باشد.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَأَقْبَحُ مِنْ ذَلِكَ الْعَابِدُ لِلَّهِ ثُمَّ يَدَعُ عِبَادَتَهُ»؛^(۳) و زشت تر از این امور عابدی است که مدتی بندگی خدا کند و آن گاه رها کند آن عبادت را (و ادامه ندهد).

در بیانی دیگر فرمود:

«أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ»؛^(۴) محبوب ترین کارها نزد خدا کاری است که دوام بیشتر داشته باشد.

امام علی علیه السلام در فرازهای زیبایی می فرماید:

«دَوَامُ الْعِبَادَةِ بُرْهَانُ الظَّفَرِ بِالسَّعَادَةِ»؛^(۵) استمرار عبادت دلیل پیروزی و رسیدن به سعادت است.

ص: ۹۲

۱- ۱۸۱. همان.

۲- ۱۸۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۴، ۲۷۸.

۳- ۱۸۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۱.

۴- ۱۸۴. نهج الفصاحه، ص ۷۳.

۵- ۱۸۵. غررالحکم، ج ۴، ص ۱۴، ح ۵۱۴۲.

«بَدَوا مِ ذِكْرِ اللَّهِ تُنْجِبُ الْغَفْلَةَ»؛^(۱) به سبب تداوم ذکر قلبی و یاد خدا غفلت زایل گردد.

«دَوَامُ الذِّكْرِ يُنِيرُ الْقَلْبَ وَ الْفِكْرَ»؛^(۲) دایم بودن یاد خدا دل و اندیشه را روش می سازد.

«خَيْرُ الْعِبَادَاتِ اقْرَبُهَا بِالْأَمْنِ وَ أَخْلَصُهَا مِنَ الْآفَاتِ وَ أَدْوَمُهَا وَ إِنْ قَلَّ»؛^(۳) بهترین عبادت ها نزدیک ترین آنها به آسایش خاطر و خالص ترین آنها از آفت ها و مداوم ترین آنهاست، گرچه اندک باشد.

ص: ۹۳

۱- ۱۸۶. همان، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۲۶۴.

۲- ۱۸۷. همان، ج ۴، ص ۱۳، ح ۵۱۳۹.

۳- ۱۸۸. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۱.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ النَّاسَ يَعْْبُدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ فَطَبَقَهُ يَعْْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْحُرَصِيَاءِ وَهُوَ الطَّمَعُ وَ آخَرُونَ يَعْْبُدُونَهُ خَوْفًا مِنَ النَّارِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ هِيَ رَهْبَةٌ وَ لِكُنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّ وَجَلَّ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْكِرَامِ وَ هُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمِيذِ آمِنُونَ وَ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ تَعَالَى كَانَ مِنَ الْأَمِينِينَ وَ هَذَا مَقَامٌ مَكْنُونٌ لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛(۱)

مردم خداوند را بر سه گونه می پرستند: گروهی از روی میل به ثواب و انتظار اجر، خدا را پرستش می کنند که این عبادت حریصان است و همان طمع می باشد. گروهی دیگر به خاطر ترس از آتش دوزخ، بندگی خدا می کنند که این

ص: ۹۵

پرستش بردگان و همان ترس است. ولیکن من خدا را به جهت این که او را دوست دارم، عبادت می کنم و این همان عبادت کریمان است زیرا خداوند متعال می فرماید: «بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد» پس هر کسی که خدای (عزوجل) را دوست داشته باشد خدا نیز او را دوست خواهد داشت و آن که محبوب خدا شد از ایمنی یافتگان است. و این مقام مستور و پوشیده ای است که جز پاکیزگان به آن دست نیابند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»؛ (۱)

گروهی خداوند را از روی رغبت (در ثواب) می پرستند که این عبادت تاجران است و گروهی دیگر از روی ترس خدا را عبادت می کنند که آن عبادت بردگان می باشد و گروهی از جهت شکرگزاری عبادت پروردگار را بجای می آورند که این عبادت آزادگان است.

از مواظ خداوند متعال:

«يَا أَحْمَدُ... أَوَّلُ الْعِبَادَةِ الصُّمْتُ وَالصُّومُ»؛ (۲)

ص: ۹۶

۱- ۱۹۰. نهج البلاغه {فیض الاسلام}، حکمت ۲۲۹ و ۲۳۷.

۲- ۱۹۱. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۷.

یا احمد... سرآغاز بندگی سکوت و روزه است.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

«الْإِخْلَاصُ (الْجُودُ فِي اللَّهِ) عِبَادَةُ الْمُقَرَّبِينَ»؛^(۱)

اخلاص (بخشش در راه خدا) عبادت مقربین است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَيْسَرِ الْعِبَادَةِ وَ أَهْوَنُهَا عَلَى الْبَدَنِ الصُّمْتُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ»؛^(۲)

آیا شما را به آسان ترین و راحت ترین عبادت ها بر بدن آگاه کنم، آن عبارت از سکوت و خلق و خوی نیکو است.

امام رضا علیه السلام در جواب سؤال ابو قره فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ اسْتَعْبَدَ خَلْقَهُ بِضُرُوبٍ مِنَ الْعِبَادَةِ وَ لِلَّهِ مَفَارِعُ يَفْرَعُونَ إِلَيْهِ وَ يُسَبِّحُونَ [مُسَبِّحًا] فَاسِدٌ يَتَعَبَدُ بِالْقَوْلِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلِ وَ التَّوَجُّهِ وَ نَحْوِ ذَلِكَ...»؛^(۳)

خداوند متعال آفریدگان خود را به انواع عبادت فرا خوانده... و بندگان خود را به پرستش به وسیله گفتار، دانش، عمل، توجه و امثال آن واداشته است.

ص: ۹۷

۱- ۱۹۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۵۴.

۲- ۱۹۳. نهج الفصاحه، ص ۸۷ و ۴۶۲.

۳- ۱۹۴. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

فصل دهم: عبادت نیکو

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا أَخْفَاهَا»؛^(۱)

برترین عبادت از جهت پاداش مخفی ترین آن است.

«وَ أَحْسَنَ الْقَصْدِ فِي الْعِبَادَةِ»؛^(۲)

و چه نیکو است اعتدال و میانه روی در عبادت.

«مِنْ حُسْنِ عِبَادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ ظَنِّهِ»؛^(۳)

خوبی و نیکویی عبادت انسان، حسن ظن او است.

امام صادق علیه السلام به عمار سابطی فرمود:

«يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ وَاللَّهِ فِي السِّرِّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَكَذَلِكَ وَاللَّهِ الْعِبَادَةُ فِي السِّرِّ أَفْضَلُ مِنْهَا فِي الْعَلَانِيَةِ»؛^(۴)

ای عمار! صدقه در نمان برتر است از صدقه آشکار

ص: ۹۹

۱- ۱۹۵. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۱.

۲- ۱۹۶. نهج الفصاحه، ح ۲۶۰۸.

۳- ۱۹۷. نهج الفصاحه، ح ۳۰۴۲.

۴- ۱۹۸. بحار الانوار، ج ۱، ص ۵۷.

و همچنین به خدا سوگند عبادت در خفا بهتر است از عبادت آشکارا.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا أَلْهَمَهُ حُسْنَ الْعِبَادَةِ»؛^(۱)

هنگامی که خداوند بنده ای را دوست داشته باشد، نیکی عبادت را به او الهام می کند.

«مَنْ حَسُنَتْ يَقِينُهُ حَسُنَتْ عِبَادَتُهُ»؛^(۲)

هر کس یقین او نیکو باشد عبادت او نیکو خواهد شد.

«بِالْيَقِينِ تَمَّ الْعِبَادَةُ»؛^(۳)

با یقین و باور قلبی، عبادت کامل می گردد.

«مَنْ قَنَعَ حَسُنَتْ عِبَادَتُهُ»؛^(۴)

هر کس (به آنچه دارد و خدا به او داده است) قانع باشد عبادت او نیکوتر و بهتر خواهد شد.

«نِعْمَ عَوْنُ الْعِبَادَةِ السَّهْرُ»؛^(۵)

خوب کمکی است برای عبادت، شب زنده داری.

«عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ فِي الْمَطَاعِمِ فَإِنَّهُ أَبْعَدَ مِنَ السَّرَفِ وَ أَصَحَّ لِلْبَدَنِ وَ

ص: ۱۰۰

۱- ۱۹۹. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۵.

۲- ۲۰۰. غرر الحکم، ص ۶۲، ح ۷۴۹.

۳- ۲۰۱. غرر الحکم، ص ۶۲، ح ۷۰۷.

۴- ۲۰۲. غرر الحکم، ص ۳۹۳، ح ۹۰۸۵.

۵- ۲۰۳. غرر الحکم، ص ۳۱۹، ح ۷۳۸۷.

أَعُوذُ عَلَى الْعِبَادَةِ؛^(۱)

بر شما باد به اقتصاد و میانه روی در طعام و غذاها، چرا که موجب دوری از اسراف و باعث صحت بدن بوده و کمکی است برای عبادت.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«لَا عِبَادَةَ إِلَّا بِالْتَّفَقُّهِ»؛^(۲)

عبادت (صحیح و کامل) نیست جز با دانش و آگاهی.

ابوعبیده حداء می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ أَوْلِيَائِي عِنْدِي رَجُلًا خَفِيفَ الْحَالِ ذَا حِظٍّ مِنْ صَلَاةٍ أَحْسَنَ عِبَادَةٍ رَبِّهِ بِالْغَيْبِ...»؛^(۳)

همانا از خوشحال ترین اولیاء و دوستانم در نزد من فردی است سبک بال، دارای حظّ و نصیبی از نماز، که عبادت پروردگارش را در نهان به نیکی انجام دهد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى دَاوُدَ ذِكْرَ عِبَادِي مِنَ آلَائِي وَنِعْمَائِي... وَحُسْنُ الظَّنِّ يَدْعُو إِلَى حُسْنِ الْعِبَادَةِ»؛^(۴)

ص: ۱۰۱

۱- ۲۰۴. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمّد لثی واسطی، ص ۳۴۱ و غرر الحکم، ص ۳۵۳، ح ۸۰۶۸.

۲- ۲۰۵. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۷.

۳- ۲۰۶. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۷.

۴- ۲۰۷. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۰.

خداوند متعال به داود علیه السلام وحی کرد: بندگانم را نسبت به نعمت هایم یادآوری کن... و حسن ظن، (انسان را) به حسن عبادت و انجام نیک آن فرا می خواند.

زید بن علی از پدرش امام سجاده علیه السلام نقل می کند:

«الْوَرَعُ نِظَامُ الْعِبَادَةِ»؛^(۱)

ورع و پرهیزکاری نظام عبادت و بندگی است.

از مواضع خداوند متعال است:...

«يَا أَحْمَدُ الْوَرَعُ يُفْتَحُ عَلَى الْعَبْدِ أَبْوَابَ الْعِبَادَةِ فَتَكْرَمَ بِهِ عِنْدَ الْخَلْقِ وَيَصِلُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛^(۲)

یا احمد پرهیزکاری درهای عبادت را به سوی بنده می گشاید، پس به وسیله آن نزد خلق عزیز می گردد و به خدای (عزوجل) می رسد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«فَضِيلَةُ السَّادَةِ حُسْنُ الْعِبَادَةِ»؛^(۳)

فضیلت بزرگان در نیکویی عبادت است.

«مَنْ تَوَرَّعَ حَسَنَتْ عِبَادَتُهُ»؛^(۴)

هر کس ورع بورزد، عبادتش نیکو خواهد شد.

ص: ۱۰۲

۱- ۲۰۸. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۸.

۲- ۲۰۹. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۷.

۳- ۲۱۰. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۳۷.

۴- ۲۱۱. غرر الحکم، ص ۲۷۴، ح ۵۹۹۹.

«صَلِّحِ الْعِبَادَةَ التَّوَكَّلَ»؛ (۱)

صلاح عبادت، توکل به خداست.

«فِي الْإِنْفِرَادِ لِعِبَادَةِ اللَّهِ كُنُوزُ الْأَزْبَاحِ»؛ (۲)

در اختصاص به عبادت و بندگی پروردگار گنجینه هایی سودمند است.

رسول خداصلی الله علیه و آله می فرماید:

«أَعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»؛ (۳)

ای ابوذر! خداوند را چنان عبادت کن که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی، همانا او تو را می بیند.

امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرماید:

«أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَكُّرٌ»؛ (۴)

آگاه باشید در عبادتی که خالی از تفکر باشد خیری نیست.

از پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است:

«خُذُوا مِنَ الْعِبَادَةِ مَا تَطِيقُونَ...»؛ (۵)

برگزینید و انجام دهید از عبادت، آن چه را طاقت و توان دارید.

ص: ۱۰۳

۱- ۲۱۲. غرر الحکم، ۱۹۶، ۳۸۵۸.

۲- ۲۱۳. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۳۶.

۳- ۲۱۴. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۴.

۴- ۲۱۵. بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۹.

۵- ۲۱۶. کنز العمال، ح ۵۳۰۱.

فصل یازدهم: لذت عبادت

فراوان می پرسند که چگونه می توان لذت عبادت را درک کرد تا هم بانشاط و به دور از کسالت بهره معنوی وافر و خیر اخروی بیشتری ببریم و هم انگیزه بر انجام و استمرار آن داشته باشیم؟

پاسخ این سؤال را در سخن و سیره پیشوایان دین و دنیا، انبیا و ائمه علیهم السلام خواهید یافت، آنان که با جهاد اکبر به این حالت و ملکه رسیده بودند و هر قدر مناجات (همراه عشق و اشک) می کردند و به معشوق و معبودشان تقرب می یافتند، لذت بیشتر می بردند.

از مواعظ مسیح علیه السلام است:

«بِحَقِّ أَقْوَلٍ لَكُمْ إِنَّهُ كَمَا يَنْظُرُ الْمَرِيضُ إِلَى طَيِّبِ الطَّعَامِ فَلَمَّا يَلْتَمِذُهُ مَعَ مَا يَجِدُهُ مِنْ شِدَّةِ الْوَجَعِ كَذَلِكَ صَيَّاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَمِذُ بِالْعِبَادَةِ وَلَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُ مِنْ حُبِّ الْمَالِ (من حلاوه الدنيا)»؛ (۱)

به راستی برای شما می گویم: چنان که مریض از نگاه به طعام پاکیزه (به جهت شدت درد) لذت نمی برد، اهل دنیا نیز از عبادت بهره مند نمی شود و شیرینی آن را نمی چشد

ص: ۱۰۵

(به جهت علاقمندی به مال و درک شیرینی دنیا).

امام علی علیه السلام می فرماید:

«كَيْفَ يَجِدُ لَذَّةَ الْعِبَادَةِ مَنْ لَا يَصُومُ عَنِ الْهَوَىٰ»؛^(۱)

چگونه لذت عبادت را درک کند کسی که از هوی پرهیز نمی کند؟

«كَيْفَ يَتَمَتَّعُ بِالْعِبَادَةِ مَنْ لَمْ يُعْنَهُ التَّوْفِيقَ»؛^(۲)

چگونه از عبادت بهره می برد کسی که توفیق همراهش نباشد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الصَّمْتُ شِعَارُ الْمُحَقِّقِينَ بِحَقَائِقِ... وَ مَعَهُ عَزْلُ الْهَوَىٰ وَ رِيَاضَةُ النَّفْسِ وَ حَلَاوَةُ الْعِبَادَةِ»؛^(۳)

سکوت شعار کسانی است که به حقایق دست یافته اند... و همراه سکوت است دوری از هوی و ریاضت نفس و شیرینی عبادت.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

«يَا هَسَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ دَاوُدَ قُلِّ لِعِبَادِي لَا يَجْعَلُوا بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالْدُّنْيَا فَيَصِدُّهُمْ عَنْ ذِكْرِي وَ عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَ مُنَاجَاتِي أَوْلَيْكَ قُطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ

ص: ۱۰۶

۱- ۲۱۸. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۳۸.

۲- ۲۱۹. غرر الحکم، ص ۲۰۳، ح ۴۰۰۵.

۳- ۲۲۰. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۴.

ای هشام! خداوند به داود علیه السلام وحی کرد: به بندگانم بگو: میان من و خودشان عالم شیفته به دنیا را واسطه قرار ندهند که آنها را از یاد من و طریق محبتم و مناجاتم باز می دارند. این عالمان، راهزن بندگانم هستند. کمترین مجازات آنها این است که لذت عبادت و مناجاتم را از دلشان بیرون می کنم.

«... كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي حَتَّى يَتَوَرَّمَ قَدَمَاهُ وَيَقُولُ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا أَرَادَ أَنْ يَعْتَبِرَ بِهِ أُمَّتَهُ فَلَا تَغْفُلُوا عَنِ الْجَاهِدِ وَالرِّيَاضَةِ بِحَالِ أَلَا وَإِنَّكَ لَوْ وَجِدْتَ حَلَاوَةَ عِبَادَةِ اللَّهِ وَرَأَيْتَ بَرَكَاتَهَا وَاسْتِضَاءَتَ بُنُورِهَا لَمْ تَصْبِرْ عَنْهَا سَاعَةً وَاحِدَةً وَلَوْ قُطِّعَتْ إِرْبًا إِرْبًا فَمَا أُعْرِضَ مَنْ أُعْرِضَ عَنْهَا إِلَّا بِحِزْمَانِ فَوَائِدِ السَّبْقِ مِنَ الْعِضْمَةِ وَالتَّوْفِيقِ»؛ (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن قدر نماز می خواند که قدم هایش متورم می شد و می فرمود: آیا بنده شکرگزار نباشم. منظور حضرت این بود که امتش عبرت بگیرند و از آن حضرت پیروی کنند. پس از تلاش و تعب و ریاضت در هیچ حال غافل نباشید، همانا تو اگر شیرینی عبادت را بچشی و برکاتش مشاهده کنی و از نور آن بهره مند شوی،

ص: ۱۰۷

۱- ۲۲۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- ۲۲۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۶۹.

یک ساعت هم طاقت جدایی از آن را نخواهی داشت، اگر چه قطعه قطعه شوی و کسی که از عبادت دوری می کند، نیست مگر به خاطر محروم شدن از فوائد گذشته که عصمت و توفیق باشد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْأَنْظَرُ إِلَى مَحَاسِنِ النِّسَاءِ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَ أَذَاقَهُ اللَّهُ طَعْمَ عِبَادَةِ تَسْرُهُ»؛^(۱)

نگاه کردن به زینت های زنان، تیری از تیرهای شیطان است، پس هر کس آن را ترک کند، خداوند عبادت را در کام او شیرین کند و او را شادمان سازد.

همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِ مُحَرَّمٍ أَبَدَلَهُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَةَ تَسْرُهُ»؛^(۲)

هر کس از حرامی دوری کند، خداوند آن را به توفیق عبادتی تبدیل نماید که او را شادمان گرداند.

در اخبار داود علیه السلام آمده است:

«مَا لِأَوْلِيَائِي وَاللَّهِمَّ بِالذُّنْيَا؟ إِنَّ اللَّهَ يَذْهَبُ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ يَا دَاوُدُ إِنَّ مَحَبَّتِي مِنْ أَوْلِيَائِي أَنْ يَكُونُوا رُوحَانِيَيْنَ لَا يَغْتَمُونَ»؛^(۳)

ص: ۱۰۸

۱- ۲۲۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۰.

۲- ۲۲۴. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۱.

۳- ۲۲۵. مسکن الفوائد، ص ۸۰.

دوستا مرا چه که غم دنیا خورند، همانا غم دنیا شیرینی مناجات مرا از دل هایشان می برد. ای داود من دوست دارم دوستانم روحانی باشند و اندوه دنیا به خود راه ندهند.

همچنین از مسیح بن مریم علیهما السلام نقل شده است:

«بِحَقِّ أَقْوَالِ لَكُمْ مَنْ لَا يُنْقَى مِنْ زَرْعِ الْحَشِيشِ يَكْثُرُ فِيهِ حَتَّى يَغْمُرَهُ فَيُقْسِمُ بِهِ وَ كَذَلِكَ مَنْ لَا يَخْرُجُ مِنْ قَلْبِهِ حُبَّ الدُّنْيَا يَغْمُرُهُ حَتَّى لَا يَجِدَ الْآخِرَةَ طَعْمًا»؛ (۱)

حقیقتی را به شما بگویم، آن که علف های هرزه زارعت خود را وجین نکند، آنها زیاد گشته تا جایی که تمام مزرعه را می گیرد و زراعت را از بین می برد، همین طور کسی که محبت دنیا را از دلش بیرون نکند، دنیا دوستی، سراسر دلش را فراگیرد تا آنجا که هرگز لذت و طعم آخرت دوستی را نچشد.

آری، لذت و گوارایی عبادت را زمانی خواهیم یافت که آفات و موانع آن (همانند هوسرانی و دنیا دوستی و گناه و...) شناخته از خود دور سازیم و عوامل مفید و مؤثر در این درک معنوی را (همانند معرفت، تقوا، تمرکز، لقمه حلال، خضوع و خشوع و...) در خود احیا کنیم.

ص: ۱۰۹

فصل دوازدهم: زینت عبادت

به راستی زیور عبادت و چیزهایی که در زینت بخشیدن به آن مؤثر می باشد چیست؟ ابتدا امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مَنْ طَلَبَ الْعِبَادَةَ تَزَكَّى لَهَا؛ همانا هر کس جویای عبادت است، خود را برای آن پاکیزه گرداند. (و به زیور عبادت آراسته شود)

نیز امام علی علیه السلام می فرماید:

«مَا تَزَيَّنَ مُرَبِّينَ بِمِثْلِ طَاعَةِ اللَّهِ؛» (۱) هیچ آراسته به زیوری مانند اطاعت خدا، آراسته نشده است.

«الزَّيْنَةُ بِحُسْنِ الصَّوَابِ لَا بِحُسْنِ الثِّيَابِ؛» (۲) زینت به زیبایی اعمال درست است نه به لباس و ظاهر نیکو.

همچنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرماید:

«وَالسَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ؛» (۳) آرامش و طمأنینه، زینت عبادت است.

ص: ۱۱۱

۱- ۲۲۷. غررالحکم، ح ۳۴۷۰.

۲- ۲۲۸. همان، ح ۵۵۰۳.

۳- ۲۲۹. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۱.

«مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشُكُّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عَشْرِينَ خَصِيْلَةً، عَشْرَ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرَ مِنْهَا فِي الْآخِرَةِ أَمَا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ...»؛

آن کس که خداوند دوستی ائمه از اهل بیت مرا روزی او کرده است، همانا به خیر دنیا و آخرت نائل شده است. پس کسی که در بهشتی بودن او تردید نکند، زیرا در دوستی اهل بیت من بیست خصلت وجود دارد. ده تا در دنیا و ده تا در آخرت. اما در دنیا پس زهد، تلاش در عمل، ورع در دین، شوق و رغبت در عبادت... .

نیز امام علی علیه السلام فرمود:

«زَيْنُ الْعِبَادَةِ الْخُشُوعُ»؛ زینت عبادت خشوع است.

ص: ۱۱۲

ارزش هر چیز به میزان پاکی و بی عیب و آفت بودن آن است، عبادت نیز، ارزش و قبولی آن به اخلاص و پاکی از آفات بستگی دارد یعنی عبادی بودن به میزان انقطاع از ما سوی الله و خالص نمودن فکر و دل و انگیزه و عمل برای خداست و معصومین علیهم السلام و مخلصین بر اصل ارزشی اخلاص بر اهمیّت و حقیقت آن تأکید داشته که روایات در دو بخش (اهمیّت و جایگاه اخلاص - حقیقت اخلاص) می خوانیم.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَمَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرَّهُ وَ عِلَانِيَتَهُ وَ فِعْلُهُ وَ مَقَالَتَهُ فَقَدْ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ»؛^(۱)

کسی که آشکار و نهان و گفتار و کردارش متفاوت نباشد همانا امانت (الهی) را ادا کرده و عبادت خویش را خالصانه انجام داده است.

«الْعِبَادَةُ الْخَالِصَةُ أَنْ لَا يَرْجُو الرَّجُلَ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ»؛^(۲)

ص: ۱۱۳

۱- ۲۳۰. نهج البلاغه، نامه ۲۶.

۲- ۲۳۱. غرر الحکم، ص ۱۹۹، ح ۳۹۴۵.

عبادت خالص آن است که بنده جز به خداوند امیدوار نباشد و جز از گناه خویش نترسد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِ إِلَيْهِ فَحِينَئِذٍ يَقُولُ هَذَا خَالِصٌ لِي فَيَتَقَبَّلُهُ بِكَرَمِهِ»؛ (۱)

بنده به حقیقت بندگی و عبادت خداوند نمی رسد مگر این که از همگان ببرد و به او بپیوندد در این هنگام خدا می فرماید: این عمل خالص برای من است، پس به کرم خود آن را می پذیرد.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ الْعِبَادَةَ وَالِدُّعَاءَ وَ لَمْ يَشْغَلْ قَلْبُهُ بِمَا تَرَى عَيْنَاهُ وَ لَمْ يَنْسَ ذِكْرَ اللَّهِ بِمَا تَسْمَعُ أذْنَاهُ وَ لَمْ يَحْزَنْ صَدْرُهُ بِمَا أُعْطِيَ غَيْرُهُ»؛ (۲)

همانا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: خوشا به حال کسی که عبادت و دعا را خالصانه برای خدا انجام دهد و قلبش به آنچه دیدگانش بیند مشغول نگردد و یاد خدا را به خاطر آنچه گوش هایش می شنود فراموش نکند و از آنچه به دیگران عطا شده سینه اش غمگین نگردد.

ص: ۱۱۴

۱- ۲۳۲. بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۱.

۲- ۲۳۳. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۱.

حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید:

«مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ»؛^(۱)

هر کس عبادت خالصش را به سوی خدا بالا بفرستد، خدای بزرگ هم برترین مصلحتش را به سوی او نازل فرماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«التَّقْوَى عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ ... وَ مَنْ كَانَ اتَّقَى كَانَتْ عِبَادَتُهُ أَخْلَصَ وَ أَطَهَرَ»؛^(۲)

تقوی بر سه وجه است... آن که تقوایش بیشتر و پرهیزگارتر باشد عبادتش خالص تر و پاک تر است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«فَارَازَ بِالسَّعَادَةِ مَنْ أَخْلَصَ عِبَادَتَهُ»؛^(۳)

هر کس عبادتش را خالص کند، به فلاح و رستگاری می رسد.

«الْإِخْلَاصُ مِلَاكُ الْعِبَادَةِ»؛^(۴)

ص: ۱۱۵

۱- ۲۳۴. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۸.

۲- ۲۳۵. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۶.

۳- ۲۳۶. غرر الحکم، ص ۱۹۸، ح ۳۹۰۹.

۴- ۲۳۷. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۸۹۶.

اخلاص ملائک عبادت است.

«الْإِخْلَاصُ ثَمَرَةُ الْعِبَادَةِ»؛ (۱)

اخلاص ثمره و نتیجه عبادت است.

رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ وَ تَفَرَّغَ لَهَا فَهُوَ لَا يُبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا عَلَى عَشْرِ أُمَّ عَلَى يُشِرُّ»؛ (۲)

برترین مردم کسی است که عاشق عبادت باشد. پس با عبادت (در تمام مراحل زندگی) ملازم شود و آن را به جان دوست داشته و با جسم و بدن در انجامش بکوشد و خود را برای عبادت فارغ و مهیا گرداند. برای چنین شخصی، مشکل و آسان دنیا اهمیتی ندارد.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید:

«لَوْ جَعَلْتُ الدُّنْيَا كُلَّهَا لُقْمَةً وَاحِدَةً وَ أَطَعْتُهَا مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ خَالِصًا لَرَأَيْتُ أَنِّي مُقَصِّرٌ فِي حَقِّهِ...»؛ (۳)

اگر همه دنیا در لقمه ای قرار داده شود و من آن لقمه را در اختیار بنده ای که خدا را خالصانه عبادت می کند، قرار دهم احساس می کنم در حق او کوتاهی کرده ام.

ص: ۱۱۶

۱- ۲۳۸. غرر الحکم، ص ۱۹۷، ح ۳۸۹۵.

۲- ۲۳۹. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۳- ۲۴۰. سفینه البحار، ج ۱، باب الخاء؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۰۹.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ...»؛^(۱)

عمل خالص آن است که انتظار تعریف و ستایش در مورد آن از هیچ کس جز خدای (عزوجل) نداشته باشی.

ص: ۱۱۷

۱- ۲۴۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶.

در دنیا و عالم طبیعت بلاها و آفت‌هایی سلامت و حیات موجودات را پیوسته تهدید می‌کنند و نیت‌ها و اعمال آدمی نیز در تیررس انواع آسیب‌ها و آفت‌ها قرار دارد، بالاتر آنکه، اشیاء نفیس و معنوی و ارزشی، آفت‌های بیشتر و غالباً پیچیده‌تر و پنهان‌تر بوده، هوشیاری و مراقبت مستمر را می‌طلب و گاه لحظه‌ای غفلت در عبادت، نابودی آن و سقوط انسان را به همراه خواهد داشت و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت پاکش علیهم السلام از روی محبت همانند پدری مهربان نسبت به آفت‌ها و تهدیدهای عبادت هشدار داده‌اند که در اینجا به برخی اشاره می‌شود:

۱ - جهل و نادانی نسبت به اصل عبادت و آثار و احکام و آداب آن و عدم شناخت و توجه به توحید و کرامت انسان؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«الْمُتَعَبِّدُ بِغَيْرِ فِقْهِ كَالْحِمَارِ الطَّاحُونِ»؛ (۱) عبادت‌کننده بدون آگاهی و فهم مانند چارپای آسیاب است (که خودش می‌چرخد و راه می‌رود ولی پیش نمی‌رود!)

و در بیانی دیگر می‌فرماید:

ص: ۱۱۹

۱- ۲۴۲. نهج الفصاحه، ح ۳۱۰۰ و همچنین از امام علی علیه السلام در غرر الحکم، ج ۲، ص ۷۸، ح ۲۰۶۵.

«مَثَلُ الْعَابِدِ الَّذِي لَا يَتَّقُهُ كَمَثَلِ الَّذِي يَبْنِي الْبَيْتَ فِي اللَّيْلِ وَيَهْدِمُ النَّهَارَ»؛ (۱) قصه و مثل عبادت کننده بی فهم و فقه، همانند کسی است که در شب (ساختمانی) می سازد و روز ویرانش می کند.

۲ - شهرت طلبی، انجام عبادت با انگیزه حُسن شهرت بین مردم و ریا؛

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مَنْ شَهَرَ نَفْسَهُ بِالْعِبَادَةِ فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَكْرَهُ شُهْرَةَ الْعِبَادَةِ وَ شُهْرَةَ اللَّبَاسِ»؛ (۲)

هر کس خود را با عبادت مشهور کند پس او را در دین خود متهم بدارید (و مؤمن راستین ندانید زیرا از دین استفاده نفسانی و ابرازی می کند) زیرا خداوند متعال شهرت در عبادت و لباس شهرت (انگشت نما شدن) را مبعوض می دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الْأَشْتِهَارُ بِالْعِبَادَةِ رَيْبَةٌ»؛ (۳) مشهور شدن به عبادت شک برانگیز می باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«آفَةُ الْعِبَادَةِ الرِّيَاءُ»؛ (۴) آفت عبادت، ریا و خودنمایی است.

ص: ۱۲۰

۱- ۲۴۳. کنز العمال، ج ۱۰، ح ۲۸۹۳۰.

۲- ۲۴۴. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۲.

۳- ۲۴۵. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۲۸ و وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۸.

۴- ۲۴۶. غرر الحکم، ج ۳، ص ۶۶، ح ۳۹۱۶.

۳- تحمیل نمودن عمل عبادی به خود و دیگران یا با کراهت و بی میلی آن را انجام دادن؛ چرا که اسلام تکالیف را از روی اختیار و آگاهی و نشاط از مسلمان خواسته است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لَا تُكْرَهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ»؛^(۱) عبادت را بر خودتان تحمیل نکنید.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

«إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغَلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالزَّكَاكِبِ الْمُتَّبَتِّ الَّذِي لَا سِيْفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى»؛^(۲)

همانا این دین، دین متین (منطقی و مستدل) است، پس با رفق و ملایمت در آن وارد شوید و عبادت خداوند را بر بندگانش تحمیل نکنید تا مبادا همانند سواری شوید که در نیمه راه سفر، باز ماند، که نه به مقصد رسیده و نه مرکب او را توانی است.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«خَادِعٌ نَفْسَكَ فِي الْعِبَادَةِ وَ ارْفُقْ بِهَا وَلَا تَقْهَرْهَا وَ خُذْ عَفْوَهَا وَ نَشَاطَهَا إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوبًا»؛^(۳)

در عبادت و بندگی، نفس خود را بفریب و با او مدارا نما

ص: ۱۲۱

۱- ۲۴۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۲- ۲۴۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۳- ۲۴۹. بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۵۰۹؛ نهج البلاغه، نامه ۹۹.

و او را مجبور نکن و حالت خوشی و نشاط او را دریاب، مگر در مورد عبادت واجب.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَرَّ بِي أَبِي وَ أَنَا حِيدٌ وَ قَدْ اجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ فَرَأَيْتَنِي وَ أَنَا أَتَصَابُ عَرَقًا فَقَالَ لِي يَا جَعْفَرُ يَا بُنَيَّ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَ رَضِيَ عَنْهُ بِالْيَسِيرِ»؛ (۱)

در نوجوانی که تلاش بسیار بر عبادت داشتم پدرم مرا دید در حالی که عرق می ریختم، پس به من فرمود: ای جعفر؛ فرزندم! همانا خداوند هنگامی که بنده ای را دوست داشته باشد او را داخل بهشت می کند و به آسانی از او راضی می شود.

امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«أَلَا إِنَّ لِكُلِّ عِبَادَةٍ شِرَّةً ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى فَتْرَةٍ فَمَنْ صَارَتْ شِرَّتُهُ عِبَادَتِهِ إِلَى سُنَّتِي فَقَدْ اهْتَدَى وَ مَنْ خَالَفَ سُنَّتِي فَقَدْ ضَلَّ وَ كَانَ عَمَلُهُ فِي تَبَابٍ أَمَا إِنِّي أُصَلِّي وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أَفْطِرُ وَ أَضْحَكُ وَ أَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِي وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ قَالَ كَفَى بِالْمَوْتِ مَوْعِظَةً وَ كَفَى بِالْيَقِينِ غَنًى وَ كَفَى بِالْعِبَادَةِ شُغْلًا»؛ (۲)

آگاه باشید برای هر عبادتی نخست شوق و نشاطی است، سپس به فترت و سستی گرایید، پس هر کس شوق و نشاط

ص: ۱۲۲

۱- ۲۵۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۶.

۲- ۲۵۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۵.

عبادتش مطابق سنت و روش من باشد، هدایت شده و آن که با سنت من مخالفت نماید، گمراه گشته و عملش در خسران است. همانا من نماز می خوانم، می خوابم، افطار می کنم، می خندم و گریه می کنم، هر کس از روش من دوری کند از من نیست. و باز فرمود: مرگ برای پند گرفتن، یقین برای بی نیازی و عبادت برای اشتغال (و پرهیز از کارهای بیهوده) کافی است.

رسول خداصلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«يَا عَلِيُّ آفَةُ الْحَدِيثِ الْكُذِبُ وَ آفَةُ الْعِلْمِ النِّسْيَانُ وَ آفَةُ الْعِبَادَةِ الْفُتْرَةُ»؛^(۱)

یا علی آفت سخن دروغ است و آفت علم فراموشی و آفت عبادت سستی است.

۴ - عجب و خودپسندی؛

امام زین العابدین علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می خواهد:

«... وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ»؛^(۲)

... پروردگارا عبادتم را به جهت عجب فاسد مگردان.

امام باقر علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند متعال فرمود:

«وَ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ

ص: ۱۲۳

۱- ۲۵۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۵۹.

۲- ۲۵۳. صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق.

لَذِيذِ وَسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِي اللَّيَالِي فَيَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَاللَّيْلَتَيْنِ نَظْرًا مِّنِّي لَهُ وَإِبْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ
فَيَقُومُ وَهُوَ مَاقَتْ لِنَفْسِهِ زَارِيٌّ عَلَيْهَا وَ لَوْ أُخْلِى بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَمَدَّخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ فَيَصَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ
بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنُّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَ جَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَدَّ التَّقْصِيرِ
فَيَتَبَاعَدُ مِّنِّي عِنْدَ ذَلِكَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ» (١)

برخی از بندگان مؤمن در عبادت من کوشش بسیار می کنند شبانگاه از خواب ناز و بستر راحت بر می خیزد و خود را با انجام عبادت به زحمت می اندازد. من با نظر لطف و به جهت حفظ او یک شب و دو شب او را به خواب مبتلا می کنم و تا هنگام صبح می خوابد سپس بر می خیزد در حالی که به خاطر آن خواب، خود را مذمت و سرزنش می کند؛ و اگر می گذاشتم آن چنان که خود می خواهد مرا عبادت کند از آن عبادت دچار عجب می گردید، و عجب اعمال او را به تباهی می کشانید و همین موجب هلاکش می شد، به خاطر عجب او نسبت به اعمالش و رضایت او از خودش به طوری که گمان می کرد بر عابدان برتری جسته و در عبادت خود از حد تقصیر و کوتاهی فراتر

ص: ۱۲۴

رفته است و در این هنگام از من دور می شود، در حالی که می پنداشت به من تقرّب پیدا می کند.

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام می فرماید:

«دَخَلَ رَجُلَانِ الْمَسْجِدَ أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالْآخَرُ فَاسِقٌ فَخَرَجَا مِنَ الْمَسْجِدِ وَالْفَاسِقُ صَدِيقٌ وَالْعَابِدُ فَاسِقٌ وَذَلِكَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْعَابِدُ الْمَسْجِدَ مُدِلًّا بِعِبَادَتِهِ يُدِلُّ بِهَا فَتَكُونُ فِكْرَتُهُ فِي ذَلِكَ وَتَكُونُ فِكْرُهُ الْفَاسِقِ فِي التَّنَدُّمِ عَلَى فِسْقِهِ وَ يَسْتَعْفِرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِمَّا صَنَعَ مِنَ الذُّنُوبِ»؛^(۱)

دو نفر وارد مسجد شدند یکی عابد و دیگری فاسق، پس چون از مسجد بیرون آمدند، فاسق صدیق و عابد فاسق گشته بود، بدان جهت که عابد داخل مسجد می شود در حالی که به عبادت خود می بالد و در این زمینه فکر می کند، اما فاسق به پشیمانی از گناهش می اندیشد و در پیشگاه خداوند (عزوجل) از گناهانی که انجام داده استغفار می کند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از جبرئیل علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«مَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدِي بِمِثْلِ آدَاءٍ مَا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يُرِيدُ الْبَابَ مِنَ الْعِبَادَةِ فَأَكْفُهُ عَنْهُ لِيَلَّا يَدْخُلَهُ عَجْبٌ فَيُفْسِدَهُ...»؛^(۲)

ص: ۱۲۵

۱- ۲۵۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲- ۲۵۶. بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۴.

... و هیچ چیز به مانند ادای واجبات موجب تقرّب بنده ام به من نمی شود... و از بندگان مؤمنم برخی اراده می کنند بابتی از عبادت را (به روی خود باز می کند) و من او را از انجام آن باز می دارم تا گرفتار عجب نگشته و فاسد نشود... .

۵ - حرام خواری؛

تاکید اسلام بر کسب و تهیه روزی حلال و پاک بیانگر اهتمام اسلام به اقتصاد سالم و حفظ حقوق افراد و کرامت انسان و احترام اموال بوده تا جایی که لقمه حرام در عبادت مؤمن مؤثر می باشد.

«الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ»؛^(۱)

عبادت با خوردن حرام همانند ساختمانی است که بر روی رمل (یا آب) بنا شده باشد.

حتی محیط ذهن و فکر مسلمان باید به دور از اندیشه آلوده و حرام و منفی نگری و ناامیدی از مهر و رحمت خدا باشد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«سُوءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْعِبَادَةَ»؛^(۲)

سوء ظن و بدگمانی، عبادت را فاسد می کند.

۶ - رها نمودن و ترک تداوم؛

امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل نموده که فرمود:

«مَا أَقْبَحَ الْفَقْرَ بَعْدَ الْغِنَى وَ أَقْبَحَ الْخَطِيئَةَ بَعْدَ الْمَسْكَنَةِ وَ أَقْبَحُ مِنْ

ص: ۱۲۶

۱- ۲۵۷. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۶.

۲- ۲۵۸. غرر الحکم، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۲۷۰۴.

ذَلِكَ الْعَابِدُ لِلَّهِ ثُمَّ يَدْعُ عِبَادَتَهُ»؛ (۱)

چه زشت است فقر بعد از غنی بودن و گناه کردن بعد از مسکنت و از آن زشت تر عابدی است که مدتی خدا را عبادت کند سپس عبادت او را ترک نماید.

و همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

«تَرَكَ الْعِبَادَةَ يُقْسِي الْقَلْبَ»؛ (۲)

رها کردن (بعد از مدتی و تداوم ندادن عبادت) موجب قساوت قلب و سنگدلی می شود.

۷- شکم بارگی و دنیاگرایی؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَالْبُطْنَةَ فَإِنَّهَا مَفْسَدَةٌ لِلْبَدَنِ وَ مَوْرَثَةٌ لِلسَّقَمِ وَ مَكْسَلَةٌ عَنِ الْعِبَادَةِ»؛ (۳)

از پر خوری پرهیزید که بدن را فاسد می کند و موجب مریضی می شود و سبب کسالت در عبادت می شود.

امام موسی بن جعفر علیه السلام به هشام می فرماید:

«يَا هِشَامُ اخْذِرْ هَذِهِ الدُّنْيَا وَ اخْذِرْ أَهْلَهَا فَإِنَّ النَّاسَ فِيهَا عَلَى أَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ... وَ عَابِدٌ جَاهِلٌ يَسْتَصْغِرُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي عِبَادَتِهِ يُحِبُّ أَنْ يُعْظَمَ وَ يُوقَّرَ»؛ (۴)

ص: ۱۲۷

۱- ۲۵۹. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶.

۲- ۲۶۰. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۳۹.

۳- ۲۶۱. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۳۸.

۴- ۲۶۲. تحف العقول {مترجم}، ص ۴۲۲.

ای هشام! حذر کن از این دنیا و حذر کن از اهل آن، چرا که مردم در دنیا چهار دسته اند... و یکی از آنها عابد جاهلی است که آنهایی را که عبادتشان از او کمتر است پست و کوچک می شمارد و دوست دارد (که مردم) تعظیم و توقیرش کنند... .

نتیجه این که باید با تقوا و تلاش آفات عبادات خود را شناخت و با توبه و تصمیم، آنها را را طرد و فعل عبادی را پاک و پیراسته از هر عیب و آفت به جا آورد تا به نتایج و ثواب های اخروی و استجابت دعاها رسید، همانگونه که در کشاورزی باید علف های هرز و آفات نباتی را دفع کرد تا به زراعت پرطروات و منفعت رسید چرا که رابطه این جهان و اعمال ما در آخرت و ابدیت، به کشتزار و فصل کشت و برداشت تعریف و تشبیه شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «الْدُنْيَا مَرْعَاهُ الْآخِرَةُ»^(۱) دنیا مزرعه آخرت است» و انسان با پاشیدن بذر و غرس درخت عمل در دنیا به محصول مناسب خواهد رسید.

گل کاشتی ثمرت گل می دهد

خار کشتی ثمرت خار دهد

ص: ۱۲۸

۱- ۲۶۳. عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۶۷، ح ۶۶؛ میزان الحکمه، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۲۵.

الگوخواهی و الگوپذیری، فطری انسان است و همان گونه که در امور زندگی سراغ متخصصین موفق می رویم، در امور دینی و عبادی هم از عالمان عامل باید پیروی کرد نه تقلید از الگوهای ناآگاه و ناصالح مخصوصاً با ظهور مکاتب فریب گر و عرفان های انحرافی و معنویت گرایی وارداتی، استعماری و شیطانی؛^(۱) با این رویکرد روایات را در معرفی اسوه های اصیل و ضرورت تأسی به سیره و روش آنان که برگزیده خدا و در علم و عصمت و پاکی سر آمدند، بررسی می کنیم.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَأَحَبُّ الْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمُتَأَسِّي بِنَبِيِّهِ»؛^(۲)

محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبرش تأسی و اقتدا کند (حدیث عام است و شامل تمام ابعاد

ص: ۱۲۹

-
- ۱- ۲۶۴. برای جلوگیری از گرایش به اسلام اصیل و ضد استکباری و عدالت محور علوی و برای به تسلیم و تباهی کشاندن نسل نو و غارت ثروت ها، شیاطین شرق و غرب دام ها گسترده اند که باید در مرحله اول خود جوانان به هوش باشند و در مرحله بعد والدین و مسئولان فرهنگی و اجرایی کشور با برنامه ریزی جامع و سعادت ساز بنمایند.
- ۲- ۲۶۵. نهج البلاغه، خ ۱۶۰، ۲۳.

زندگی مسلمانان می شود که پیامبر سرمشق او باشد و قبل از هر چیز اقتدا و تبعیت از پیامبر در عبادت و بندگی است.)

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا وَصَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صُورَنَا وَجَعَلَنَا عَيْنَهُ فِي عِبَادِهِ وَ لِسَانَهُ النَّاطِقَ فِي خَلْقِهِ وَ يَدَهُ الْمَبْسُوطَةَ عَلَى عِبَادِهِ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ وَجْهَهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ وَ بَابَهُ الَّذِي يُدُلُّ عَلَيْهِ... وَ بَعِبَادَتِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عَبْدَ اللَّهُ»؛^(۱)

خدای (عزوجل) ما (ائمہ علیہم السلام) را آفرید و خلقت ما را نیکو قرار داد و ما را تصویر کرد و زیبا نقش فرمود، پس ما را به منزله چشم خود در میان بندگانش و زبان گویایش در بین مخلوقاتش و دست گسترده رحمت و رأفت خود بر بندگانش و راه ورود و دری که به سوی او راهنمایی می کند، قرار داد... و با عبادت و بندگی ما است که خداوند پرستش می شود و اگر ما نبودیم پروردگار پرستش نمی شد.

امام صادق علیه السلام بعد از بیان برخی شباهت های علی بن الحسین علیهما السلام به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«وَ لَقَدْ دَخَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنَهُ عَلَيْهِ فَإِذَا هُوَ قَدْ بَلَغَ مِنَ الْعِبَادَةِ مَا لَمْ

ص: ۱۳۰

يَبْلُغُهُ أَحَدٌ فَرَأَهُ قَدْ اَضْفَرَ لَوْنَهُ مِنَ السَّهْرِ وَ رَمَصَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ دَبِرَتْ جَبْهَتُهُ وَ انْخَزَمَ أَنْفُهُ مِنَ السُّجُودِ وَ وَرِمَتْ سَاقَاهُ وَ قَدَمَاهُ مِنَ الْقِيَامِ فِي الصَّلَاةِ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّ أَمْلَكَ حِينَ رَأَيْتُهُ بِتِلْكَ الْحَالِ الْبُكَاءَ فَبَكَيتُ رَحْمَةً لَهُ فَإِذَا هُوَ يُفَكِّرُ فَالْتَفَتَ إِلَيَّ بَعِيدَ هُنَيْهَةٍ مِنْ دُخُولِي فَقَالَ يَا بَنِيَّ أَعْطِنِي بَعْضَ تِلْكَ الصُّحُفِ الَّتِي فِيهَا عِبَادَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَعْطَيْتُهُ فَقَرَأَ فِيهَا شَيْئاً يَسِيراً ثُمَّ تَرَكَهَا مِنْ يَدِهِ تَضَجُّراً وَ قَالَ مَنْ يَقْوَى عَلَيَّ عِبَادَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (١)

زمانی امام باقر علیه السلام بر پدرش (علی بن الحسین علیه السلام) وارد شد، در حالی که هیچ فردی از عبادت به اندازه و مقام او نمی رسید، پس پدر بزرگوارش را دید که در اثر شب زنده داری رنگش زرد و چشم هایش را گریه، آزرده و از سجده (های زیاد و طولانی) پیشانی آن حضرت پینه بسته و بینی اش مجروح گردیده است و قدم های او از ایستادن ورم نموده است، امام باقر علیه السلام فرمود: چون پدرم را بدان حال دیدم نتوانستم خودداری کنم و از روی دلسوزی بر او گریستم پس حضرتش در حالی که می اندیشید، روی به من کرد و گفت: فرزندم بعضی از این نوشته ها که عبادت علی بن ابی طالب علیه السلام در آنهاست به من بده، پس تقدیم کردم، مقدار کمی از آنها را خواند و با

ص: ۱۳۱

ناراحتی کنار گذاشت و فرمود چه کسی توان عبادت علی علیه السلام را دارد!

امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِلَهِي مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ عِقَابِكَ وَلَا طَمَعًا فِي ثَوَابِكَ وَ لَكِنْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ»؛^(۱)

پروردگارا تو را به خاطر ترس از دوزخ و به خاطر طمع و توجه به بهشت تو عبادت نکردم لیکن تو را شایسته و سزاوار عبادت یافتم پس پرستش نمودم.

نیز از امام زین العابدین علیه السلام مشابه این حدیث نقل شده است.^(۲)

همچنین در زیارتنامه حضرت علی علیه السلام می خوانیم: «وَأَنْتَ أَحْسَنُ النَّاسِ عِبَادَةً»؛^(۳) و تو بهترین در عبادت هستی (سراسر وجود او و زندگی فردی و اجتماعی اش عبادت بود و اخلاص که گاه از شدت عبادت، بیهوش روی زمین می افتاد)^(۴) و به حق اوست اسوه راستین عبودیت و بندگی خدای عزوجل! او که ولادتش در خانه خدا (کعبه) بود و در دامن پیامبر صلی الله علیه وآله چشم گشود و پرورش یافت و در خانه خدا (محراب مسجد کوفه) در حال عبادت (عالی ترین نماد عبادت، نماز) شهادتش واقع شد!

ص: ۱۳۲

۱- ۲۶۸. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۸۶ و ۱۹۷.

۲- ۲۶۹. همان، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

۳- ۲۷۰. همان، ج ۹۷، ص ۳۶۷.

۴- ۲۷۱. همان، ج ۸۴، ص ۱۹۴.

هم او که با آن مناجات های جانسوز در نیمه های شب و دعای کمیل و... می فرمود: «أَنَا عَبْدُ اللَّهِ... وَ كَفَى لِي فَخْرًا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا»؛^(۱) او که از نظر کمی و کیفی عابدترین عابدان پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

هم او که آن قدر در عبودیت حق غوطه ور بود که خود موضوع عبادت می گرد، و یاد او و نگاه به سیما و سیره او (و پیروانش) عبادت می شود که قبلاً اشاره شد: «ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ».^(۲)

ص: ۱۳۳

۱- ۲۷۲. بحار الانوار، ج ۳۸، ص ۳۴۰.

۲- ۲۷۳. همان، ج ۱، ص ۲۰۴ و شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۱۷۱.

فصل شانزدهم: تقصیر در عبادت

با توجه به فقر وجودی و ذاتی آدمی و بی نیازی مطلق پروردگار و این که عبادت نوعی عرض نیاز و تذلل و تشکر به درگاه خداوند (برای تقرب و تکامل) می باشد، نباید باعث غرور و غفلت گردد که این آفت و نقض غرض و دور شدن از هدف عبادت است و لذا پیشوایان پاک و عالم به حقایق دین و انسان شناس، دستور داده اند هر چند بسیار هم عبادت می کنید، لیکن خود را مقصر در امر پرستش معبود یکتا و نامتناهی بدانید زیرا توان و توفیق عبادت نیز به لطف اوست و در هر حال هیچ کس را قدرت انجام حق عبادت او نباشد جز اعتراف به عجز و ناتوانی که این خود فضیلت نفس و پاداش آفرین است.

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا... وَ لَمَّا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ فَأَشْكُرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَ أَعْبُدُهُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ... وَ كُلُّ مُقِرٍّ عَلَى نَفْسِهِ

ص: ۱۳۵

خدایا هر کس هر چه در طاعت تو بکوشد باز به کمتر از آنچه سزاوار تو است اکتفا کرده است پس شاکرترین بندگانت از سپاس تو عاجز است و عبادت کننده ترین آنان در طاعت و فرمانبرداریت مقصر می باشد و همه درباره خود اعتراف می کنند که از آنچه سزاوار تو است کوتاهی کرده است.

امام علی علیه السلام در وصف ملائکه می فرماید:

«وَإِنَّهُمْ عَلَى مَكَانِهِمْ مِنْكَ وَ مَنْزِلَتِهِمْ عِنْدَكَ وَ اسْتِجْمَاعَ أَهْوَائِهِمْ فِيكَ وَ كَثْرَةَ طَاعَتِهِمْ لَكَ وَ قَلَّةَ غَفْلَتِهِمْ عَنْ أَمْرِكَ لَوْ عَايَنُوا كُنَّ مِمَّا خَفِيَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ لَحَقَرُوا أَعْمَالَهُمْ وَ لَزَرُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَعَرَفُوا أَنََّّهُمْ لَمْ يَعْبُدُوكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ لَمْ يُطِيعُوكَ حَقَّ طَاعَتِكَ»؛^(۲)

آنان (فرشتگان) با همه مقام و منزلتی که نزد تو دارند و با همه دل خواهشان که منحصر در تو است و تو را تنها دوست دارند و فراوان تو را اطاعت می کنند که اندک غفلتی در فرمان تو ندارد، اگر آنچه از تو بر آنان پوشیده است مشاهده کنند (بدانند) بی گمان اعمال خود را ناچیز شمارند و خود را سرزنش نمایند و پی برند که تو را آن چنان که شایسته عبادت تو است عبادت نکرده اند و ان

ص: ۱۳۶

۱- ۲۷۴. صحیفه سجادیه، دعای ۳۷.

۲- ۲۷۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹.

سان که سزاوار توست فرمانبرداری و اطاعتت نموده اند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام به برخی فرزنداناش فرمود:

«يَا بُنَيَّ عَلَيْكَ بِالْجِدِّ لَا تُخْرِجَنَّ نَفْسَكَ مِنْ حَدِّ التَّقْصِيرِ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَطَاعَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُعْبُدُ حَقَّ عِبَادَتِهِ»؛^(۱)

فرزندم! تلاش کن خود را از مرز تقصیر در عبادت پروردگار و طاعت حق بیرون ندانی چرا که خداوند متعال آن گونه که سزاوار است عبادت نمی شود.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْمُعَارِينَ وَلَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ قَالَ قُلْتُ أَمَا الْمُعَارُونَ فَقَدْ عَرَفْتُ أَنَّ الرَّجُلَ يُعَارُ الدِّينَ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهُ فَمَا مَعْنَى لَا تُخْرِجْنِي مِنَ التَّقْصِيرِ فَقَالَ كُلُّ عَمَلٍ تُرِيدُ بِهِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَكُنْ فِيهِ مُقْصِرًا عِنْدَ نَفْسِكَ فَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ اللَّهِ مُقْصِرُونَ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ»؛^(۲)

بسیار بگو خدایا مرا از عاریه داران قرار مده و از حد تقصیر بیرونم مبر، راوی می گوید: عرض کردم: معنای عاریه داران را می دانم که مردی دین را به طوری عاریه می گیرد و سپس از آن خارج می شود اما معنای «از حد تقصیر بیرونم مبر» چیست؟ حضرت فرمود، هر کاری که برای خدا انجام می دهی خود را در آن مقصر بدان، زیرا

ص: ۱۳۷

۱- ۲۷۶. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۲.

۲- ۲۷۷. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۳.

همه مردم در اعمالی که برای خدا انجام می دهند مقصر هستند مگر آن که خدای (عز و جلّ) عصمتش دهد و نگهش دارد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَطِيعُوهُ... فَلَيْسَ أَحَدٌ (وَإِنْ اِشْتَدَّ عَلَى رِضَا اللَّهِ حِرْصُهُ وَ طَالَ فِي الْعَمَلِ اجْتِهَادُهُ) يَبَالِغُ مَا اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَهْلَهُ مِنْ الطَّاعَةِ لَهُ...»؛ (۱)

خداوند حقّ خود را بر بندگان اطاعت خویش قرار داد... گرچه هیچ کس نمی تواند حقّ اطاعت خداوندی را چنانکه باید بگذارد (هر چند در به دست آوردن رضای خدا حریص باشد و در کار بندگی خدا بکوشد).

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند متعال می فرماید:

«لَا يَتَكَلَّمُ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْلَمُونَ بِهَا لِثَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَ اتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقْصِرِينَ غَيْرَ بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِي...»؛ (۲)

عمل کنندگان بر اعمالی که به خاطر پاداش و ثواب من انجام می دهند، اعتماد نکنند چرا که اینان هر چند کوشش کنند و جان و عمرشان را در عبادت من به رنج افکنند باز

ص: ۱۳۸

۱- ۲۷۸. نهج البلاغه، خطبه ۲۹۶.

۲- ۲۷۹. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۸.

هم کوتاهی کرده و به کنه عبادت من نمی رسند... .

از امام باقر علیه السلام روایت شده است: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ عِبَادًا لَا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَالصَّحَّةِ فِي الْبَدَنِ فَأَبْلَوْهُمْ بِالْغِنَى وَالسَّعَةِ وَصِحَّةِ الْبَدَنِ فَيُضِلُّحَ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَعِبَادًا لَمَّا يَصْلُحُ لَهُمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ إِلَّا بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فِي أَيْدِيهِمْ فَأَبْلَوْهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْمَسْكِنَةِ وَالسُّقْمِ فَيُضِلُّحَ عَلَيْهِمْ أَمْرٌ دِينِهِمْ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ أَمْرٌ دِينِ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ وَإِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَجْتَهِدُ فِي عِبَادَتِي فَيَقُومُ مِنْ رُقَادِهِ وَ لَدِيدِ وَسَادِهِ فَيَتَهَجَّدُ لِي اللَّيْلَى فَيَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي عِبَادَتِي فَأَضْرِبُهُ بِالنُّعَاسِ اللَّيْلَةَ وَاللَّيْلَتَيْنِ نَظْرًا مَنِي لَهٗ وَ إِبْقَاءً عَلَيْهِ فَيَنَامُ حَتَّى يُضِيحَ فَيَقُومُ وَ هُوَ مَاقَتٌ لِنَفْسِهِ زَارِيٌّ عَلَيْهَا وَ لَوْ أُحْلَى بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَا يُرِيدُ مِنْ عِبَادَتِي لَدَخَلَهُ الْعُجْبُ مِنْ ذَلِكَ فَيُضَيِّرُهُ الْعُجْبُ إِلَى الْفِتْنَةِ بِأَعْمَالِهِ فَيَأْتِيهِ مِنْ ذَلِكَ مَا فِيهِ هَلَاكُهُ لِعُجْبِهِ بِأَعْمَالِهِ وَ رِضَاهُ عَنْ نَفْسِهِ حَتَّى يَظُنَّ أَنَّهُ قَدْ فَاقَ الْعَابِدِينَ وَ حِيَازَ فِي عِبَادَتِهِ حَيْدَ التَّقْصِيرِ فَيَتْبَاعِدُ مِنِّي عِنْدَ ذَلِكَ وَ هُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ فَلَا يَتَّكِلُ الْعَامِلُونَ عَلَيَّ أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوِ اجْتَهَدُوا وَ اتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَفْنَوْا أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُفْضَرِينَ غَيْرَ بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهُ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي وَ النَّعِيمِ فِي جَنَاتِي وَ رَفِيعِ دَرَجَاتِي الْعُلَى فِي جَوَارِي وَ لَكِنْ فَبِرَحْمَتِي فَلْيَتَّقُوا وَ بِفَضْلِي فَلْيَفْرَحُوا وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي

فَلْيَطْمَئِنُّوا فَإِنَّ رَحْمَتِي عِنْدَ ذَلِكَ تَدَارِكُهُمْ وَ مَنِّي يُبَلِّغُهُمْ رِضْوَانِي وَ مَغْفِرَتِي تُلَبِّسُهُمْ عَفْوِي فَإِنِّي أَنَا اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَ بِذَلِكَ تَسَمَّيْتُ»؛ (۱)

اصلاح نمی کند امر دین برخی بندگان مؤمن مرا مگر ثروت، وسعت و صحت بدن. پس آنها را آزمایش می کنم با ثروت، وسعت و صحت بدن پس امر دینشان اصلاح می شود، و برخی بندگانم امر دین شان اصلاح نمی گردد مگر به فقر، مسکنت و مرض در بدن هایشان، پس آنها را با فقر، مسکنت و مرض آزمایش می کنم پس امر دینشان اصلاح می شود. و من داناترم به آنچه امر دین بندگان مؤمنم را اصلاح می کند. و همانا از بندگان مؤمنم کسی است که در عبادت من کوشش می کند و از خواب شب و بستر لذیذ استراحت بپا می خیزد و در دل شب ها به تهجد مشغول شده و در عبادت من خود را به رنج می اندازد. پس یک شب، دو شب خواب را بر او مسلط می کنم از روی لطف و به خاطر حفظ او، در نتیجه تا صبح می خوابد و چون بیدار می شود خود را مذمت نموده و مؤاخذه می کند و اگر بین او و آنچه از عبادت من می خواهد آزاد بگذارم از این جهت عجب و (به خود

ص: ۱۴۰

بالیدن) در او پیدا می شود و خودپسندی او را به تباهی اعمالش می کشاند و آنچه موجب هلاکت اوست بر وی وارد می شود به خاطر عجب او نسبت به اعمالش و رضایت او از خودش، تا این که گمان می کند بر عبادت کنندگان برتری پیدا کرده و از حدّ و مرز تقصیر گذشته است، پس در این هنگام از من دور می شود در حالی که می پندارد به من نزدیک شده است. پس عمل کنندگان بر اعمالی که به خاطر پاداش من انجام می دهند، زیاد دل نبندند و اعتماد نکنند، برای این که اگر آنها جدّیت کنند و خود را به زحمت بیندازند و عمر خودشان را در عبادت من صرف کنند باز هم کوتاهی کرده و به کنه عبادت من نمی رسند در آنچه می طلبند از کرامت من و نعمت های بهشت هایم و درجات رفیع و بلند در جوار من؛ لیکن به رحمت من اعتماد کنند و به فضل من خشنود باشند و به حسن ظن من اطمینان کنند برای این که رحمت من در این هنگام آنها را می پوشاند چرا که من خداوند رحمان و رحیم (بخشنده و مهربان) هستم و به این (اسم ها) نامیده شده ام.

فصل هفدهم: بهترین عبادت

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید:

«خَيْرُ الْعِبَادَةِ أَخْفِيهَا»؛^(۱)

بهترین عبادت مخفی ترین آن است.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«خَيْرُ الْعِبَادَةِ قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛^(۲)

بهترین عبادت ذکر «لا اله الا الله» است.

امام صادق علیه السلام: رسول خدا فرمود:

«الْأَسْتِغْفَارُ وَ قَوْلُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» خَيْرُ الْعِبَادَةِ؛^(۳)

استغفار و ذکر «لا اله الا الله» بهترین عبادت است.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«الْتَفَكُّرُ فِي آيَاتِ اللَّهِ نِعْمَ الْعِبَادَةُ»؛^(۴)

ص: ۱۴۳

۱- ۲۸۱. نهج الفصاحه، ح ۱۹۴۲.

۲- ۲۸۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۶ و ۵۱۷.

۳- ۲۸۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۵.

۴- ۲۸۴. غرر الحکم، ص ۵۶، ح ۵۳۴.

اندیشه در نعمت های خداوند چه عبادت خوبی است.

«أَعْلَى الْعِبَادَةِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ»؛^(۱)

عالی ترین عبادت، خالص نمودن عمل است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خَيْرُ الْعِبَادَاتِ أَقْرَبُهَا بِالْأَمْنِ وَ أَخْلَصُهَا مِنَ الْإِفَاتِ وَ أَدْوَمُهَا وَ إِنْ قَلَّ...»؛^(۲)

بهترین عبادت ها نزدیک ترین آنها به آسایش (خاطر) و خالص ترین آنها از آفت ها و مداوم ترین آنها است اگر چه اندک باشد.

ص: ۱۴۴

۱- ۲۸۵. میزان الحکمه، ج ۶، ص ۲۱.

۲- ۲۸۶. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۶.

در حدیث معراج آمده است:

«يَا أَحْمَدُ هَلْ تَدْرِي مَتَى يَكُونُ [لِي الْعَبْدُ عَابِدًا قَالَ لَا يَا رَبِّ قَالَ إِذَا اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ وَرَعَّ يَحْجُزُهُ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ صِيَمْتُ
يَكْفُهُ عَمَّا لَا يَعْنِيهِ وَ خَوْفٌ يَزْدَادُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ بُكَائِهِ وَ حَيَاءٌ يَسْتَجِي مَنِّي فِي الْخَلَاءِ وَ أَكَلُ مَا لَأَبِيْدُ مِنْهُ وَ يُبْغِضُ الدُّنْيَا لِئُغْضِيَ
لَهَا وَ يُحِبُّ الْأَخْيَارَ لِحُبِّي لَهُمْ»؛ (۱)

ای احمد (خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله) آیا می دانی بنده چه وقت مرا بندگی می کند؟ گفت نه ای پروردگام فرمود: هر گاه هفت خصلت در او فراهم آید، پارسایی و ورعی که مانع او از حرام ها گردد و سکوتی که او را از سخنان بیهوده باز دارد و ترسی که هر روز بر گریه او بیفزاید و شرم و حیایی که در خلوت و تنهایی از من داشته باشد و خوردن (حلال) به اندازه ضرورت و دنیا را ناخوش دارد همانند من که آن را خوش ندارم و نیکان را دوست بدارد چون من آنان را دوست می دارم.

ص: ۱۴۵

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»؛^(۱)

خدا را چنان عبادت کن که گویی او را می بینی، زیرا اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

«أَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَاعْمَلْ لِلَّهِ كَأَنَّكَ تَرَاهُ»؛^(۲)

خدا را تنها عبادت و بندگی کن و هیچ چیز را شریک او مگردان و برای خدا چنان کار کن که گویی او را می بینی.

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

«مَنْ عَمِلَ بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ وَمَنْ اجْتَنَبَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ وَمِنْ أَوْرَعِ النَّاسِ...»؛^(۳)

کسی که کارهای واجب را انجام دهد، از بهترین مردم است و آن که از محرمات دوری کند، از عابدترین و پارساترین انسان هاست....

علی علیه السلام می فرماید:

«أَقْرَبُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَقْوَلُهُمْ لِلْحَقِّ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ وَأَعْمَلُهُمْ بِالْحَقِّ وَإِنْ كَانَ فِيهِ كَرِهٌ»؛^(۴)

نزدیک ترین بندگان به سوی خدا (بلند مرتبه) حق گوترین آنان است، هر چند به زیان او باشد و به حق عمل کننده ترین آنهاست، هر

ص: ۱۴۶

۱- ۲۸۸. کنز العمال، ۵۲۵۰.

۲- ۲۸۹. همان، ۵۲۵۲.

۳- ۲۹۰. امالی مفید، ص ۲۰۴، مجلس ۲۳.

۴- ۲۹۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۶۵.

چند در آن رنج و مشقت و خوش نداشته باشد.

امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می کند که از آن حضرت سوال شد، بندگان برتر چه کسانی هستند؟
فرمود:

«الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا عَفَرُوا»؛^(۱)

آنان که وقتی نیکی کنند، شادمان شوند و هنگامی کار زشتی انجام دهند استغفار و توبه کنند و آنگاه که چیزی به آنان بخشیده شود شکر گزارند و در برابر گرفتاری و آزمون ها شکیبایند و در هنگامی که خشم نمایند، می بخشند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

«أَفْضَلُ مَا تَقَرَّبَ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ بِهِ الصَّلَاةِ وَبِرِّ الْوَالِدَيْنِ وَتَرْكِ الْحَسَدِ وَالْعُجْبِ وَالْفَخْرِ»؛^(۲)

برترین چیزی که باعث نزدیکی بنده به خدا می شود بعد از معرفت به او عبادتست از: نماز و نیکی به پدر و مادر و ترک کردن حسد و خود پسندی و فخر نمودن.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عِبْدًا أَعْيَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ فَاسْتَشَعَرَ الْحُزْنَ وَتَجَلَبَبَ الْخَوْفَ... فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ وَأَوْتَادِ أَرْضِهِ قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ

ص: ۱۴۷

۱- ۲۹۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۰، کافی، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- ۲۹۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۴۴.

أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْسِي الْهَوَىٰ عَنِ نَفْسِهِ»؛ (۱)

از محبوب ترین بندگان نزد خداوند بنده ای است که او را در پیکار با نفس یاری رسانده پس جامه زیرین او اندوه و لباس روئینی او ترس از خداست... چنین کسی از گنجینه های دین خدا و ارکان زمین است خود را به عدالت واداشته و نخستین گام عادل بودن او آنکه، هوای نفس را از خود رانده و دور کرده است.

جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه وآله می گوید:

«يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَوْ كَانَتْ عِبَادَتُنَا عَلَىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ لَعَمَلْنَا ثَلَاثَ خِصَالٍ سَيَقَىٰ الْمَاءَ لِلْمُسْلِمِينَ وَإِغَاثَةَ أَصْحَابِ الْعِيَالِ وَسِتْرَ الذُّنُوبِ»؛ (۲)

ای محمّد! اگر بنا بود ما روی زمین عبادت کنیم، سه کار می کردیم، آب دادن و آب رسانی به مسلمانان، کمک به مردان عیال وار و پوشاندن گناهان (عیب پوشی و ترک گناه)

حضرت عیسی علیه السلام به شخصی فرمود:

«لِرَجُلٍ مَا تَصْنَعُ؟ قَالَ: أَتَعْبُدُ؟ قَالَ: فَمَنْ يَعُولُ عَلَيْكَ؟ قَالَ: أَخِي قَالَ: أَخُوكَ أَعْبُدُ مِنْكَ»؛ (۳)

چه می کنی؟ گفت: عبادت پیشه کرده ام، حضرت پرسید: چه کسی مخارج زندگی تو را تأمین می کند؟ گفت: برادرم، مسیح علیه السلام فرمود، برادرت از تو عابدتر است.

ص: ۱۴۸

۱- ۲۹۴. نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

۲- ۲۹۵. تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۳۹.

۳- ۲۹۶. همان، ص ۶۵.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَعْبَدَ النَّاسَ مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ»؛^(۱)

عابدترین مردم کسی است که واجبات و فرائض را به پا دارد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هُدَى وَ هَدَى فَأَقَامَ سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ وَ أَمَاتَ بِدَعَاةٍ مَجْهُولَةٍ»؛^(۲)

پس بدان که برترین بندگان (عابدترین بندگان) نزد او پیشوای دادگری است که خود هدایت شده و دیگران را به راه راست رهنمون گردد، سنت شناخته شده را بر پا دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الْعَبْدُ الْمُطِيعُ لَوَالِدَيْهِ وَ لِرَبِّهِ فِي أَعْلَى عِلْمَيْنِ»؛^(۳)

بنده ای که مطیع پدر و مادرش و پروردگارش باشد در اعلا علیین (برترین مقام بهشت) خواهد بود.

امام علی علیه السلام می فرماید:

«قَالَ لِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ وَ كُنْ قَنِعًا تَكُنْ أَشْكُرَ النَّاسِ...»»؛^(۴)

با تقوا و پرهیزکار باش تا عابدترین مردمان باشی، و قانع باش تا شکرگزارترین افراد باشی و... .

ص: ۱۴۹

۱- ۲۹۷. الخصال، ج ۱۶، ص ۵۶، به نقل از میزان الحکمه.

۲- ۲۹۸. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴.

۳- ۲۹۹. نهج الفصاحه، ۲۰۰۴.

۴- ۳۰۰. همان، ص ۲۱۸۷.

«الْبُكَاءُ مِنْ خَيْفَةِ اللَّهِ لِلْبُعْدِ عَنِ اللَّهِ عِبَادَةُ الْعَارِفِينَ (۱) وَ الْجُودُ فِي اللَّهِ عِبَادَةُ الْمُقَرَّبِينَ»؛ (۲)

گریه از ترس خدا بخاطر دوری از خدا (برای اظهار تذلل و گناهی که مرتکب شده) عبادت و پرستش عارفان (معرفت یافتگان به خدا) است و جود و بخشندگی (با جان و مال و ایثار) در راه خدا عبادت تقرب یافتگان است.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایاتی می فرماید:

«مَا تَقَرَّبَ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ سُجُودِ خَفَى»؛ (۳) هیچ بنده ای به چیزی بهتر از سجده نهان به خدا تقرب نجوید.

«أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا»؛ (۴)

بهترین بندگان در پیشگاه خداوند بنده ای است که خلق و خویش نیکوتر باشد.

«أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادَةِ»؛ (۵)

از محبوبترین بندگان نزد خدا آن کسی است که برای بندگان سودمندتر باشد.

ص: ۱۵۰

۱- ۳۰۱. غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۲، ح ۱۷۸۴.

۲- ۳۰۲. همان، ج ۲، ص ۷.

۳- ۳۰۳. نهج الفصاحه، ص ۸۴.

۴- ۳۰۴. کنز العمال، ج ۳، ص ۳.

۵- ۳۰۵. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۰۶؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۰؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۵.

«أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ الْأَتْقِيَاءُ الْأَخْفِيَاءُ»؛^(۱) محبوب ترین بندگان پیش خداوند پرهیزکاران گمنامند.

«مَا زَانَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِزَيْنِهِ أَفْضَلُ مِنْ زَهَادِهِ فِي الدُّنْيَا وَعِفَافٍ فِي بَطْنِهِ وَفِرْجِهِ»؛^(۲)

خداوند به بندگان زیوری برتر از بی رغبتی به دنیا و عفت شکم و شهوت نداده است.

امام علی:

«أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ أَطْوَعُهُمْ لَهُ»؛^(۳)

دوست ترین بندگان نزد خدا فرمانبردارترین آنان نسبت به اوست.

ص: ۱۵۱

۱- ۳۰۶. التحصين، ص ۲۶.

۲- ۳۰۷. كترالعمال، ج ۳، ص ۱۹۶.

۳- ۳۰۸. غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۳۱۵۳.

عبادت و اعمال باید از مسیر اعتقاد به ولایت اهل بیت پیامبر علیهم السلام (تالی قرآن طبق حدیث ثقلین) قبول حق قرار گیرد، چرا که طبق روایات سنی و شیعه، حجّت و جانشین خدا و مظهر صفات و برترین بندگان خالص خدا و صراط و سبیل حق، اسوه های علم و عظمت بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله عترت او علیهم السلام می باشند. و کتاب و سنت بر مودت آنان، (۱) تأکید دارد.

ابوحمزہ ثمالی می گوید: امام زین العابدین علیه السلام از ما پرسید:

«أَيُّ الْبِقَاعِ أَفْضَلُ فَقُلْنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَغْلَمَ فَقَالَ أَمَّا أَفْضَلُ الْبِقَاعِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمَّرَ مَا عَمَّرَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْمِهِ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ وَلَايَتِنَا لَمْ يَنْفَعَهُ ذَلِكَ شَيْئًا»؛ (۲)

کدامین بقعه ها برتر و با فضیلت تر است؟ گفتیم: خدا و رسولش و فرزند پیامبرش علیهم السلام بهتر می دانند، پس فرمود: برترین بقعه ها

ص: ۱۵۳

۱- ۳۰۹. شوری: ۲۳.

۲- ۳۱۰. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۳.

و مکان ها ما بین رکن و مقام (در مسجد الحرام) می باشد و اگر شخصی به اندازه عمر نوح در قوش، یعنی ۹۵۰ سال عمر کند در حالی که روز را روزه دار و شب را با عبادت و قیام در آنجا به سر برد سپس به دیدار حق رود و بمیرد بدون داشتن ولایت ما خاندان این عبادت او را سودی نبخشد.

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادِهِ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَيُعْجِبُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَ اللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ شَاهٍ ضَلَّتْ... وَ اعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ أَيْمَةَ الْجَوْرِ وَ أَتْبَاعَهُمْ لَمَغْرُؤُونَ عَنْ دِينِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ أَضَلُّوا فَأَعْمَالُهُمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ البُعِيدُ»؛ (۱)

هر کسی به خدا نزدیک شود با عبادت پر رنج، بدون داشتن امام و پیشوای خدایی، پس تلاش او مورد قبول نبوده و او گمراه و سرگردان است و خدا نسبت به اعمال او غضبناک می باشد... و بدان ای محمد (ابن مسلم) رهبران جور و پیروانشان از دین خدا دورند، چرا که هم خود گمراه شده هم دیگران را گمراه کرده اند، پس اعمالی که آنها انجام می دهند هم چون خاکستری است که در یک روز طوفانی تند بادی بر آن بوزد و چیزی از اعمال و نتیجه تلاش خود نمی یابند و این همان گمراهی بعید است.

ص: ۱۵۴

جابر از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می کند که ایشان فرمود:

«الزُّمُّا مَوَدَّتْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ يَوَدُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِنَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنَا»؛ (۱)

ای جابر! پیوسته ملازم دوستی و ولایت ما اهل بیت باشید؛ زیرا آنکه خداوند را ملاقات کند در حالیکه ما او را دوست بدارد با متابعت ما وارد شود، سوگند به آنکه جان محمّد در دست اوست، عمل هیچ بنده ای سودمند نیفتد مگر به وسیله معرفت و شناخت حقّ ما.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادِهِ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ بِلَا إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْيَهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَهُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ وَمِثْلُهُ كَمِثْلِ شَاهٍ ضَلَّتْ عَنْ رَاعِيهَا وَقَطِيعَهَا فَتَاهَتْ ذَاهِبَةً وَجَائِيَةً يَوْمَهَا فَلَمَّا أَنْ جَنَّتْ اللَّيْلُ بَصُرَتْ بِقَطِيعِ غَنَمٍ مَعَ رَاعِيهَا فَجَاءَتْ إِلَيْهَا فَبَاتَتْ مَعَهَا فِي رِبْضِهَا فَلَمَّا أَنْ سَاقَ الرَّاعِي قَطِيعَهُ أَنْكَرَتْ رَاعِيهَا وَقَطِيعَهَا فَهَجَمَتْ مُتَحَيِّرَةً تَطْلُبُ رَاعِيهَا وَقَطِيعَهَا فَبَصُرَتْ بِسَرْحِ قَطِيعِ غَنَمٍ آخَرَ فَعَمَدَتْ نَحْوَهَا وَحَنَّتْ إِلَيْهَا فَصَيَّحَ بِهَا الرَّاعِي الْحَقِي بِقَطِيعِكَ فَإِنَّكَ تَائِهَةٌ مُتَحَيِّرَةٌ قَدْ ضَلَلْتَ عَنْ رَاعِيكَ وَقَطِيعِكَ فَهَجَمْتَ دَعْرَةَ مُتَحَيِّرَةً لَا رَاعِيَ لَهَا يُرْشِدُهَا إِلَى مَرَعَاها أَوْ يُرَدُّهَا فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذَا اغْتَنَمَ الذُّبُّ ضَيْعَتَهَا فَأَكَلَهَا وَهَكَذَا يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ مَنْ أَصْبَحَ مِنَ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَادِلٌ أَصْبَحَ تَائِهًا

ص: ۱۵۵

۱- ۳۱۲. ينابيع الموده، ج ۲، ص ۲۷۲، به نقل از موسوعه الامامه في نصوص اهل السنه، ج ۵، ص ۱۳۷ و احقاق الحق، ج ۹، ص ۴۲۸.

مُتَحَيِّرًا إِنْ مَاتَ عَلَىٰ حَالِهِ تِلْكَ مَاتَ مِيتَهُ كُفْرًا وَنِفَاقًا؛^(۱)

کسی که بخواهد با ریاضت نفس و بدون پذیرش امام عادل از جانب خداوند عبادت کند و به خدا نزدیک شود، کوشش او پذیرفته نبوده و گمراه و سرگردان است. و مثل او همانند گوسفندی است که چوپان و گله خود را گم کرده و سرگردان و گرسنه روزش را سپری کند، پس آنگاه که شب فرا رسد، گله گوسفندی را با چوپانش ببیند و به سوی آن رود، شب را با آنها صبح کند اما وقتی چوپان گله خود را روانه سازد، چوپان و گله اش نزد او ناآشنا آید و سرگردان شود در حالیکه چوپان و گله خود را می جوید.

پس گله دیگری را بنگرد و قصد رفتن به سوی آن کند در این هنگام چوپان فریاد زند، به گله خودت ملحق شود که تو سرگردان و متحیری و چوپان و گله خود را گم کرده ای، پس وحشت و حیرت او را فراگیرد، نه چوپانی دارد که چرا گاه را به او نشان دهد یا او را به (مکان اصلی اش) باز گرداند، در شرایطی که او چنین (سرگردان) است گرگی فرصت را غنیمت شمرده او را دریده و می خورد.

و این چنین است حکایت کسی که (از این امت) صبح کند در حالیکه امام عادل خدایی ندارد، سرگردان و متحیر صبح کرده است و اگر در این وضع بمیرد بر کفر و نفاق مرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

ص: ۱۵۶

«سَيَعِدُّ مَنْ أَطَاعَكَ وَشَقِيَ مَنْ عَصَاكَ وَرِيحٌ مِنْ تَوَلَّاكَ وَخَسِرَ مَنْ عَادَاكَ وَفَازَ مَنْ لَزِمَكَ وَهَلَكَ مَنْ فَارَقَكَ مَثَلُكَ وَ مَثَلُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ بَعْدِي مَثَلُ سَيِّفِيهِ نُوحٍ مِنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلُكُمْ مَثَلُ النُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (۱)

کسی که تو را اطاعت کند سعادت مند شود و آنکه تو را نافرمانی نماید، بدبخت شود آنکه ولایت تو را پذیرد، سود برد و آنکه با تو مخالفت کند، زیان بیند، آنکه ملازم و همراه تو شد، رستگار گردد و آنکه از تو جدا شود به هلاکت رسد، مثل تو و مثل امامان از فرزندان تو بعد از من همانند کشتی نوح است. آن کس که بر آن سوار شد، نجات یافت و آنکه سرباز زد غرق شد و مثل شما همانند ستارگان است، هر گاه ستاره ای غروب کند ستاره ای دیگر طلوع می کند تا روز قیامت.

در کتاب «فقه الرضا علیه السلام» آمده است:

«لَا تَدْعُوا الْعَمَلَ الصَّالِحَ وَ الْإِجْتِهَادَ فِي الْعِبَادَةِ اتِّكَالًا عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَا تَدْعُوا حُبَّ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِهِمْ اتِّكَالًا عَلَى الْعِبَادَةِ فَإِنَّهُ لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ»؛ (۲)

امام رضا علیه السلام فرمود: هرگز عمل صالح و کوشش در عبادت را به جهت اعتماد به دوستی آل محمد صلی الله علیه و آله ترک نکنید و محبت آل محمد صلی الله علیه و آله و تسلیم امر و ولایت آنان را به اتکاء عبادت و امگذارید زیرا

ص: ۱۵۷

۱- ۳۱۴. ینابیع الموده، ص ۲۸.

۲- ۳۱۵. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۷.

هیچ کدام از آندو (عبادت و محبت) بدون دیگری قبول و پذیرفته نمی باشد.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

زاهد عابدی که برتری علی علیه السلام را بعد از پیغمبر صلی الله علیه وآله به همه خلق انکار کند، همانند شعله آتشی در روز تند باد می شود و تمام اعمال او همچون گیاهان (خشکیده) می گردد اگر چه صحراها از آنها آکنده شود، آن آتشی در گیاهان شعله افکند و همه را فراگیرد و چیزی باقی نگذارد.

جابر می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله روزی در جمع مهاجر و انصار فرمود: «ای علی اگر فردی (بر فرض اینکه) حق عبادت پروردگار بجای آورد لیکن درباره ولایت) تو و اهل بیت تردید داشته باشد (و اینکه شما برترین مردمان هستید) در دوزخ خواهد بود.

در حدیث عمار و معاذ و عایشه از رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده است:

«الَنْظَرُ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَ لَا يَقْبَلُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِهِ»؛^(۱)

نگاه کردن به علی بن ابی طالب علیه السلام و نیز ذکر و یاد او عبادت می باشد و ایمان بدون ولایت او و برائت از دشمنان او پذیرفته نیست (یعنی اطاعت از الگویی جامع و جمیل نمودن و از بدان و بدی ها دوری جستن).

آری به علی علیه السلام باید اقتدا کرد که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

ص: ۱۵۸

«قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اذْعُ لِي سَيِّدَ الْعَرَبِ يَعْزِي عَلِيًّا فَقَالَتْ عَائِشَةُ أَلَسْتَ سَيِّدَ الْعَرَبِ قَالَ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْعَرَبِ فَلَمَّا حَيَّاهُ أَرْسَلَ إِلَيَّ الْأَنْصَارِ فَأَتَوهُ فَقَالَ لَهُمْ يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعِيدَهُ أَبَدًا قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ هَذَا عَلِيٌّ فَأَحْبِبُوهُ بِحُبِّي وَ أَكْرِمُوهُ بِكَرَامَتِي فَإِنَّ جِبْرِيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَنِي بِالَّذِي قُلْتُ لَكُمْ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ عَلَا»؛ (۱)

علی علیه السلام سید عرب را نزد من بخوانید عایشه پرسید مگر شما سید و آقای عرب نیستید!؟ فرمود من سید و بزرگ فرزندان آدم علیه السلام هستم و علی علیه السلام سید عرب، پس وقتی علی علیه السلام آمد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد تا انصار بیایند وقتی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند، حضرت فرمود: ای گروه انصار! آیا شما را راهنمایی کنم به کسی که اگر به او تمسک جوئید هرگز تا ابد گمراه نخواهید شد؟ گفتند: بله ای رسول خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این شخص علی علیه السلام (انسان کامل و برترین مصداق عترت و قرآن شناس جامع) است پس او را دوست بدارید به دوستی من (چون دوست داشتن علی علیه السلام دوستی پیامبران و عشق به او عشق به همه خوبی ها و خداست (من احبکم فقد احب الله)).

و همچنین در کلامی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَمَاتِي وَ يَسْكُنَ جَنَّةَ عَدْنِ الَّتِي غَرَسَهَا رَبِّي فَلْيُؤَالِ عَلِيًّا مِنْ بَعْدِي وَ لِيُؤَالِ وَلِيَّهُ وَ لِيُقْتَدِ بِالْأَثَمِ مِنْ بَعْدِي فَإِنَّهُمْ عَثْرَتِي خُلِقُوا مِنْ طِينَتِي وَ رَزَقُوا فَهْمًا وَ عِلْمًا فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ مِنْ أُمَّتِي الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ

ص: ۱۵۹

هر کس دوست دارد حیات و مرگش همانند من باشد و در باغ و بهشت عدن که پروردگارم غرس کرده ساکن شود، پس بعد از من ولایت علی علیه السلام را بپذیرد و ولایت و دوستی ولی او را و به پیشوایان بعد از من که عترت و خاندان من هستند اقتدا و تبعیت نماید که آنان از طینت من آفریده شده اند و فهم و علم، درک و دانش روزی آنان شده پس وای بر تکذیب کنندگان از امت من که پیوند مرا در آنان قطع کردند که شفاعت من هیچگاه به اینها نمی رسد.

ص: ۱۶۰

به راستی عبادت حقّ که هدف از خلقت و آفرینش آدمی است چه زمانی محقق می گردد و آیا زمانی می رسد که بندگی و معرفت خداوند فراگیر شود و جهانیان همراه با کاروان هستی مطیع خدای و به سوی معبود مهربان حرکت کنند؟ آری.

آنگاه که دین خدا حاکم و آیین الهی دستور العمل زندگی انسان ها گردد. (۱) خلیفه الله و اسوه انسان کامل با کارگزاران صالح و پاک (مطابق وعده الهی در قرآن و حدیث) سرپرستی جامعه بشری را عهده دار شوند. (۲) و علم (۳) و عقل و اندیشه و اخلاق در پرتو هدایت و نور ولایت

ص: ۱۶۱

۱- ۳۱۹. فتح: ۲۸، «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حقّ {به سوی مردم} فرستاد تا آن را به همه دین ها پیروز گرداند. در روایات آمده این پیروزی بر همه ادیان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است که بر شرق و غرب عالم حاکمیت الهی پیدا می کند (قیامی که همه انبیاء علیهم السلام منتظر آن بودند و امامان علیهم السلام زمینه سازش).

۲- ۳۲۰. انبیاء: ۱۰۵، «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ سرانجام بندگان صالح و شایسته وارث و مالک سراسر زمین {جهان} خواهند شد. و طبق روایات این آیه ناظر به یاران حضرت مهدی (عج) می باشد.

۳- ۳۲۱. عن ابی عبد الله قال: «العلم سبعة و عشرون حرفا فجميع ما جاءت به الرسل حرفان فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فاذا اقام قائمنا اخرج الخمسة و العشرين حرفا فبثها في الناس»؛ {بحار الانوار، ج ۵۲، ج ۳۳۶} امام صادق علیه السلام می فرماید: علم و دانش بیست و هفت حرف است و آنچه پیامبران تا کنون آورده اند دو حرف بوده و مردمان تا امروز بیش از دو حرف نمی دانند پس وقتی قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف بیرون آورد و بین انسان ها منتشر کند.

رشد جهشی پیدا کند. (۱) انسان با آگاهی و اراده، می یابد که سعادت و حیات طیبه او در اطاعت و عبادت خداست و بس و بر این اساس تمایلات و استعدادهای خود را در مسیر کسب صفات خدایی و خلیفه الهی رشد می دهد و با معرفت توحیدی به سوی معاد و حیات جاوید سیر می کند «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ (۲) ما از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم.

روایات متعدد گواه و گویایی این معناست که بندگی خدا و تعظیم انسان در برابر پروردگار یکتا در ظهور حضرت مهدی (عج) شکل خواهد گرفت از جمله:

امام باقرعلیه السلام در ذیل آیه شریفه «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَقِبَهُ الْأُمُورِ»؛ (۳) آنانکه هر گاه در روی زمین به آنها قدرت و اقتدار بخشیدیم نماز را به پا دارند و زکات دهند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و سرانجام همه کارها با خداست.

ص: ۱۶۲

۱- ۳۲۲. عن ابی جعفرعلیه السلام قال: «ان اقام قائما وضع الله یده علی روس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلالهم {اخلاقهم}»؛ (اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵) امام باقرعلیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان خدا می نهد و خردهایشان را جمع و عقل و اخلاق شان را کامل گرداند.

۲- ۳۲۳. بقره: ۱۵۶.

۳- ۳۲۴. حج: ۴۱.

«قَالَ وَهَذِهِ لَيْلٌ مُحَمَّدٌ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْمَهْدِيُّ وَأَصْحَابِهِ بِمُلْكِهِمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ
وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ»؛(۱)

می فرماید: این آیه در شأن حضرت مهدی و یارانش نازل شده و خداوند شرق و غرب زمین را در سیطره حکومتشان قرار می دهد و به وسیله او و اصحابش دین را آشکار و حاکم گرداند و بدعت و باطل را از بین می برد.

«عَنْ عَقْدُ الدَّرَرِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قِصَّةِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فَيَبْعَثُ الْمَهْدِيَّ إِلَى أَمْرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ... يَذْهَبُ الشَّرُّ وَيَبْقَى الْخَيْرُ وَيَزْرَعُ الْإِنْسَانُ مَدًّا وَتُخْرَجُ لَهُ سَبْعَةُ أَمْدَادٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَيَذْهَبُ الزُّنَا وَشُرْبُ الْخَمْرِ وَيَذْهَبُ الرِّبَا وَيَقْبَلُ النَّاسُ عَلَى الْعِبَادَاتِ وَالشَّرْعِ وَالِدِّيَانَةِ وَالصَّلَاةِ فِي الْجَمَاعَاتِ تَطُولُ الْأَعْمَارُ وَتُؤَدَّى الْأَمَانَاتُ وَتُحْمَلُ الْأَشْجَارُ وَتَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ وَهَلَكَ الْأَشْرَارُ وَتُبْقَى الْأَخْيَارُ وَلَا يَبْقَى مَن يُبْغِضُ أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»؛(۲)

از امیر المومنین علیه السلام نقل شده است در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام که حضرت فرمود او فرماندها و کار گزارانش را به تمام شهرها و سرزمین ها می فرستند تا عدالت را بین مردم برقرار سازند... شر و بدی (در فرد و جامعه) از بین

ص: ۱۶۳

۱- ۳۲۵. نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶ و احقاق الحق، ج ۱۳، ص ۳۴۱ و ینابیع الموده، ص ۴۲۵.

۲- ۳۲۶. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

می رود و خیر و خوبی می ماند مردمان یک مد (۱۰ سیر = ۷۵۰ گرم) بذر کشت می کنند و هفت مد برداشت می کنند همانگونه که خداوند بلند مرتبه فرموده است و زنا و میگساری و ربا خواری از بین می رود (همه جا عدل و برکت و امنیت اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی برقرار می شود) و مردم به عبادت ها و شرع و دیانت و نماز جماعت روی می آورند، عمرها طولانی گردد و امانت ها ادا شود، درختان سر سبز و پر ثمر و برکت ها دو چندان شده، زشت کاران و بدان به هلاکت رسند و خوبان بمانند و کسی که بغض و دشمنی با اهل بیت علیهم السلام داشته باشد باقی نخواهد ماند.

و در بیانی دیگر از آن حضرت نقل شده است:

«وَيَعْبُدُونَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ»؛ (۱) و خداوند را عبادت می کنند حَقَّ عبادت و بندگی.

از محمد بن مسلم نقل شده است که شنیدم امام باقر علیه السلام می فرمود:

«الْقَائِمُ مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظَهِّرُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ... فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ...»؛ (۲)

ص: ۱۶۴

۱- ۳۲۷. المهدی الموعود المنتظر عند علماء السنه و الاماميه، شيخ نجم الدين جعفر بن محمد العسكري، ص ۲۹.

۲- ۳۲۸. همان و سفینه البحار، {هدی}

امام قائم علیه السلام به وسیله رعب و ترس پیروز می شود (یکی از عوامل پیروزی حضرت ترسی است که در دل ستمگران و مردم پدید آمده و تسلیم رهبری او می شوند) و سیطره حکومتش را به شرق و غرب عالم گسترش می دهد و خدای عزوجل به وسیله او دینش را ظاهر و حاکم می کند.. و در نتیجه سراسر روی زمین جز خدای یکتا پرستش و عبادت نشود.

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که در رابطه با قیام حضرت مهدی (عج) فرمود:

«... وَ لَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بُقْعَةٌ عُبِدَ فِيهَا غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عُبِدَ اللَّهُ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^(۱)

... قطعه زمینی در گستره گیتی که غیر خدای عزیز و جلیل در آن پرستش و عبادت شود، باقی نخواهد ماند و تنها دین خدا همه جا پرتو افکن شود هر چند مشرکان را خوش نیاید.

و در حدیثی دیگر حضرتش می فرماید:

«يُصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»؛^(۲)

او (قائم آل محمد صلی الله علیه و آله) همانند پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند

ص: ۱۶۵

۱- ۳۲۹. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۶ و کمال الدین، ص ۳۷۹.

۲- ۳۳۰. همان.

پیامبر آنچه از زمان جاهلیت (شرکت و بت و باطل) بود از بین برد و اسلام را بنا نهاد امام زمان (عج) هم جاهلیت (جدید و مدرن جهان پر از ظلم و باطل و بدعت) را نابود گرداند و اسلام ناب را از نو پیاده می کند.

واضح است که حاکمیت و اجرای دین اسلام و دستورات الهی همان عبودیت و بندگی خداست.

مقداد بن اسود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود:

«لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبْرٌ إِلَّا ادْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛^(۱)

در سراسر روی زمین حتی خانه ای از سنگ و گل یا خیمه ای از کرک و مو باقی نماند جز آنکه خداوند اسلام را وارد آن می کند. و امام باقر علیه السلام فرمود: قطعاً این امر هنگام قیام مهدی آل محمد علیه السلام محقق خواهد شد.

«عن ابی بصیر سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول: ... وَ لَا تَبْقَى فِی الْأَرْضِ بُقْعَةٌ عُبِدَ فِيهَا غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا عَبَدَ اللَّهُ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛^(۲) ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که - در رابطه با قیام حضرت مهدی علیه السلام - فرمود: قطعه زمینی در گستره زمین باقی نمی ماند که غیر خدای

ص: ۱۶۶

۱- ۳۳۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۵.

۲- ۳۳۲. بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۶؛ کمال الدین، ص ۳۷۹.

عزیز و جلیل، در آن پرستش و عبادت شود و تنها دین خدا همه جا پرتوافکن شود؛ هر چند مشرکان را خوش نیاید.

و در حدیثی دیگر حضرتش می فرماید:

«يُضَنِّعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَهْدِي مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»؛

او (قائم آل محمد صلی الله علیه و آله) همانند پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند و همچون پیامبر آنچه را که از زمان جاهلیت (شُرک و بت و باطل) بود، از بین برد و اسلام را بنا نهاد؛ امام زمان علیه السلام نیز جاهلیت (جدید و مدرن جهان پر از ظلم و باطل و بدعت) را نابود گرداند و اسلام ناب را از نو پیاده می کند.

واضح است که حاکمیت و اجرای دین اسلام و دستورات الهی همان عبودیت و بندگی خداست.

«قَالَ مِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبَرٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ (۱) مقداد بن اسود از پیامبر نقل می کند که فرمود: در سراسر زمین، حتی خانه ای از سنگ و گل و یا خیمه ای از کرک و مو باقی نمی ماند جز آنکه خدا اسلام را وارد آن می کند و امام باقر علیه السلام فرمود: قطعاً این امر هنگامه قیام مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله محقق خواهد شد.

ص: ۱۶۷

«و فی روضه الکافی عن علی بن ابراهیم عن اَبیه... وَ ذَكَرْنَا حَيْدِيثًا قُدْسِيًّا طَوِيلًا يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ وَ قَدْ ذَكَرَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَتَحَتْ كَلِمَاتِي لِمَظْهَرِنَّ دِينَهُ عَلَى الْأَذْيَانِ كُلِّهَا وَ لَا عُجْبِدَنَّ بِكُلِّ مَكَانٍ»؛(۱) در حدیث قدسی آمده: سرانجام خداوند دینش را بر تمام دین ها و مکاتب پیروز گرداند و در همه مکان ها و عبادت و پرستش شود.

«قال علی علیه السلام: يَعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى .. فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلِ السَّيْرِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ»؛(۲) امیرالمؤمنین علی علیه السلام در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: او تمایلات و هواها را تابع هدایت وحی الهی می کند؛ آن گاه که (مردم و حاکمان) هدایت را تابع تمایلات و هواهای نفسانی قرار دهند و هنگامی که قرآن را به رأی خود تفسیر کنند. آن وقت عدالت گستری و روش و سیره (پیامبر و عزتش علیه السلام) را به شما نشان خواهد داد و کتاب و سنت فراموش شده و منزوی مانده را احیا و اجرا خواهد کرد.

«عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث طویل إِنَّهُ قَالَ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... وَ لَا يَتْرُكُ بَدْعَهُ إِلَّا أَذَالَهَا وَ لَا سُنَّةَ إِلَّا أَقَامَهَا...»؛(۳)

ص: ۱۶۸

۱- ۳۳۴. نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۹؛ کنزالدقائق، ج ۱۲، ص ۳۱۰.

۲- ۳۳۵. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳- ۳۳۶. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: آن گاه که امام مهدی علیه السلام قیام کند. هیچ بدعتی رها نمی کند جز اینکه آن را از بین می برد و هیچ سنتی را رها نمی کند جز اینکه آن را به پا می دارد.

«يُفْرَجُ اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ عَنِ الْأُمَّةِ يَمَلَأُ قُلُوبَ الْعِبَادَةِ عِبَادَةً وَيَسْعُهُمْ عَذْلُهُ بِهِ يَمْحَقُ اللَّهُ الْكَاذِبَ وَيَذْهَبُ الزَّمَانَ الْكَلْبَ وَيَخْرُجُ ذُلَّ الرَّقِّ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ»؛ (۱) خداوند به وسیله حضرت مهدی علیه السلام گرفتاری ها را از امت برطرف می نماید، دل های بندگان را با عبادت و اطاعت سرشار می کند و عدالتش را فراگیر می کند، به طوری که دروغ و دروغگویی را نابود ساخته و خوی ستیزه جویی را از بین می برد و ذلت بردگی را از گردن آنها برمی دارد.

«ابا عبد الله عليه السلام يقول: وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا أَوْ كَرْهًا»؛ (۲) قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ (۳) امام باقر علیه السلام در بین آیه شریفه می فرماید: هنگامی که امام مهدی علیه السلام قیام کند، هیچ سرزمین باقی نمی ماند مگر اینکه ندای شهادت توحید «لا اله الا الله» و نبوت پیامبر صلی الله علیه وآله سر داده می شود.

ص: ۱۶۹

۱- ۳۳۷. همان، ج ۵۱، ص ۷۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

۲- ۳۳۸. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- ۳۳۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ و ۳۴۵؛ ینابیع الموده، ص ۴۲۱.

آری به حق با آمدن آن حجه الله و بهار شریعت - که در زیارت آن حضرت می خوانیم: السَّلَامُ عَلٰی رَبِیْعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَه الْأَیَّامِ - همه برکات نازل می گردد. آزادی و عدالت و امنیت و آسایش و ارزش های دینی و انسانی زنده می گردد با آمدن بهار طبیعت، همه درختان سرسبز و همه گل ها شکوفا می شود) موانع بندگی خدا برطرف و عوامل عبادت فراهم گشته و انسان ها آزادانه و آگاهانه به پرستش حق می پردازند.

و همچنین در دعای ندبه می خوانیم:

«أَیْنَ الْمِدْخَرُ لِتَجْدِیدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ... أَیْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاحِیَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ»؛(۱) کجاست آن (امام و پیشوایی) که برای تجدید و احیای فرائض و سنت های پیامبر و عترت او - که محو و فراموش گشته - ذخیره شده است... کجاست آنکه آرزومندیم کتاب آسمانی قرآن و حدودش را زنده و اجرا کند؟

و در دعای عهد می خوانیم:

«.. وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ... مُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشَيِّدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سَيِّئِنِ نَبِيَّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛(۲) پروردگار او را تجدیدگر و احیا کننده احکام قرآن مجیدت که تعطیل شده و استوار کننده و استحکام بخش شعائر و نشانه های دین و سنت های پیامبرت قرار بده.

ص: ۱۷۰

۱- ۳۴۰. مصابیح الجنان.

۲- ۳۴۱. همان.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَليِّكَ الْمُحِبِّي سُنَّتِكَ»؛ (۱) پروردگارا بر ولّیت که احیاگر سنت تو است، درود بفرست.

ص: ۱۷۱

۱- ۳۴۲. مصباح المتهدج، ص ۴۰۸، چاپ جدید.

۱. قرآن مجید.
۲. نهج البلاغه، سید علی نقی فیض الاسلام.
۳. اصول کافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی.
۴. تفسیر المیزان، علامه السید محمدحسین طباطبایی.
۵. غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی.
۶. وسائل الشیعه، علامه شیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی.
۷. تحف العقول، ابی محمد حسن بن علی بن الحسینی بن شعبه حرّانی.
۸. بحار الانوار، علامه شیخ محمد باقر مجلسی.
۹. من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی.
۱۰. مستمسک العروه الوثقی، السید محسن الطباطبایی حکیم.
۱۱. کنز العمال، علاءالدین علی المتقی بن حسام الدین هندی.
۱۲. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی.
۱۳. امالی صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی.
۱۴. علل الشرایع، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی.
۱۵. سفینه البحار، محدث محقق حاج شیخ عباس قمی.

۱۶. صحیفه سجّادیه.

۱۷. موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام.

۱۸. میزان الحکمه، محمّد محمّدی ری شهری.

۱۹. مناقب ابن شهر آشوب، محمّد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی.

۲۰. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید.

۲۱. هدایه العلم و غررالحکم، سید حسین شیخ الاسلام.

۲۲. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده.

ص: ۱۷۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

